

کتاب های دیگر این نویسنده:

«تبدیل شوید: به وسیله روح خدای زنده سال ۲۰۱۱»

کتاب «صیاد مردم، شاگردان پویای عیسی مسیح شوید» دنباله کتاب «شروعی تازه» می باشد که از سال ۲۰۱۸ انتشار یافته است. کتاب «صیاد مردم» شخص را به سطح عمیق تری از دانش مسیحیت می برد و او را برای خدمت والاتری به خداوند مجهز می سازد.

کتاب «تبدیل شوید» با موفقیت مورد استفاده افراد بسیاری از فرقه های مسیحی قرار گرفته است. این کتاب منبع مطالعاتی و آموزشی بسیاری خوبی برای مردان و زنان است و زندگی بی شماری را تبدیل کرده است.

پس از انتشار اولین کتاب «شرون» تحت عنوان «تبدیل شوید: به وسیله روح خدای زنده» سازمان خدمات «تبدیل شوید» در سال ۲۰۱۱ پایه گذاری گردید.

مأموریت این سازمان، شناساندن انجیل عیسی مسیح به گمشدگان روحانی از طریق سخنرانی، تعلیم گروه های کوچک، ادامه انتشارات و چاپ جزوات می باشد.

بخش بسیار مهم خدمات «تبدیل شوید» ارسال رایگان هزاران کتاب این سازمان به افرادی است که در زندان ها و مکان های بازپروری (rehab) به سر می برند.

از سال ۲۰۱۷ کتاب های این خدمات به بیش از ۴۰ موسسه گوناگون در سراسر آمریکا ارسال شده است و بیش از ۹۰۰ کتاب به زندان های لس آنجلس توزیع شده است.

جهت همراهی در خدمت با ما و یا کمک های مالی به این خدمات خواهشمند است با وبسایت ما در ذیل تماس حاصل فرمایید یا از طریق آدرس پستی با ما مکاتبه نمایید.

Website: Betransformedministries.com

Facebook Address: [Facebook.com/betransformedministries](https://www.facebook.com/betransformedministries)

Email Address: betransformed@betransformedministries.com

Mailing Address: P.O. Box 597, Grover Beach, CA 93458

از کمک ها و همراهی شما بسیار سپاسگزاریم!

شروعی تازه

شروعی تازه

اصول مقدماتی ایمان مسیحی

برای مطالعه فردی یا گروهی
شامل آیات کتاب مقدس

نویسنده:

شرون دوترا

شروعی تازه

تقدیم

این کتاب را به تمام مردان و زنانی تقدیم می‌کنم که در طول سالیان افتخار داشتم به آنها تعلیم دهم.

زمانی که تعلیم دادن را می‌آموختم شما مرا حمایت کردید. با محبت خود مرا تشویق نمودید، حتی زمانی که بسیار به شما سخت گرفتم. شما با صبر و حوصله و پایداری در تعهد خود در آموزش کلام مرا یاری و همراهی کردید.

شما همواره الهام‌بخش من در رسیدن به بالاترین مرحله توانایی‌ام بوده‌اید، که تا آنجا که ممکن است با فیض خداوند بهترین آموزگار و نویسنده باشم.

بدون حمایت شما هیچیک از این کارها امکان‌پذیر نبودند. از صمیم قلب از همه شما سپاسگزارم.

به ویژه از تمام افرادی سپاسگزارم که ساعت‌ها صرف خواندن، تصحیح و تنظیم کار من کرده‌اند.

این کتاب را نیز به شوهرم «مایکل» که بهترین هدیه خدا برای من است تقدیم می‌کنم. و البته زندگی من بدون بازخرید و بخشش خداوند عیسی‌ای مسیح، کاملاً بیهوده و از هم گسیخته بود. بزرگترین آرزویم این است که تو را ای عیسی‌ای خداوند دوست بدارم و تمام زندگی‌ام را تقدیمت نمایم.

شروعی تازه

درباره نویسنده

«شرون دوترا» زمانی یک نفر بی‌خانمان و بی‌پناه و معتاد به مواد مخدر بود که از زندگی‌اش نفرت داشت. چندین بار دست به خودکشی زد. در دورانی که در زندان به سر می‌برد، عیسای مسیح را به قلب خود راه داد و از آن پس زندگی‌اش تغییر کرد. عطایای تعلیم و بشارت را از خداوند دریافت نمود و کتاب‌هایش ثمرهٔ این عطایا هستند. بزرگترین خواستهٔ «شرون» این است که مردم را به ایمان به مسیح هدایت نماید و آنها را آماده سازد که شاگردان فعالی برای عیسای مسیح باشند. این کتاب ساده و صریح است و مسیحیان را در یادگیری تعلیم اصول ایمان از کلام خدا یاری می‌دهد. رویارویی با مسائل نامطلوب زندگی کار آسانی نیست، اما شرون دوترا با این مشکلات دست به گریبان می‌شود. او نه تنها با آنها مقابله می‌کند، بلکه اسلحه کامل خداوند را پوشیده و با شما و در کنار شما برای ایمان شما به نبرد می‌پردازد. او شما را با ابزاری که در مسیر خود نیاز دارید مجهز می‌نماید. من با استفاده از تعلیمات شرون، مسیحی موفق‌تری در امور روزانه‌ام شده‌ام. او نویسنده با استعدادی است که امیدوار است با هدایت روح‌القدس صلح و آرامش را به زندگی دیگران بیاورد. او شما را یاری می‌دهد که با سخت‌ترین مسائل زندگی‌تان روبرو شوید. شهادت زندگی او امیدبخش است. تعلیمات و آثارش دگرگونی ایجاد می‌کنند و محبت آشکار و جذابش برای خدا الهام‌بخش افرادی است که انتخاب نمودند به عیسای مسیح ایمان آورند. شرون قلب و روح خود را به همراه تجارب و دیدگاهش در نوشته‌هایش به کار می‌برد. او کتاب‌هایش را به گونه‌ای ساده می‌کند که قابل تعلیم، استفاده و موجب تغیر در زندگی می‌گردند. هدف نهایی و آرزوی قلبی او این است که به دیگران کمک نماید تا در زندگی هر روزه شان با مسیح "دگرگون شوند". ما به مدت یک سال و نیم تحت آموزش «شرون» بوده‌ایم و ما نیز شهادت می‌دهیم که در بسیاری از جنبه‌های زندگی‌مان تغییر و تبدیل صورت گرفته است. اکنون می‌گوییم: شرون سپاسگزاریم که عطیه خود را که دگرگون کنندهٔ زندگی است با ما در میان گذاشتی. دعا می‌کنیم آن نوری که از عیسی یافته‌ای از طریق کتاب‌های آینده‌ات و خدمات تو همچنان بدرخشد. برای فعالیت های آینده ات برکات فراوان خواستاریم. ای سرباز مسیح، در مسیرت با عزم به جلو برو! با دل‌هایی پر امتنان و جان‌هایی تسکین یافته، مایکل و سوزان گوین، سن لوئی ابیسپو، کالیفرنیا.

شروعی تازه

زمانی که خدمات زمینی‌اش کامل شد، پیش از آنکه عیسی به آسمان صعود کند، به پیروانش چنین دستور داد: "بروید و از تمام ملت‌ها شاگرد بسازید، و به شاگردان جدید بیاموزید که آنچه را که به شما تعلیم دادم اطاعت کنند."

با در نظر گرفتن این فرمان، شرون دوترا کتابی جهت «دوره پایه‌ای» آموزش کتاب مقدس نوشته است که به ایمانداران جدید یا شاگردانی که به ایمان مسیح بازگشته‌اند، یاری می‌کند که در سلوک خود با عیسی رشد کنند. این وسیله ممتازی برای گروهی از ما است که مشتاقیم به بینیم ایمانداران جدید مبدل به شاگردان با تجربه‌ی عیسی مسیح گردند.

«ران دی»، شبان کلیسای هاروست، آرویو گرانده، کالیفرنیا

شروعی تازه

چگونه این کتاب را به کار ببریم

این کتاب برای آموزش گروهی و یا فردی بسیار مناسب است. شیوه گروهی که به بهترین نحوی برای ما به کار رفته است به این صورت است که هر نفر در گروه در خواندن آیات به نوبت شرکت می‌کند و آیاتی را که در درس به کار رفته است در کتاب مقدس پیدا می‌کند. مطالب دیگری وجود دارند که می‌توانستم به این کتاب اضافه کنم، اما این فصل‌ها را انتخاب کردم که بتوانم آموزش کلام را که برای ۱۲ هفته مناسب باشد تهیه کنم. معمولاً هر کلاس یک ساعت و چهل و پنج دقیقه طول می‌کشد. این دروس طولانی هستند و آیات بسیاری را در بر می‌گیرند، از این رو احتمالاً فرصت کافی برای بحث و گفتگوی گروهی نخواهد بود. اما، اگر مایل هستید که گفتگوی گروهی را نیز انجام دهید، می‌توانید این دوره را به بیش از ۱۲ هفته تنظیم کنید.

برای کتاب «شروعی تازه» از کتاب مقدس ترجمه تفسیری استفاده شده است. معمولاً ترجیح می‌دهم که شاگردان آیات را در کتاب مقدس خود جستجو کنند تا با پیدا کردن فصل‌ها و آیات در کلام آشنا شوند. اما، از آنجا که این کتاب درباره حقایق بنیادی است، افرادی در کلاس هستند که شاید برای اولین بار با آیات کلام آشنا می‌شوند، و جستجوی آیات کلام مستلزم صرف وقت است.

لطفاً تمام آیات را بخوانید! کتاب مقدس نیروی اصلی این آموزش‌ها می‌باشد. اگر فرصتی را در نظر گیرید و کلام را مطالعه کنید، حقایق بسیاری درباره خدا و راه‌هایش خواهید آموخت. اما اگر از آیات صرف‌نظر کنید، بهترین قسمت این مطالعات را از دست می‌دهید. آرزوی من برای همه این است که کتاب مقدس را به خوبی بیاموزند. در فصلی تحت عنوان «کتاب مقدس چیست؟» می‌آموزید که مطالعه هر روزه کلام خدا یکی از اساسی‌ترین دیدگاه زندگی مسیحی است. شیوه‌ای برای گروه خود در پیش می‌گیرید، اما اگر طبق آنچه پیشنهاد شده است عمل نمایید، شما را هدایت می‌کند که بهترین شیوه‌ها را برای مطالعه گروهی انتخاب کنید.

شروعی تازہ

فہرست مطالب

۸	فصل اول : گناہ
۱۹	فصل دوم : توبہ
۲۷	فصل سوم : ایمان
۳۶	فصل چہارم : نجات
۴۵	فصل پنجم : کتاب مقدس چیست؟
۵۴	فصل ششم : خدا کیست؟
۶۵	فصل ہفتم : عیسی کیست؟
۷۸	فصل ہشتم : روح القدس کیست؟
۹۰	فصل نهم : شیطان کیست؟
۱۰۶	فصل دهم : تعمید
۱۱۶	فصل یازدہم : دہ یک
۱۲۶	فصل دوازدہم : عشای ربانی یا شام خداوند

فصل اول:

گناه

وقتی که کلمه «گناه» را می‌شنوید به چه چیزی فکر می‌کنید؟ آیا عقیده دارید که مردم بد هستند و به همین دلیل کارهای نادرست انجام می‌دهند؟ شاید فکر می‌کنید که بیشتر مردم خوب هستند، اما در شرایط نامساعدی قرار می‌گیرند که «آنها را وادار می‌سازد» که کارهای بدی انجام دهند. یا امکان دارد که ما طبیعتاً با گناه دنیا آمده و چاره‌ای جز شرارت نداریم - ما چاره‌ای جز گناه کردن نداریم؟

گناه چیست؟

معنی اصلی گناه می‌تواند «به هدف نزدن» باشد. یعنی لغتی که در ورزش تیر و کمان به کار می‌رود. همه ما می‌دانیم که «درست به هدف زدن» امتیاز کامل را به دست می‌آورد. این مثال در رابطه با داستان خلقت است که خداوند آدم و حوا را آفرید. هدف خداوند این بود که آنها با او در اتحاد کامل زندگی کنند، اراده کامل او را به جا آورند و رابطه نزدیک و کاملی با او داشته باشند. موانعی چون تقصیر، شرم، بدی، غرور، طمع، خودخواهی و یا عقوبتی در کار نبود. اما همه ما داستان را می‌دانیم - حوا سیب را گاز زد و از شوهرش آدم دعوت کرد که در نافرمانی او سهیم شود. (پیدایش ۳: ۱۹-۱: ۱۷) اما از همه حیواناتی که خداوند به وجود آورد، زیرک تر بود. روزی مار نزد زن آمده، به او گفت: «آیا حقیقت دارد که خدا شما را از خوردن میوه تمام درختان باغ منع کرده است؟» و زن در جواب گفت: «ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم، به جز میوه درختی که در وسط باغ است. خدا امر فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی آن را لمس نکنیم وگرنه می‌میریم.» ۴ مار گفت: «مطمئن باش نخواهید مُرد! ۵ بلکه خدا خوب می‌داند زمانی که از میوه آن درخت بخورید، چشمان شما باز می‌شود و مانند خدا می‌شوید و می‌توانید خوب را از بد تشخیص دهید.» ۶ آن درخت در نظر زن، زیبا آمد و با خود اندیشید: «میوه این درخت دلپذیر، می‌تواند خوش طعم باشد و به من دانایی ببخشد.» پس از میوه درخت چید و خورد و به شوهرش هم داد و او نیز خورد. ۷ آنگاه چشمان هر دو باز شد و از برهنگی خود آگاه شدند؛ پس با برگ‌های درخت انجیر پوششی برای خود درست کردند. ۸ عصر همان روز، آدم و زنش، صدای خداوند را که در باغ راه می‌رفت شنیدند و خود را لابلای

شروعی تازه

درختان پنهان کردند. ۹ خداوند آدم را ندا داد: «ای آدم، چرا خود را پنهان می‌کنی؟» ۱۰ آدم جواب داد: «صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم، زیرا برهنه بودم؛ پس خود را پنهان کردم.» ۱۱ خداوند فرمود: «چه کسی به تو گفت که برهنه‌ای؟ آیا از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری؟» ۱۲ آدم جواب داد: «این زن که یار من ساختی، از آن میوه به من داد و من هم خوردم.» ۱۳ آنگاه خداوند از زن پرسید: «این چه کاری بود که کردی؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد.» ۱۴ پس خداوند به مار فرمود: «به سبب انجام این کار، از تمام حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعون‌تر خواهی بود. تا زنده‌ای روی شکمت خواهی خزید و خاک خواهی خورد. ۱۵ بین تو و زن، و نیز بین نسل تو و نسل زن، خصومت می‌گذارم. نسل زن سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.» ۱۶ آنگاه خداوند به زن فرمود: «درد زایمان تو را زیاد می‌کنم و تو با درد فرزندان خواهی زایید. مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.» ۱۷ سپس خداوند به آدم فرمود: «چون گفته زنت را پذیرفتی و از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری، زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رنج و زحمت از آن کسب معاش خواهی کرد. ۱۸ از زمین خار و خاشاک برایت خواهد رویید و گیاهان صحرا را خواهی خورد. ۱۹ تا آخر عمر به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی؛ زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم بر خواهی گشت.» نتیجه دردآور گناه (جدائی از خداوند) است. اگر شما جدا از خداوند زندگی کرده‌اید، ممکن است این جدائی به نظرتان چندان مهم نباشد. اما خداوند همه نیکویی‌ها را می‌دهد و نبودن خداوند به معنی نداشتن محبت، خوشی، آرامش و امید در زندگی‌مان می‌باشد. به این دلیل در دل احساس تهی بودن، تنهایی، و گاهی بی‌هدفی داریم. از زمانی که توسط آدم و حوا گناه وارد زندگی نوع بشر گردید، نوع بشر از هنگام تولد از نظر روحانی از خداوند دور شدند. این دوری در زندگانی ما باقی می‌ماند تا ما بتوانیم با آگاهی تصمیم بگیریم که تسلیم خداوند شویم. ما خود قادر نیستیم که از این شرایط خارج شویم زیرا طبیعت ذاتی ما در جستجوی خود و خدمت به خود است، و معتقدیم که خودمان قادریم نیازهای خود را برآورده سازیم. اما در می‌یابیم که «خود» ریشه تمام مشکلات ما است! (ارمیا ۱۷: ۹؛ هیچ چیز مانند دل انسان فریبکار و شرور نیست؛ کیست که از آنچه در آن می‌گذرد آگاه باشد؟).

شروعی تازه

در حقیقت، کتاب مقدس می گوید که قبل از آنکه عیسی را به قلب خود دعوت نماییم، روح ما عملاً مرده است (افسیسیان ۲: ۱-۳: ۱: روزگاری شما نیز به علت خطایا و گناهان تان، زیر لعنت خدا قرار داشتید و محکوم به مرگ ابدی بودید. ۲ شما هم مانند دیگران غرق در گناه بودید و شیطان را اطاعت می کردید، شیطانی که رئیس نیروهای پلید است و هم اکنون در قلب مخالفین خدا عمل می کند. ۳ ما نیز همگی مانند آنها بودیم. طرز زندگی ما، نشان دهنده ذات ناپاک ما بود. ما اسیر هوس ها و افکار کثیف خود بودیم و دست به هر کار زشتی می زدیم. ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدیم و درست مانند دیگران، زیر خشم و غضب خدا بودیم. - کولسیان ۲: ۱۳: زمانی شما در گناهان خود مرده بودید، و هوس های گناه آلود بر وجودتان مسلط بود. اما خدا شما را در حیات مسیح سهیم گرداند، زیرا همه گناهان تان را آمرزید. به سختی می توان باور کرد، زیرا کسانی را مشاهده کرده ایم که ظاهراً بدون خدا خوشحال هستند. حتی ممکن است این افراد خود را «اشخاصی روحانی» به حساب آورند. اما از نظر خدا تنها راه واقعی که می توانیم از نظر روحانی زنده باشیم این است که عیسی از طریق روح القدس در درون ما زندگی کند.

دلیل دیگری که طبیعت گناه آلود ما که با آن به دنیا آمده ایم ما را از خداوند دور می سازد این است که، خدا نمی تواند گناه را در حضور خود بپذیرد. و بدتر از همه این که ما هرگز نمی توانیم بهای گناهان خود را بپردازیم. ما حتی قادر نیستیم «به قدر کافی خوب» باشیم تا بدون دخالت او با او رابطه داشته باشیم. او کاملاً مقدس است و ما هر قدر هم که تلاش کنیم قادر نیستیم طبق معیارهای او عمل نماییم (رومیان ۳: ۱۰: کتاب آسمانی نیز در این باره می فرماید: هیچکس نیکوکار نیست، در تمام عالم، یک بی گناه هم یافت نمی شود. - اول پطرس ۱: ۱۵: به همین جهت، در تمام رفتار و کردار خود، پاک و مقدس باشید، زیرا خداوند نیز پاک و مقدس است، همان خداوندی که شما را خوانده تا فرزند او باشید).

واقعیت این است که ما به هیچ وجه قادر نیستیم بر گناهان خود غلبه نماییم (رومیان ۵: ۲۱-۱: پس چون به وسیله ایمان به عیسی مسیح در نظر خدا پاک و بی گناه محسوب شده ایم، از رابطه مسالمت آمیزی با خدا بهره مند هستیم. این رابطه زمانی ایجاد شد که خداوند ما عیسی مسیح جاننش را روی صلیب در راه ما فدا کرد. ۲ به سبب همین ایمان است که عیسی مسیح ما را در چنین مقام و موقعیت عالی و ممتازی قرار داده است، مقام و موقعیتی که اکنون نیز در آن قرار داریم؛ و با اطمینان و شادی فراوان، مشتاق هستیم به صورتی در آییم که خدا برای ما در نظر گرفته است. ۳ اما نه تنها از این بابت شادیم، بلکه

شروعی تازه

وقتی با مشکلات زندگی و سختی‌های روزگار نیز روبرو می‌شویم، باز خوشحال هستیم زیرا می‌دانیم این سختی‌ها به خیر و صلاح ما هستند چون به ما می‌آموزند که صبر و تحمل داشته باشیم. ۴ صبر و تحمل نیز باعث رشد و استحکام شخصیت ما می‌شود و به ما یاری می‌کند تا ایمان‌مان به خدا روز به روز قوی‌تر گردد. چنین ایمانی سرانجام امید ما را نیز نیرومند و پایدار می‌سازد. ۵ تا بتوانیم در برابر هر مشکلی بایستیم و اطمینان داشته باشیم که هر پیش‌آمدی به خیر و صلاح ماست، زیرا می‌دانیم که خدا چقدر نسبت به ما مهربان است. ما این محبت گرم او را در سراسر وجود خود احساس می‌کنیم، زیرا او روح‌القدس را به ما عطا فرموده تا دل‌های ما را از عشق و محبتش لبریز سازد. ۶ پس ملاحظه می‌کنید که در آن هنگام که ما درمانده و ذلیل بودیم، درست در زمان مناسب، مسیح آمد و در راه ما گناهکاران جان خود را فدا کرد! ۷ حتی اگر ما انسان‌هایی خوب و پرهیزکار می‌بودیم، کمتر کسی ممکن بود حاضر شود جانش را در راه ما فدا کند، هر چند ممکن است کسی پیدا شود که بخواهد در راه یک انسان خوب و نجیب جانش را فدا کند. ۸ اما ببینید خدا چقدر ما را دوست داشت که با وجود اینکه گناهکار بودیم، مسیح را فرستاد تا در راه ما فدا شود. ۹ اگر آن زمان که گناهکار بودیم، مسیح با ریختن خون خود این فداکاری را در حق ما کرد، حالا که خدا ما را بی‌گناه به حساب آورده، چه کارهای بزرگتری برای ما انجام خواهد داد و ما را از خشم و غضب آینده خدا رهایی خواهد بخشید. ۱۰ هنگامی که دشمنان خدا بودیم، او به وسیله مرگ فرزندش ما را با خود آشتی داد؛ پس اکنون که دوستان خدا شده‌ایم و عیسای مسیح هم در قلب ما زندگی می‌کند، چه برکات عالی و پُر شکوهی به ما عطا خواهد کرد. ۱۱ حال، چقدر از رابطه عالی و جدیدی که با خدا داریم، شادیم! اینها همه از برکت وجود خداوند ما عیسای مسیح است که در راه گناهکاران، جان خود را فدا کرد تا ما را دوستان خدا سازد. ۱۲ وقتی آدم گناه کرد، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه، همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت، چون انسان‌ها همه گناه کردند. ۱۳ (یقین داریم که گناه آدم تمام این مسایل را به وجود آورد، زیرا اگرچه مردم از زمان آدم تا موسی گناه می‌کردند، اما خدا در آن زمان ایشان را به سبب زیر پا گذاشتن احکام خود محکوم نمی‌کرد، چون هنوز احکام و دستورات خود را به ایشان عطا نکرده بود. ۱۴ با وجود این، آنها نیز همه مردند، اما نه به همان علتی که آدم مرد، زیرا ایشان مانند او از میوه درخت ممنوع نخورده بودند). چه تفاوت بزرگی است میان آدم و مسیح موعود که می‌بایست ظهور

شروعی تازه

کند! ۱۵ و چه فرق بزرگی است میان گناه آدم و بخشش خدا! آدم با گناه خود، باعث مرگ عده بسیاری شد؛ اما عیسای مسیح از روی لطف خدا، سبب بخشش گناهان بسیاری گشت. ۱۶ یک گناه آدم موجب شد که عده بسیاری محکوم به مرگ گردند، درحالی که مسیح گناهان بسیاری را به رایگان پاک می‌کند و باعث می‌شود خدا ایشان را «بی‌گناه» بشناسد. ۱۷ در نتیجه گناه یک انسان یعنی آدم، مرگ و نابودی همه چیز را در چنگال خود گرفت؛ اما تمام کسانی که هدیه خدا یعنی آموزش و پاکی کامل از گناه را می‌پذیرند، از آن پس شریک حیات و سلطنت یک انسان دیگر یعنی عیسای مسیح می‌گردند. ۱۸ بلی، گناه آدم برای همه محکومیت به همراه آورد، ولی عمل شایسته و مقدسی که مسیح انجام داد، همه را از محکومیت رهایی می‌دهد و به ایشان زندگی می‌بخشد. ۱۹ آدم باعث شد که عده زیادی گناهکار شوند، اما مسیح باعث شد که خدا بسیاری را «بی‌گناه» به حساب آورد، زیرا از خدا اطاعت کرد و بر روی صلیب کشته شد. ۲۰ پس ده فرمان موسی چه نقشی در نجات انسان از گناه دارد؟ ده فرمان به این دلیل عطا شد تا بر تمام مردم مسلم شود که تا چه حد احکام خدا را زیر پا گذاشته‌اند. اما هر چه بیشتر به طبیعت گناهکار خود پی می‌بریم، بیشتر لطف و بخشش بی‌پایان خدا را درک می‌کنیم. ۲۱ قبلا گناه بر انسان حکومت می‌کرد و باعث مرگ می‌شد، اما اکنون لطف و مهربانی خدا حکومت می‌کند تا نه تنها ما را در نظر او شایسته سازد، بلکه به وسیله خداوند ما عیسای مسیح، ما را به زندگی جاوید برساند. - رومیان ۷: ۸-۱۴: ۸: ۱۴ پس، شریعت خوب است و اشکالی در آن وجود ندارد. اشکال در من است که همچون یک برده به گناه فروخته شده‌ام. ۱۵ بنابراین، من اختیار عمل خود را ندارم، زیرا هر چه می‌کوشم کار درست را انجام دهم نمی‌توانم، بلکه کاری را انجام می‌دهم که از آن متنفرم! ۱۶ من به خوبی می‌دانم که آنچه می‌کنم، اشتباه است و وجدان ناراحت من نیز نشان می‌دهد که خوب بودن شریعت را تصدیق می‌کنم. ۱۷ اما کاری از دستم بر نمی‌آید، زیرا کننده این کارها من نیستم. این گناه درون من است که مرا وادار می‌کند مرتکب این اعمال زشت گردم، زیرا او از من قوی‌تر است. ۱۸ اکنون دیگر برای من ثابت شده است که وجود من به خاطر این طبیعت نفسانی، از سر تا پا فاسد است. هر چه تلاش می‌کنم، نمی‌توانم خود را به انجام اعمال نیکو وادارم. می‌خواهم خوب باشم، اما نمی‌توانم. ۱۹ می‌خواهم کار درست و خوب انجام دهم، اما قادر نیستم. سعی می‌کنم کار گناه آلودی انجام ندهم، اما بی‌اختیار گناه می‌کنم. ۲۰ پس اگر کاری را انجام می‌دهم که نمی‌خواهم، واضح است که اشکال در کجاست: گناه

شروعی تازه

هنوز مرا در چنگال خود اسیر نگاه داشته است. ۲۱ به نظر می‌رسد که در زندگی، این یک واقعیت است که هرگاه می‌خواهیم کار نیک انجام دهیم، بی‌اختیار کار بد از ما سر می‌زند. ۲۲ البته طبیعت تازه‌ام مایل است خواست خدا را انجام دهد. ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ اما چیزی در عمق وجودم، در طبیعت نفسانی من هست که با فکرم در جنگ و جدال می‌باشد و در این مبارزه پیروز می‌شود و مرا برده گناه می‌سازد، گناهی که هنوز در درون من وجود دارد. در فکرم اراده می‌کنم که خدمتگزار از جان گذشته خدا باشم، اما می‌بینم که هنوز اسیر گناه هستم. پس می‌بینید که من در چه حال زاری هستم: طبیعت جدید من به من امر می‌کند که اعمالم پاک و خوب باشد، اما آن طبیعت کهنه که هنوز در من است، به سوی گناه کشیده می‌شود. وای که در چه تنگنای وحشتناکی گرفتار شده‌ام! چه کسی می‌تواند مرا از چنگ این طبیعت مرگبار آزاد کند؟ خدا را شکر، این کار را خداوند، عیسی مسیح انجام می‌دهد. ۸: بنابراین، چون به عیسی مسیح تعلق داریم، هیچ محکومیت و مجازاتی در انتظار ما نیست. ۲ زیرا قدرت حیات‌بخش روح‌القدس که به لطف مسیح به ما عطا شده، ما را از سلطه گناه و مرگ آزاد کرده است. ۳ در واقع، ما با دانستن احکام مذهبی از چنگال گناه نجات پیدا نکردیم، زیرا قادر به رعایت آنها نیستیم. به همین علت خدا طرح دیگری برای نجات ما تهیه دید. او فرزند خود عیسی مسیح را در بدنی مانند بدن انسانی ما به این جهان فرستاد، با این تفاوت که بدن او مثل بدن ما تحت سلطه گناه نبود. او آمد و جانم را در راه آمرزش گناهان ما قربانی کرد، تا ما را نیز از سلطه گناه آزاد سازد. ۴ پس حال، قادریم احکام و دستورات خدا را اطاعت کنیم، زیرا عنان زندگی ما در دست روح خداست نه در دست طبیعت کهنه و گناه‌آلود ما. ۵ آنانی که عنان زندگی خود را به دست طبیعت کهنه‌شان می‌دهند، چیزی جز ارضای شهوات خود نمی‌جویند. اما آنانی که تابع روح خدا هستند، اعمالی را به جا می‌آورند که خدا را خشنود می‌سازد. ۶ اگر از روح خدا پیروی کنیم، حیات و آرامش نصیب‌مان می‌گردد؛ اما اگر از طبیعت کهنه خود پیروی کنیم، چیزی جز مرگ و هلاکت به دست نخواهیم آورد. ۷ زیرا طبیعت گناه‌آلود ما، بر ضد خداست و هرگز از احکام خدا اطاعت نکرده و نخواهد کرد. ۸ از این رو، آنانی که عنان زندگی‌شان در دست طبیعت کهنه گناه‌آلودشان است و هنوز در پی خواهش‌های ناپاک سابق خود هستند، نمی‌توانند خدا را راضی کنند. ۹- اول یوحنا ۳: ۱۰-۴: ۴ هر که گناه می‌کند، احکام خدا را می‌شکند، زیرا گناه چیزی نیست جز شکستن احکام خدا و رفتار کردن برخلاف خواست او. ۵ اما می‌دانید که مسیح انسان شد تا بتواند گناهان ما را

شروعی تازه

پاک سازد؛ و این را نیز می‌دانید که او کاملاً پاک و بی‌گناه بود، چون هرگز کاری برخلاف خواست خدا انجام نداد. ۶ پس اگر همواره با مسیح رابطه‌ای نزدیک داشته باشیم، در گناه زندگی نخواهیم کرد. اگر کسی در گناه زندگی می‌کند، علتش اینست که هرگز با او رابطه‌ای نداشته و او را نشناخته است. ۷ فرزندان عزیزم، مراقب باشید کسی شما را در این مورد فریب ندهد: هر که اعمال نیک و راست انجام می‌دهد، به این علت است که درستکار و نیک است، همانگونه که مسیح نیک و درستکار بود. ۸ اما کسی که در گناه به سر می‌برد، نشان می‌دهد که فرزند شیطان است، زیرا شیطان از همان ابتدا که خود را به گناه آلوده ساخت، تا به حال گناه می‌کند. اما فرزند خدا آمد تا اعمال شیطان را باطل سازد. ۹ هر که به خانواده خدا ملحق می‌شود و فرزند خدا می‌گردد، به راه گناه نمی‌رود، زیرا او از طبیعت و حیات الهی برخوردار می‌شود. بنابراین، دیگر نمی‌تواند گناه کند، زیرا در او زندگی تازه‌ای شکل گرفته است که از خدا جریان می‌یابد. ۱۰ پس به این ترتیب می‌توان گفت که چه کسی فرزند خداست و چه کسی فرزند شیطان است. هر که زندگی گناه‌آلودی داشته باشد و ممنوع خود را نیز دوست نداشته باشد، فرزند خدا نیست). اگر این را باور نمی‌کنید، به اموری که در دنیا می‌گذرد نگاه کنید. اعتیاد، طمع، نفرت، قتل و کشت و کشتار، دروغ، وحشت و خشم همه جا را فرا گرفته است یا فقط کافی است یک کودک ۲ ساله را در نظر بگیرید که به آنها خودخواهی و مبارزه نیاموخته‌اند اما «طبعاً» این گونه عمل می‌کنند. یا این که همیشه شما به خودتان می‌گویید: «دیگر این کار را نمی‌کنم!» اما بازهم به همان اعمال و رفتار که شما را ناراحت می‌کند، دست می‌زنید. این‌ها همه نمونه‌های کاملی از طبیعت انسانی است - طبیعتی که گناه در مرکز آن است.

حتی اشخاصی که تصور می‌کنیم «خوب» هستند، از گناه به دور نیستند. یوحنا ۱۶:۹ می‌گوید که بزرگترین گناه این است که به عیسی، که خود خداست ایمان نیاورید. این برای این است که عیسی «راه، راستی و حیات» است. و هیچ کس نمی‌تواند بدون او به حضور خداوند برود (یوحنا ۱۴: ۶: عیسی به او فرمود: «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچ کس نمی‌تواند به خدا برسد مگر به وسیله من.»).

گناه دشمن سرسختی است که اگر در مقابل او مقاومت نکنیم، بر ما پیروز می‌شود (پیدایش ۴: ۷: اگر درست عمل می‌کردی، آیا مقبول نمی‌شدی؟ اما چون چنین نکردی، گناه در کمین توست و می‌خواهد بر تو مسلط شود؛ ولی تو بر آن چیره شو! - دوم پطرس ۲: ۱۹: و می‌گویند: «کسی که نجات یافته، آزاد است هر کاری می‌خواهد بکند و هیچ کار

شروعی تازه

او گناه به حساب نخواهد آمد.» در حالیکه خودشان نیز آزاد نیستند بلکه اسیر شهوات می‌باشند، زیرا انسانی که تحت تسلط چیزی است، اسیر آن می‌باشد. به همین دلیل، هرگز رضایت و آرامش واقعی را دریافت نمی‌کنیم زیرا همیشه کوشش می‌کنیم به تمایلات خود دست یابیم که ما را به سوی پول، مقام، امور جنسی، قدرت، شهرت، هوس یا مال و ثروت می‌کشاند. کوشش در برآوردن تمایلات خودمان همیشه نوعی تهی بودن در روح ما ایجاد می‌کند زیرا ما برای این خلق شدیم که خوشی و رضایت زندگی را در داشتن رابطه نزدیک با خداوند، دوست داشتن خدا، و خدمت به او بیابیم.

متأسفانه، بیشتر مردم دنیا هرگز به مسیح ایمان نخواهند آورد. ایمان آوردن مستلزم پرداخت بهائی سنگین است و خداوند وفاداری کامل ما را می‌خواهد. زندگی کردن برای عیسی تمام جنبه‌های زندگی ما را در بر می‌گیرد که عبارت است از افکار، خواسته‌ها، اراده، احساسات، بدن‌ها، انتخاب‌ها، امور مالی، و آینده ما.

من این کار را نکردم!

یکی از بزرگترین موانع زندگی کردن با مسیح این است که ما مسئولیت گناهان خود را به عهده نمی‌گیریم. بیشتر ما به سختی به اشتباهات خود اقرار می‌کنیم، و سخت‌تر از آن هنگامی است که باید رفتار نادرست خود را تغییر دهیم. و باید به این پی‌ببریم که اگر ما گناه «بزرگی» از قبیل دروغ گفتن، قتل، بی‌قیدی در روابط جنسی، یا دزدی مرتکب نمی‌شویم به این معنی نیست که از اسارت گناه آزادیم. زیرا تخلف‌های بسیاری از قبیل غیبت کردن، ترس، نفرت داشتن، رفتار توهین‌آمیز، خودخواهی، تعصب، غرور و امثال آن وجود دارند که به قلب ما راه پیدا می‌کنند.

گذشته از آن، کتاب مقدس به ما می‌گوید که اشکال دیگری از گناه وجود دارند. از قبیل «می‌دانیم چه کاری درست است و آن را انجام ندهیم»، و «بدانیم کاری اشتباه است اما به هر حال آن کار را انجام دهیم.» (یعقوب ۴: ۱۷؛ پس، این را از یاد نبرید که اگر بدانید چه کاری درست است، اما آن را انجام ندهید، گناه کرده‌اید. - رومیان ۱۴: ۲۳؛ اما کسی که وجدانش از آنچه می‌کند ناراحت است، به هیچ وجه نباید به آن کار دست بزند، چون در این صورت مرتکب گناه شده است، زیرا وجدانش آن کار را گناه می‌داند. پس اگر قصد انجام کاری را دارید که آن را گناه می‌پندارید، آن را انجام ندهید، زیرا کاری که با وجدان ناراحت انجام شود، گناه است.) شرایط گناه‌آلوده ما می‌تواند به درستی در اول یوحنا ۱۷-۱۵: ۱۵) به این دنیای گناه‌آلود و به آنچه به آن تعلق دارد، دل نبندید. کسی که به

شروعی تازه

این چیزها دل ببندد، در واقع نشان می‌دهد که به خدا دل‌بستگی ندارد. ۱۶ زیرا وابستگی‌های این دنیا و خواسته‌های ناپاک، میل به داشتن و تصاحب هر آنچه که به نظر جالب می‌آید، و غرور ناشی از ثروت و مقام، هیچ یک از خدا نیست؛ بلکه از این دنیای گناه‌آلود می‌باشد. ۱۷ دنیا نابود خواهد شد و چیزهای گناه‌آلود آن نیز از بین خواهند رفت، اما هر که طبق خواست خدا زندگی کند، همیشه برقرار خواهد ماند(خلاصه شود). چه بپذیریم یا نپذیریم، به بخشش از جانب خدا و دیگران بسیار نیازمندیم. این قسمت عمده زندگی کردن در یک رابطه سالم است، بر حسب غریزه می‌دانیم که خوب و بد و درست و نادرست وجود دارند و ما نیاز داریم که برای اعمال نادرست خود مورد بخشش قرار گیریم. بخشش به ما آرامش می‌دهد زیرا موانعی از قبیل تقصیر و شرم را که بین ما و دیگران و خدا قرار دارد از میان بر می‌دارد. در فصل بعد، درباره توبه بحث می‌کنم که تصمیم ما را در برگشتن از تمرکز به «خود» و آگاهانه قراردادن زندگی‌مان در دستان خداوند، توضیح می‌دهد.

انتخاب ما ابدیت ما را تعیین می‌کند

عده‌ای تصور می‌کنند که خدا تندخو و خشمگین است و فقط منتظر است که وقتی گناه می‌کنیم ما را از بین ببرد. اما این حقیقت ندارد. خدا ما را دوست دارد و مایل است که در رابطه‌ای نزدیک با ما باشد. بیشتر مردم نمی‌فهمند که خدا نمی‌خواهد «مردم را به جهنم بفرستد». آنها به جهنم می‌روند زیرا نمی‌خواهند زندگی خود را به او تسلیم کنند (رومیان ۱: ۲۵-۱۸؛ اما از سوی دیگر، خدا خشم و غضب خود را بر تمام اشخاص گناهکار و نادرست که از حقیقت گریزانند، نازل می‌کند. ۱۹ برای آنان حقیقت وجود خدا کاملاً روشن است، زیرا خدا وجدان‌های‌شان را از این حقیقت آگاه ساخته است. ۲۰ انسان از ابتدا، آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده، دیده است و با دیدن آنها می‌تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او که نادیدنی هستند پی ببرد. پس وقتی در روز داوری در حضور خدا می‌ایستد، برای بی‌ایمانی خود هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد. ۲۱ بلی، درست است که مردم این حقایق را می‌دانند، اما هیچگاه حاضر نیستند به آن اعتراف کنند و خدا را عبادت نمایند و یا حتی برای برکاتی که هر روز عطا می‌کند، او را شکر گویند. در عوض درباره وجود خدا و اراده او، عقاید احمقانه‌ای ابداع می‌کنند. به همین علت ذهن نادان‌شان، تاریک و مغشوش شده است. ۲۲ خود را دانا و خردمند می‌پنداشتند، اما همگی، نادان و بی‌خرد شدند. ۲۳ به جای اینکه خدای بزرگ و ابدی را بپرستند، بت‌هایی از چوب و سنگ به

شروعی تازه

شکل انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان ساختند و آنها را پرستیدند. ۲۴ بنابراین، خدا نیز ایشان را به حال خود رها کرده تا هر چه می‌خواهند بکنند و در آتش شهوات گناه‌آلود خود بسوزند و با بدن‌های خود مرتکب گناهان شرم‌آور شوند. ۲۵ ایشان به جای اینکه به حقیقت وجود خدا ایمان بیاورند، عمدا عقاید باطل را پذیرفته‌اند و مخلوق خدا را به جای خالقی که تا ابد مورد ستایش است، می‌پرستند و خدمت می‌کنند.

حقیقت این است که آغوش خداوند برای آنان که از گناهان خود متأسف هستند و انتخاب کردند که او را دوست بدارند بازاست (اشعیا ۶۵: ۱-۲: ۱ خداوند می‌فرماید: «مردمی که قبلا در پی شناخت من نبودند، اینک مرا می‌طلبند؛ و قوم‌هایی که در صدد یافتن من نبودند، اکنون مرا پیدا کرده‌اند. ۲ اما قوم خاص خودم که تمام مدت آغوشم برای پذیرفتن آنان باز بوده است، نسبت به من یاغی شده‌اند و به راه‌های کج خود می‌روند.»). برای ما بسیار مهم است که بدانیم که این کاملاً بستگی به انتخاب ما دارد که ابدیت را در کجا به سر می‌بریم. گناهی که در ما وجود دارد همیشه با راه خدا در تضاد است. اما ما نجات‌دهنده‌ای داریم که به همین منظور آمد که ما را از گناه برهاند.

عیسی که گناه نکرد، گناه و تقصیر و شرم ما را بر خود گرفت و روی صلیب مُرد. با آنکه پر از محبت است، همچنین عدالت کامل دارد. او ما را دوست دارد، اما از گناه ما صرف نظر نمی‌کند اگر او را انتخاب نکنیم، سرنوشت ما هلاکت ابدی است. بازهم می‌گوییم، این بستگی به انتخاب ما دارد که ابدیت را در کجا به سر ببریم. روزی خواهد رسید که همه ما با خالق خود روبرو می‌شویم و مورد داوری او قرار می‌گیریم (رومیان ۱۴: ۱۱-۱۲: ۱۱ زیرا خداوند در کتاب آسمانی فرموده است: «به حیات خود قسم که تمام مردم در مقابل من زانو زده، به زبان خود مرا ستایش خواهند کرد.» ۱۲ بلی، هر یک از ما باید به خدا حساب پس بدهیم).

تا زنده هستید او را انتخاب کنید

اگر تا به حال عیسی را به زندگی و قلب خود دعوت نکرده‌اید، یا اگر قبلا عیسی را شناخته‌اید و حال دور از او زندگی می‌کنید، می‌توانید از این دعا برای راهنمایی استفاده کرده و از عیسی بخواهید که /رباب زندگی شما گردد. «رباب یا خدا» یکی از القابی است که برای عیسی به کار می‌رود و این لقب معنی دوست پر از محبت و اربابی محترم را شامل

شروعی تازه

می‌شود. / او باید جای هردوی این‌ها یعنی دوست پر محبت و ارباب محترم را در رابطه شما با او داشته باشد.

عیسای عزیز،

می‌دانم که آگاهانه تو را رد کرده‌ام و انتخاب کردم که به شیوه خود زندگی کنم که با راه تو کاملاً فرق دارد و حالا می‌دانم که گناه ورزیده‌ام. و می‌دانم راهی را که انتخاب کرده‌ام مرا به تنهایی، خشم، تهی بودن و نارضایتی رسانده است. اکنون از تو بخشش می‌طلبم. می‌خواهم از خوشی، آرامش و امید لبریز شوم و عقیده دارم که تو تنها کسی هستی که حیات واقعی را به من می‌دهی. از این رو از تو دعوت می‌کنم که به قلب من وارد شوی و مرا از روح خود سرشار سازی. مرا یاری ده که زندگی کهنه و گذشته را پشت سر بگذارم و حیات تازه‌ای را که تو برای من در نظر داری در آغوش گیرم. من انتخاب می‌کنم که با تمام وجودم راه تو را در پیش گیرم حتی زمانی که آنچه را که انجام می‌دهی درک نمی‌کنم. تعهد می‌کنم که تو را در کتاب مقدس و در دعا جستجو کنم و کلیسایی که بر پایه کلام تو باشد پیدا کنم تا بتوانم در ایمان جدیدم رشد نمایم. در نام عیسی، آمین.

امروز از گناه خود توبه کنید تا بخشش خدا و قدرت برای حیات نو را دریافت نمایید.

شروعی تازه

فصل دوم:

توبه

افراد بسیاری هستند که تماما از داشتن رابطه با خدا احتراز می کنند. آنان سراسر زندگی خود را صرف امتحان کردن هر چیز ممکنه می نمایند تا «خوشحال و راضی» شوند، اما با نادانی و از روی قصد، در را به روی تنها کسی می بندند که حقیقتا می تواند خوشی عمیق و پایدار را به آنها ببخشد.

اغلب در معنی واقعی توبه اشتباه می شود. بعضی تصور می کنند آنقدر خوب و کامل هستند که حاضر نیستند در برابر هیچکس به زانو در آیند. بسیاری از این فکر که باید زندگی خود را تغییر دهند منجر هستند زیرا به نظرشان چنین کاری تمام خوشی و لذت هاشان را از آنها می گیرد. اما حقیقت این است که از طریق توبه می توانیم به آزادی دست یابیم، و به این صورت است که آرامش واقعی و خوشی را کسب می کنیم. با این شیوه است که ما تصمیم می گیریم رفتار قدیم و گذشته خود را کنار بگذاریم و حیات تازه ای را که خدا به ما می بخشد در آغوش گیریم. این عمل پشت کردن به گناه و روی آوردن به عیسی است.

سه مرحله ضروری وجود دارد که بتوانیم توبه واقعی را تجربه کرده و به نجات دهنده خودمان نزدیک شویم. این مراحل عبارتند از: ایمان، فروتنی و تسلیم. فصل عمیق تری در مورد ایمان در این کتاب وجود دارد، اما من این عنوان را به کار برده ام که ضرورت آن را در راه توبه توضیح دهم.

ایمان

ایمان که اعتقاد ما به خداست، عاملی است که رابطه زیبای ما را با خالق مان آغاز می کند. ابتدا باید باور داشته باشیم که /و وجود دارد. زیرا هر آنچه که پس از آن واقع می شود به این اعتقاد متصل است. اما این امر فقط با اعتقاد فکری ما متوقف نمی شود؛ لازم است که قدم بعدی را بر داریم و با اراده محکم از او بخواهیم که به زندگی ما حکومت کند (افسیسیان ۴: ۲۴-۲۰: ۲۰ اما مسیح چنین روشی برای زندگی به شما نیاموخته است. ۲۱ اگر واقعا صدای او را شنیده اید و حقایقی را که درباره خود فرموده است، درک کرده اید، ۲۲ پس اکنون باید طبیعت کهنه و گناه آلود خود را که بر اثر شهوات فریبنده فاسد و

شروعی تازه

فاسدتر می‌شود، از خود بیرون نمایید، ۲۳ فکر و ذهن شما باید روز به روز تغییر کند و به سوی کمال پیش رود. ۲۴ بلی، شما باید شخص جدید و متفاوتی شوید، شخصی مقدس و درستکار؛ و این طبیعت نو را که به صورت خداست، بپوشید.

به سادگی اعتراف کردن که «خدا آن بالا در جایی هست»، ایمان حقیقی نیست. کتاب مقدس می‌گوید: «حتی دیوها باور دارند «که خدا وجود دارد»، و از ترس می‌لرزند» (یعقوب ۲: ۱۹: ممکن است کسی به خود ببالد و بگوید: «من ایمان دارم که خدا یکی است!» چنین شخصی باید به خاطر داشته باشد که دیوها نیز به این ایمان دارند، چنان ایمانی که از ترس به خود می‌لرزند!). ایمان حقیقی هدیه‌ای است از جانب خدا، و این نوع ایمان «اعتقاد» ما را تبدیل به تصمیم *فعال* می‌کند تا به خدا اعتماد کرده به سوی داشتن یک رابطه با او حرکت نماییم.

ایمان اصیل مانند یک عضو زنده است و در راه تغییرات ضروری و هدفمندی پیوسته در حال رشد است. مهم نیست که این سفر چقدر ترسناک باشد. ایمان حقیقی ما را بر آن می‌دارد که تمام عمر از طریق عیسای مسیح در جستجوی اتحادی عمیق‌تر با خداوند باشیم.

فروتنی

توبه مستلزم فروتنی است. فروتنی در حقیقت فقط اعتراف به این است که خدا تنها وجود کامل و بدون نقص در دنیاست و ما قادر نیستیم زندگی خود را چنانچه او برای ما در نظر دارد، بدون کمک/و با موفقیت ادامه دهیم. پی می‌بریم که نقطه مقابل یا متضاد «فروتنی» ، «نافرمانی» است. تا زمانی که در گناه به سر می‌بریم فروتنی از خود نشان نمی‌دهیم. در اصل می‌گوییم «من به میل و شیوه خود زندگی می‌کنم».

هنگامی که بر می‌گزینیم که در مقابل خدا نافرمان باشیم، عملاً پر از غرور هستیم. و زمانی که غرور بر ما مسلط است که ما را به نافرمانی از خدا سوق می‌دهد، به هیچگونه نصیحتی توجه نمی‌کنیم و مایل نیستیم راه خود را تغییر دهیم (دوم قرنیتان ۷: ۱۰: گاه خدا اجازه می‌دهد که انسان دچار غم و اندوه گردد. چنین غمی سبب می‌شود که انسان از گناه دست بکشد و در جستجوی زندگی جاوید برآید. هیچ پشیمانی نیز در آن وجود ندارد. اما غم این دنیا، غمی نیست که باعث توبه از گناه شود، و از هلاکت ابدی جلوگیری کند). اراده خود را در مقابل هیچکس حتی در برابر قادر مطلق تغییر نمی‌دهیم. اما غیر ممکن است که بدون فروتنی با مسیح زندگی کنیم، زیرا همواره برای نگاه داشتن «جایگاه قدرت»

شروعی تازه

با او در ستیز هستیم و این هرگونه صمیمیت و نزدیکی یا رشدی را که در کسب آن می‌کوشیم، نابود می‌کند.

تسلیم

مردم اغلب می‌ترسند که خود را به خدا تسلیم کنند، زیرا مایل نیستند از رفتار ناپسند خود «دست بردارند». تا اندازه‌ای مردم از روی غریزه می‌دانند که اگر باید به خدا حساب پس بدهند بایستی تغییراتی در زندگی‌شان به وجود آورند. این می‌تواند ترسناک باشد زیرا وارد شدن در رابطه با خداوند یعنی باید کنترل را به دست کسی غیر از خودمان بدهیم.

عجیب این است که اغلب در همان شرایط کهنه و قدیمی می‌مانیم صرف نظر از این که تا چه اندازه زندگی‌مان زشت و غیر قابل تحمل است. گاهی اوقات فقط «به نظر می‌رسد» که در همان آشوب‌ها ماندن راحت‌تر است تا اینکه زندگی کهنه را پشت سر گذاشته و از حیاتی نو که عیسی به ما می‌بخشد استقبال کنیم. این بر همان اصل استوار است که مردم در روابط خشونت‌آمیز یا محیط و شرایط مسموم می‌مانند زیرا در هراس هستند.

دیگران از نزدیک شدن با خدا اجتناب می‌کنند زیرا تصور می‌کنند مسیحی شدن یکنواخت و خسته‌کننده است، یا دیگران به آنها برچسب «غیرعادی» یا «کم طاقت» بزنند. و یا اشخاصی را مشاهده می‌کنند که می‌گویند مسیحی هستند، اما آن شخص مسیحی چنان بد رفتار می‌کند که شخصی که ناباور است اشتباها تصور می‌کند «مسیحیت به درد نمی‌خورد». متأسفانه این ریاکاران سبب می‌شوند که اشخاص ناباور فکر کنند که عیسی ضعیف و بی‌ارزش است. دلیل عادی دیگر که مردم از خدا اجتناب می‌کنند این است که مسیحیان آنها را ناراحت کرده‌اند. یا کلیسا را نامناسب یا بی‌ثمر دیده‌اند.

به هر حال، من فکر می‌کنم واقعی‌ترین دلیلی که مردم عیسای مسیح را رد می‌کنند این است که او حقیقت است. از این رو هرچه به او نزدیک‌تر و صمیمی‌تر شوند با حقیقت روبرو خواهند شد. این روبروئی می‌تواند ترسناک باشد زیرا نمی‌خواهند به طور حقیقی و صادقانه خودشان را ببینند. می‌ترسند اگر درون خود را به دقت نگاه کنند، از آنچه که می‌بینند خوش‌شان نیاید. احتمالاً مهم‌ترین دلیلی که مردم خدا را رد می‌کنند ترس است.

بیائید با این مسئله روبرو شویم: همه ما نتایج منفی و رنج‌هایی را که در اثر زندگی به شیوه خودمان حاصل می‌شود، تجربه کرده‌ایم (غلاطیان ۵: ۱۷-۱۶: ۱۶ از این رو، به شما توصیه می‌کنم که از اوامر روح خدا پیروی کنید؛ او به شما خواهد آموخت که چه بکنید و کجا بروید. در این صورت دیگر برده امیال نفس سرکش خود نخواهید بود. ۱۷ زیرا ما

شروعی تازه

انسان‌ها، به طور طبیعی دوست داریم امیال نفسانی خود را به جا آوریم، امیالی که مخالف اراده و خواست روح خداست. برعکس، هرگاه می‌خواهیم از اوامر روح خدا پیروی کنیم و خواست او را به جا بیاوریم، امیال طبیعی ما به مخالفت با آنها می‌پردازد. این دو نیرو، مدام در ما در حال کشمکش هستند و می‌کوشند بر اراده ما مسلط شوند. در نتیجه، هر کاری بخواهیم انجام دهیم، از تأثیر این نیروها خالی نیست. - غلاطیان ۵: ۲۱-۱۹: ۱۹ هنگامی که از امیال و خواسته‌های نادرست خود پیروی می‌کنید، این گناهان وارد زندگی شما می‌شوند: زنا و انحرافات جنسی و بی‌عفتی؛ ۲۰ بت‌پرستی و جادوگری و احضار ارواح؛ دشمنی و دو به دو به هم زنی؛ کینه‌توزی و خشم؛ خودخواهی و نفع‌طلبی، شکایت و انتقاد و بهانه‌جویی؛ در اشتباه دانستن دیگران و بر حق شمردن خود و اعضای گروه خود؛ ۲۱ حسادت و آدم‌کشی؛ مستی و عیاشی و چیزهایی از این قبیل. همانطور که قبلاً هم اشاره کردم، باز تکرار می‌کنم هر که این چنین زندگی کند، هرگز در ملکوت خدا جایی نخواهد داشت. خبر خوب این است که، همه ما اغلب به این پی می‌بریم که جستجوی خدا هنگامی آغاز می‌شود که احساس نارضایتی، تهی بودن، اندوه، تقصیر یا نداشتن کنترل به ما دست می‌دهد. چیزی ندا می‌دهد که در زندگی جنبه‌های بیشتری وجود دارد و ما عمیقاً می‌دانیم که ما هر آنچه که وجود دارد از دست داده‌ایم. تسلیم واقعی به خداوند قلب و فکر و شیوه زندگی ما را تغییر می‌دهد به طوری که بیشتر شخصیت عیسی را از خود منعکس می‌کنیم همانطور که در اول قرن‌تین (اول قرن‌تین ۱۳: ۷-۴: ۴ کسی که محبت دارد، صبور است و مهربان؛ حسود نیست و به کسی رشک نمی‌برد؛ مغرور نیست و هیچگاه خودستایی نمی‌کند؛ ۵ به دیگران بدی نمی‌کند؛ خودخواه نیست و باعث رنجش کسی نمی‌شود. کسی که محبت دارد، پرتوقع نیست و از دیگران انتظار بی‌جا ندارد؛ عصبی و زودرنج نیست و کینه به دل نمی‌گیرد؛ ۶ هرگز از بی‌انصافی و بی‌عدالتی خوشحال نمی‌شود، بلکه از پیروز شدن راستی شاد می‌گردد. ۷ کسی که محبت دارد در هر وضعی وفادار می‌ماند، همیشه اعتماد دارد، هرگز امیدش را از دست نمی‌دهد و در هر شرایطی تحمل می‌کند. و غلاطیان (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۴: ۲۲ اما هرگاه روح خدا زندگی ما را هدایت فرماید، این ثمرات را در زندگی ما به وجود خواهد آورد: محبت، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکوکاری، وفاداری، فروتنی و خوشتنداری. ۲۳ هیچ یک از این صفات پسندیده، تضادی با احکام مذهبی و شریعت یهود ندارند. ۲۴ آنانی که از آن مسیح می‌باشند، امیال نفسانی و هوس‌های ناپاک خود را بر صلیب مسیح می‌خکوب کرده‌اند.) ذکر

شروعی تازه

شده است. خدا می‌گوید که اگر ما با تمام قلب او را بطلبیم و در جستوی او باشیم، او را خواهیم یافت (تثنیه ۴: ۲۹؛ ولی اگر شما دوباره شروع به طلبیدن خداوند، خدای تان کنید، زمانی او را خواهید یافت که با تمام دل و جان تان او را طلبیده باشید). داشتن رابطه نزدیک با خداوند به ما حیات وافر، هدف، خوشی، و آرامش می‌بخشد که همیشه در آرزوی آن بوده‌ایم. ما نتایج انتخاب‌های خودخواهانه خود را در زندگی مشاهده کرده‌ایم. اگر صداقت داشته باشیم، اعتراف می‌کنیم که تصمیمات ما همیشه با اراده خدا در تضاد است. و هنگامی که دور از او به سر می‌بریم، ناراحتی و نارضایتی ثمره زندگی است که به شیوه خودمان در پیش می‌گیریم. بنابراین چنین سوالی مطرح می‌شود: «چند بار باید خود را در شرم، بدبختی، تنهایی و یا درد ببینیم تا آنکه به خدایی که ما را دوست دارد تسلیم شویم؟»

به توبه روی آوریم

توبه در حقیقت به معنی «چرخش ۱۸۰ درجه» است. در حقیقت توبه در سیستم نظامی به کار می‌رفت که سربازان بایستی دور می‌زدند. سربازان در یک جهت رژه می‌رفتند و سپس بر می‌گشتند و در جهت مخالف حرکت می‌کردند. به معنی روحانی، توبه نیز «دورزدن» است که هم از نظر خواسته قلبی و هم از نظر اعمال ماست. ما از گناه بر می‌گردیم و به خداوند روی می‌آوریم.

برای آنکه عیسی را به قلب خود دعوت کنیم و از او بخواهیم که زندگی ما را تغییر دهد، باید این حقیقت را بپذیریم که گناهکار هستیم و از زندگی گناه آلود خود شرم‌ناهنایم (اشعیا ۵۷: ۱۵؛ خدای متعال و مقدس که تا ابد زنده است، چنین می‌گوید: «من در مکان‌های بلند و مقدس ساکنم و نیز در وجود کسی که روحی متواضع و توبه‌کار دارد، تا دل او را زنده سازم و نیروی تازه به او بخشم.» - متی ۴: ۱۷؛ عیسی از آن روز به بعد، به اعلام پیغام خدا پرداخت و می‌گفت: «از گناهان خود توبه نمایید و نزد خدا بازگشت کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک شده است.» - اعمال ۲: ۳۸؛ پطرس جواب داد: «هر یک از شما باید از گناهان تان دست کشیده، به سوی خدا باز گردید و به نام عیسی تعمید بگیرید تا خدا گناهان تان را ببخشد. آنگاه خدا به شما نیز این هدیه، یعنی روح‌القدس را عطا خواهد فرمود.» - اعمال ۲۰: ۲۱؛ به یهودیان و غیر یهودیان نیز اعلام می‌کردم که لازم است از گناه دست بکشند و از راه ایمان به خداوند ما عیسای مسیح، به سوی خدا بازگردند.) و این

شروعی تازه

«قلب و مرکز» توبه به شمار می‌رود. هم چنین باید این را بدانیم که تازمانی که بدون مسیح زندگی می‌کنیم، به سوی ناامیدی ابدی قدم بر می‌داریم. توبه نه تنها مرحله مهمی است که در ابتدا ما را به شناخت خداوند می‌رساند، بلکه باید کار همیشگی ما در زندگی مسیحی باشد. اعتراف اندوه بار به گناهان و خطاهایمان باید پیامد کارهای نادرست ما باشد. اعتراف به گناهان و برگشتن از آن، «عمل» توبه نام دارد. توبه بسیار زیباست، زیرا قادر است روح ما را پاک سازد و رابطه ما را با خدا و دیگران بازسازی نماید.

حقیقت حیرت‌انگیز دیگری که درباره توبه وجود دارد این است که وقتی ما از صمیم قلب، پرداخت عیسی را جهت گناهانمان باور می‌کنیم، او به سرعت ما را می‌بخشد. گروه کثیری از مردم این را به سختی می‌پذیرند و فکر می‌کنند که هنوز باید جریمه گناهان خود را «بپردازند» اما این امر اساساً اشاره به این مسئله دارد که عیسی «به قدرکفایت» برای گناهان ما پرداخت نکرد و «به کمک ما احتیاج دارد». در حالی که ما طبیعتاً باید جریمه گناهان خود را بپردازیم، و سعی کنیم که پس از آن از گناه اجتناب نماییم، وقتی که صمیمانه نزد خدا به گناه اعتراف کرده توبه می‌کنیم، خداوند کاملاً ما را می‌بخشد.

بدون تردید ما اشتباه می‌کنیم زیرا هیچ کس کامل نیست، اما باید کوشش نماییم که کمتر گناه کنیم، نه آنکه به صورت عادت در آید. اگر بیاموزیم که به درستی توبه کنیم، این امر قلب ما را نرم کرده و انعطاف‌پذیر می‌سازد. در آن صورت هرگاه که اشتباه می‌کنیم، روح ما با بخشش خداوند آرام می‌گیرد (اول یوحنا ۱: ۹-۱۰: ۹ اما اگر گناهان خود را به او اعتراف نماییم، می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که او ما را می‌بخشد و از هر ناراستی پاک می‌سازد. این کار خدا کاملاً منصفانه و درست است، زیرا عیسای مسیح برای شستن و پاک کردن گناهان ما، جان خود را فدا کرده است. ۱۰ اگر ادعا کنیم که گناهی از ما سر نزده است، دروغ می‌گوییم و خدا را نیز دروغگو می‌شماریم، زیرا خدا می‌فرماید که ما گناهکاریم.) آیه ۱۰ در این قسمت از «سخت دلی ما» سخن می‌گوید که اگر مکرراً از توبه سر باز زنیم و از راه خدا برگردیم اتفاق می‌افتد. بخشش خداوند نباید هرگز بهانه‌ای باشد که ما هر عملی که می‌خواهیم انجام دهیم، و بخشش و رحمت خداوند را بی‌اهمیت بشماریم.

کاری بکن!

هنگامی که مسیح را به عنوان آقا و سرور خود انتخاب می‌کنیم زندگی خود را از راه و شیوه کهنه و قدیمی به سوی خداوند تغییر می‌دهیم. اموری را انتخاب می‌کنیم که او را

شروعی تازه

خشنود می‌سازد، به جای آنکه خودخواهانه به دنبال لذات خود باشیم. و این هنگامی است که ما حیات وافر را که عیسی به ما می‌بخشد تجربه می‌کنیم. اما ما فقط با قدرت روح القدس که او هم خداست می‌توانیم به آن برسیم. تلاش در زندگی مسیحی بدون روح اغلب به مذهب منجر می‌شود. که در واقع نوعی بردگی تو خالی و بی‌معنی است. درباره روح القدس در درس‌های آینده خواهیم آموخت.

مانند هر رابطه‌ای، دوطرف باید سعی نمایند که رابطه مهم و پیوندی حیاتی داشته باشند. خدا محبت خود را برای ما از طریق مرگ عیسی روی صلیب ثابت کرده است. حال مسئولیت ماست که هر کاری در توان خود انجام دهیم تا با خداوند نزدیک باشیم و او را در مرحله اول اهمیت در زندگی خود قرار دهیم (متی ۶: ۳۳). اگر شما قبل از هر چیز، به ملکوت و عدالت خدا دل ببندید، او همه این نیازهای شما را برآورده خواهد ساخت.)

وقتی که به طور فعال مسیح را پیروی می‌کنیم، او به قدم زدن در کنار ما ادامه می‌دهد و به ما نیرو داده ما را هدایت می‌نماید که طبق اراده‌اش قدم برداریم. در واقع او مشتاق است که این کار را انجام دهد (دوم سموئیل ۲۲: ۲۰). او مرا به جای امنی برد، او مرا نجات داد، زیرا مرا دوست می‌داشت. - مزمور ۱۸: ۱۹. او مرا به جای امنی برد و نجاتم داد زیرا مرا دوست می‌داشت. - مزمور ۳۷: ۲۳. خداوند مردم را به راهی که باید بروند هدایت می‌کند و آنانی را که از ایشان راضی باشد، حفظ می‌نماید. تصور زیبایی از «قبل و بعد» از زندگی در اشعیا (اشعیا ۶۲: ۴). تو را دیگر «متروک» نخواهند خواند و اسرائیل را «زن ترک شده» نخواهند نامید. نام جدید تو «مرغوب» و نام جدید اسرائیل، «عروس» خواهد بود، زیرا خداوند به تو رغبت خواهد داشت و اسرائیل را همسر خود خواهد دانست.؛ مشاهده می‌شود. دیگر منزوی (تنها، ناامید و تهی) نخواهید بود، بلکه گنجینه پرارزش خداوند خواهید بود (تثنیه ۱۴: ۲). شما منحصرًا به خداوند، خدای تان تعلق دارید و او شما را از میان قوم‌های روی زمین برگزیده است تا قوم خاص او باشید. - تثنیه ۲۶: ۱۸. خداوند امروز طبق وعده‌اش اعلام فرموده است که شما قوم خاص او هستید و باید تمامی قوانین او را اطاعت کنید.)

هرچه بیشتر اراده خود را تسلیم منجی خود نماییم، بیشتر به شباهت او در می‌آئیم. در میان گذاشتن و اعتراف کردن به گناهان و شکست‌های مان در حضور خدا بخش عمده رشد و زندگی ما در حیات پر برکت مسیحی می‌باشد. عیسی تعهد نمی‌کند که زندگی مسیحی و پیروی از او آسان است. او شاید شرایط ما را تغییر ندهد، اما قول می‌دهد که در

شروعی تازه

شرایط دشوار با ما باشد. لذت داشتن او و خدمت به او بدون تردید رضایت‌بخش‌ترین و شادمانه‌ترین حیاتی است که می‌توان تصور کرد! وقتی که به طور معمول توبه می‌کنیم به خداوند نزدیک‌تر می‌شویم. و از طریق شرکت در کلیسا، خواندن کلام مقدس، دعا و به سر بردن با کسانی که حقیقتاً ارزش‌های مسیحی را احترام می‌گذارند، افکار و اعمال ما بیشتر با اراده خداوند هماهنگ می‌شود.

این نحوه جدید زندگی به طور خود به خودی به وجود نمی‌آید و حتی به سرعت نیز انجام نمی‌گیرد! رفتار و برخورد جدید در زندگی مستلزم زمان و کوشش است که نمونه خوب و شایسته زندگی را ارائه دهد. اما به یاد داشته باشید که عیسی قول می‌دهد که هر آنچه را که نیاز داریم در اختیار ما می‌گذارد که از طریق روح‌القدس دریافت کنیم. زیرا زندگی کهنه را پشت سر گذاشته و از حیات نو که با سخاوتمندی به ما عطا می‌نماید، استقبال می‌کنیم.

عیسی می‌خواهد زندگی خود را برای خیریت خودمان و جلال او تغییر دهیم!

فصل سوم :

ایمان

کلمه ایمان به معنی «توکل، وفاداری، و اعتماد کامل» است. ایمان می‌تواند به شیوه‌های گوناگون به کار رود از قبیل اعتقاد ساده که ماشین شما، شما را به مقصد می‌رساند، یا به صورتی پیچیده‌تر مانند اعتماد کامل به خدایی که نمی‌توانید ببینید.

بهترین تعریف درست و کتاب مقدسی را در کتاب عبرانیان مشاهده می‌کنیم، که می‌گوید: «ایمان یعنی اطمینان داشتن به اینکه آنچه امید داریم، واقع خواهد شد؛ ایمان یعنی یقین داشتن به آنچه اعتقاد داریم، هر چند قادر به دیدنش نمی‌باشیم» (عبرانیان ۱: ۱۱: آنها نیست و نابود خواهند شد، اما تو تا ابد باقی هستی. آنها همچون لباسی کهنه، پوشیده و مندرس خواهند شد). زمانی که از طریق ایمان عیسی را باور می‌کنیم و از او اطاعت می‌کنیم، به آینده امیدوار می‌شویم، زیرا درک می‌کنیم که چرا ما اینجا در روی زمین هستیم، و پس از مرگ به کجا خواهیم رفت.

خدا کلام مکتوب خود را که در کتاب مقدس می‌باشد، به ما داد زیرا می‌خواهد ما او را بشناسیم. او مایل است که ما بیاموزیم که چگونه طبق اصول او زندگی کنیم. ایمان منطبق بر کلام در اعتماد ما به محبت خدا نشان داده می‌شود که ما را هدایت و حفاظت می‌کند، و در تمام شرایط به ما قدرت می‌دهد. این چنان ایمانی است که خداوند می‌خواهد که هر مسیحی آن را تجربه نماید.

در عبرانیان ۶:۱۱ می‌خوانیم: «اما خشنود ساختن خدا بدون ایمان و توکل به او محال است. هر که می‌خواهد به سوی خدا بیاید، باید ایمان داشته باشد که خدا هست و به آنهایی که با دل پاک در جستجوی او هستند، پاداش می‌دهد». ایمان ما عملاً تعیین‌کننده رابطه‌ای است که ما با خداوند خواهیم داشت. اکثر ما پس از آنکه نزد خداوند می‌آئیم در می‌یابیم که «چشمان روحانی» ما قبل از ایمان مان بسته بود (اول قرن‌تین ۲: ۱۶-۱۳: ۱۳ به هنگام گفتگو درباره این هدایا نیز از کلماتی که به عنوان یک انسان می‌توانیم به کار ببریم، استفاده نمی‌کنیم، بلکه عیناً همان کلماتی را به کار می‌بریم که روح خدا به ما الهام می‌کند. به این ترتیب، حقایق روح القدس را با کلمات روح القدس بیان می‌نماییم. ۱۴ اما شخص بی‌ایمان قادر نیست افکار و اسرار خدا را که روح القدس به ما می‌آموزد، درک کند و

شروعی تازه

بپذیرد. این امور به نظر او پوچ و بی‌معنی می‌آیند، زیرا فقط آنانی که روح خدا در وجودشان قرار دارد، می‌توانند مقصود او را درک کنند؛ اما سایرین قادر نیستند این مطالب را بفهمند. ۱۵ شخص روحانی هر چیز را تشخیص می‌دهد و درک می‌کند و همین امر موجب تعجب و ناراحتی مردم دنیا می‌گردد، مردمی که هرگز نمی‌توانند او را درک کنند. ۱۶ چگونه ممکن است که بتوانند او را درک کنند؟ آنها هرگز سعی نکرده‌اند افکار و مشیت خدا را درک کنند، یا با او سخن بگویند و راز و نیاز کنند، ولی ما مسیحیان دارای فکر مسیح می‌باشیم و افکار او را درک می‌کنیم. ما قادر نبودیم اصولی را که عیسی درباره آن صحبت کرد، درک نماییم زیرا به نظر می‌رسد که با اصول و حکمت انسانی ما در تضاد است.

به سبب ایمان، عقیده داریم که عیسی زنده است و در زندگی‌های ما کار می‌کند. آنانی که عیسی را ندارند و بنابراین روح خدا در آنها ساکن نیست، نمی‌توانند بفهمند که چرا ما زندگی خود را در دستان خداوند قرار می‌دهیم و چرا طبق خواسته و نقشه‌های خداوند زندگی می‌کنیم.

ایمان آوردن تصمیمی یک باره نیست. هر چند که با پذیرفتن عیسی به قلب‌مان شروع می‌شود، رشد آن مراحل پویائی دارد. در حالی که به طور مداوم راه‌های خدا را بر راه‌های خود ترجیح می‌دهیم، وعده خدا را درباره «زندگی وافر» به تدریج تجربه می‌کنیم. این فراوانی شامل آرامش، خوشی، امید و معنی و هدف در زندگی‌مان می‌باشد. و همچنان که در رابطه نزدیک خود با خدا ادامه می‌دهیم، او وفاداری خود را در تمام سختی‌ها به ما نشان می‌دهد. سرانجام پی می‌بریم که صرف نظر از آنچه در زندگی ما روی دهد، او طبق کلامش با ما می‌ماند. این ایمان فعال نام دارد.

ایمان من از کجا ناشی می‌شود؟

حال ببینیم که ایمان ما از کجا می‌آید؟ در رومیان ۳: ۱۲ (رومیان ۱۲: ۳: به عنوان پیام آور خدا، از جانب او شما را نصیحت می‌کنم که خود را بزرگتر از آنچه که هستید به حساب نیاورید، بلکه درباره خود درست قضاوت کنید و خود را با آن مقدار ایمانی بسنجید که خدا به شما عطا کرده است.) می‌خوانیم که ایمان ما از خداوند سرچشمه می‌گیرد و نه از خود ما. بنابراین مشاهده می‌کنیم که به دست آوردن ایمان در عهده ما نیست، وظیفه ما دریافت کردن آن است. کتاب مقدس هم چنین می‌گوید که ایمان از جانب عیسی می‌آید که او نیز خداست (دوم پطرس ۱: ۱: از طرف من، شمعون پطرس، خدمتگزار و رسول

شروعی تازه

عیسای مسیح، به همه شما که با ما ایمانی یکسان دارید. دعا می‌کنم که رحمت و آرامش در اثر شناخت خدا و خداوندمان عیسی، به فراوانی به شما عطا شود. و گاهی خداوند ایمان بیشتری به بعضی از مردم می‌دهد. این نوع ایمان، هدیه‌ای فوق طبیعی است که از جانب روح القدس می‌دهد که «عطای روحانی» خوانده می‌شود (اول قرن‌تین ۱۲: ۹؛ او به یکی ایمانی فوق‌العاده عطا می‌نماید، و به دیگری قدرت شفای بیماران را می‌بخشد). رومیان ۱۰: ۱۷ (با اینحال، ایمان از شنیدن مژده انجیل به وجود می‌آید)؛ می‌گوید که ایمان همچنین از شنیدن کلام خدا می‌آید. بنابراین ایمان ما با خواندن کتاب مقدس و گوش دادن به تعلیمات کلام همواره پاک شده و تقویت می‌گردد. در هر حال ما باید از آنچه که از کلام خدا می‌آموزیم اطاعت نماییم تا ایمان ما بیشتر رشد نماید چه حیرت‌انگیز است که ایمان ما از خدا، عیسی، روح القدس و کتاب مقدس می‌آید!

ایمان عملی

سوالات مهمی که مردم می‌پرسند عبارت است از «چگونه ایمان من باید در زندگی روزمره من در این دنیا آشکار شود؟ زندگی کردن مانند یک شخصی ایماندار چه معنی دارد؟ و به غیر از رفتن به بهشت ایمان داشتن چه اهمیتی دارد؟» یعقوب ۲: ۱۴-۲۶ (یعقوب ۲: ۱۴-۲۶ برادران عزیز، چه فایده‌ای دارد که بگویید «من ایمان دارم و مسیحی هستم»، اما این ایمان را از طریق کمک و خدمت به دیگران نشان ندهید؟ آیا این نوع ایمان می‌تواند باعث رستگاری شود؟ ۱۵ اگر دوستی داشته باشید که محتاج خوراک و پوشاک باشد، ۱۶ و به او بگویید: «برو به سلامت! خوب بخور و خودت را گرم نگهدار»، اما خوراک و پوشاک به او ندهید، چه فایده‌ای دارد؟ ۱۷ پس ملاحظه می‌کنید ایمانی که منجر به اعمال خیر نگردد، و با کارهای نیک همراه نباشد، اصلاً ایمان نیست، بلکه یک ادعای پوچ و توخالی است. ۱۸ این ایراد، به جا خواهد بود اگر کسی بگوید: «شما می‌گویید که راه رسیدن به خدا، فقط ایمان است و بس! اما من می‌گویم که اعمال نیک نیز مهم است. زیرا شما بدون اعمال نیک نمی‌توانید ثابت کنید که ایمان دارید. اما همه می‌توانند از روی اعمال و رفتار من، ببینند که من ایمان دارم.» ۱۹ ممکن است کسی به خود ببالد و بگوید: «من ایمان دارم که خدا یکی است!» چنین شخصی باید به خاطر داشته باشد که دیوها نیز به این ایمان دارند، چنان ایمانی که از ترس به خود می‌لرزند! ۲۰ ای نادان! آیا نمی‌خواهی درک کنی که ایمان بدون انجام اراده خدا، بی‌فایده و بی‌ثمر است؟ بلی، ایمانی که اعمال خیر به بار نیاورد، ایمان واقعی نیست. ۲۱ مگر به یاد ندارید که جدمان ابراهیم

شروعی تازه

نیز به سبب اعمال خود در نظر خدا عزّت یافت؟ چون او حاضر شد پسر خود اسحاق را برای خدا قربانی کند. ۲۲ پس می‌بینید که ایمان او به خدا باعث شد که او از خدا کاملاً اطاعت کند؛ در واقع، ایمان او با اعمال و رفتارش کامل گردید. ۲۳ از این رو، نتیجه همان شد که کتاب آسمانی می‌فرماید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و مقبول او واقع گردید، و حتی «دوست خدا» نامیده شد.» ۲۴ پس می‌بینید که انسان علاوه بر ایمان، به وسیله اعمال خود نیز رستگار می‌گردد. ۲۵ «راحاب» فاحشه نیز نمونه دیگری است برای این موضوع. او در اثر اعمال خود رستگار شد، زیرا مأموران قوم خدا را پناه داد و بعد، ایشان را از راه دیگر به سلامت روانه نمود. ۲۶ خلاصه، همانطور که بدن بدون روح، مرده است، ایمانی هم که اعمال نیک به بار نیاورد، مرده است؛ درباره «ایمان در عمل» صحبت می‌کند. اشخاصی که ایمان فعال حقیقی به عیسی دارند شباهت او را نشان می‌دهند. و آنها کارهای نیکو انجام می‌دهند زیرا از میوه او برخوردارند که محصول رابطه شان با خداوند است (یعقوب ۳: ۱۳). اگر خود را خردمند و حکیم می‌دانید، باید همواره مهربان و نیکوکار باشید؛ و اگر به سبب داشتن اینگونه اعمال به خود نبالید، آنگاه به راستی خردمند می‌باشید).

سوال دیگری که مردم درباره ایمان‌شان دارند این است که آیا دعا‌های‌شان واقعاً تاثیر دارد. شاید فکر می‌کنید که آیا خدا اصلاً دعا‌های شما را می‌شنود. وقتی که جواب دعا‌هایمان نمی‌رسد واقعاً نگران و ناراحت می‌شویم و ممکن است ایمان خود را زیر سوال بیاوریم. پاسخ این مورد به شخصیت خدا بستگی دارد. او به تنهایی قادر است آینده را بنگرد و خیریت ما را در نظر گیرد.

هر چند ما تصور می‌کنیم که بهترین راه حل را برای مشکلاتمان داریم و برای آن دعا می‌کنیم، حقیقت این است که راه حل ما ممکن است مطابق آنچه که خدا برای ما در آن شرایط ویژه در نظر دارد نباشد و احتمالاً نقشه‌های ما بهترین راه حل برای ما و دیگران نخواهد بود. می‌دانم که بسیاری اوقات خوشحال شدم که خدا دعا‌های مرا آنطور که انتظار داشتم پاسخ نداد. ما بایستی درباره همه چیز دعا کنیم، اما نتیجه و جواب دعا را به عهده خدا بگذاریم.

تو فقط ایمان کافی نداری!

شاید شما شخصی مسیحی هستید که به شما گفته‌اند: «تو به قدر کافی ایمان نداری و به همین دلیل دعا‌هایت بدون پاسخ می‌ماند.» این اظهارات برخلاف کلام خداست. دلایل

شروعی تازه

بسیاری وجود دارد که دعا‌های ما به آن صورت که انتظار داریم اجابت نمی‌شود. ایمان ما از جانب خداست بنابراین همه آنهایی که مستقیماً به او اعتقاد دارند، بسیار ایمان دارند. یکی از دلایلی که ممکن است دعا‌های ما بی‌جواب می‌ماند این است که ما برای چیزهایی دعا می‌کنیم که در خیریت ما نیست (یعقوب ۴: ۱-۳: ۱ علت جنگ و دعا‌های شما چیست؟ آیا علت آنها، آرزوهای ناپاکی نیست که در وجود شما منزل دارد؟ ۲ در حسرت چیزی به سر می‌برید که ندارید؛ پس دست‌تان را به خون آلوده می‌کنید تا آن را به چنگ آورید. در آرزوهای چیزهایی هستید که متعلق به دیگران است، و شما نمی‌توانید داشته باشید؛ پس به جنگ و دعا می‌پردازید تا از چنگ‌شان بیرون بکشید. علت اینکه آنچه می‌خواهید ندارید، اینست که آن را از خدا درخواست نمی‌کنید. ۳ وقتی هم درخواست می‌کنید، خدا به دعای‌تان جواب نمی‌دهد، زیرا هدف‌تان نادرست است؛ شما فقط در پی به دست آوردن چیزهایی هستید که باعث خوشی و لذت‌تان می‌شود). یا شاید گناهان پنهان در زندگی‌مان داریم که باید اعتراف کرده و توبه نماییم قبل از آنکه دعا‌های ما شنیده شود (یعقوب ۵: ۱۷-۱۶: ۱۶ نزد یکدیگر به گناهان خود اعتراف نمایید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای صادقانه مرد درستکار، قدرت و تاثیر شگفت‌انگیز دارد. ۱۷ «الیاس» انسانی بود همچون ما. با اینحال، هنگامی که با تمام دل دعا کرد که باران نبارد، برای مدت سه سال و نیم باران نبارید).

شاید ما برای نجات شخص دیگری دعا می‌کنیم. این امر صد در صد به اراده خدا بستگی دارد که آن شخص نجات یابد. در هر حال اگر مردم عیسی را در زندگی خود رد می‌کنند، ارتباطی به ایمان ما و دعای ما ندارد، بلکه بیشتر مربوط به مقاومت و شرارت خودشان است. خداوند ما را مجبور نمی‌کند او را بپذیریم. به این صورت است که دعا‌های ما اجابت نمی‌شود (عبرانیان ۱۰: ۳۹: ولی ما هرگز از خدا برنگشته ایم تا به چنان سرنوشت تلخی دچار شویم، بلکه ایمان‌مان را حفظ کرده‌ایم و این ایمان، نجات جانمان را تضمین می‌کند).

ما باید در رابطه نزدیک و صمیمی با خدا باشیم تا از احساس و فکر او باخبر باشیم. همین که از طریق این اتحاد بیشتر به شباهت او در می‌آییم، دعا‌های ما شروع به تغییر می‌کنند. به طوری که بیشتر در مسیر اراده او قرار می‌گیرد. وقتی که خواسته‌های قلبی ما تغییر کند، دیگر به ماشین‌های آخرین مدل، خانه‌های بزرگ و حساب بانکی بالاتر فکر نمی‌کنیم.

شروعی تازه

تمرکز جدید ما بر مردم دیگر خواهد بود که مشکلاتشان بیشتر از نیازمندی‌های ماست. ما نیز دعا را شروع می‌کنیم که خداوند به ما قدرت دهد تا به گمشدگان و نیازمندان کمک کنیم. خداوند به ما توانایی می‌بخشد که ایمان خود را با دیگران در میان بگذاریم تا آنها نیز خدا را بشناسند. فقط در آن صورت است که خدا می‌تواند به دعا‌های ما برکت فراوان بدهد، زیرا ما طبق اراده او در خواست می‌کنیم.

ایمان، نه اعمال

مذاهب بسیاری زیادی وجود دارند که در آن مردم ناگزیرند خدمات مختلف یا مراسم مشخصی را به جا آورند تا خدا را خشنود سازند. گاهی اوقات، مردم باید صاحب فرزندان بسیاری شوند تا در بهشت جای گیرند. یا مستلزم این است که به درهای معینی ضربه بزنند. یا بایستی تعدادی مردم را به دین خود بیاورند که با مقدار معینی از «کار نیکو» خدا را خشنود سازند و مورد لطف او قرار گیرند. جای تاسف است که می‌بینیم مردم نمی‌دانند که آیا اعمالشان آنقدر خوب است که خدا را خشنود سازد و از این رو در این وحشت به سر می‌برند که مبادا راه نجات نداشته باشند.

اما، خدای کتاب مقدس اشخاصی را که به ایمان‌شان اعتماد دارند که عیسی کفاره گناهان‌شان را پرداخته است دوست دارد. بهای گناهان ما کاملاً پرداخت شده است. عیسی می‌دانست که ما هرگز قادر نخواهیم بود «به قدر کفایت به دست آوریم» که جریمه خطاهایمان را خودمان بپردازیم. از این رو، او از روی محبت این کار را در حق ما انجام داد.

در حقیقت، کتاب مقدس می‌گوید: «مردم به جهت ایمان‌شان عادل محسوب می‌شوند و نه به دلیل اعمال‌شان» (رومیان ۴: ۵). اما آیا اعمال نیک ابراهیم در نجات او هیچگونه تأثیری نداشت؟ نه! به این دلیل که نجات و رستگاری، هدیه خداوند است. اگر کسی می‌توانست نجات و آموزش گناهان خود را با انجام کارهای خوب به دست آورد، نجات هدیه نمی‌بود. اما نجات هدیه خداوند است و به کسانی عطا می‌شود که برای به دست آوردن آن، به اعمال نیک خود تکیه نمی‌کنند. بلی، خدا در صورتی گناهکاران را بی‌گناه به حساب می‌آورد که به عیسای مسیح ایمان بیاورند. درحالی که اعمال خوب ما در اثر رابطه ما با عیسای مسیح است، این «اعمال» از محبت ما برای او سرچشمه می‌گیرد، نه از ترس ما که آیا به قدر کفایت کارهای نیکو انجام داده‌ایم.

درباره ثمره ایمان

ما آموخته‌ایم که ایمان واقعی، ایمانی است که میوه می‌آورد (متی ۷: ۱۷: درخت سالم میوه خوب می‌دهد و درخت فاسد میوه بد. - لوقا ۶: ۴۵: شخص نیک، چون خوش قلب است، اعمالش نیز نیک است. شخص بد، چون بد باطن است، اعمالش نیز بد است. آنچه در دل شخص باشد، از سخنانش آشکار می‌گردد!). کتاب مقدس کلمه میوه را به کار می‌برد که نتیجه قابل رویت کار ما را برای خدا توصیف می‌کند، درست همانطور که یک درخت میوه می‌آورد و ما می‌توانیم آن را ببینیم. بخشی از این میوه شامل این است که طبق هدایت روح القدس، مکرراً درباره عیسی با دیگران گفتگو کنیم. این یعنی در هر کاری که می‌کنیم خدا را جلال دهیم (اول قرن‌تین ۱۰: ۳۱: جواب سوال شما اینست: کارهای شما، حتی خوردن و نوشیدن‌تان، همه باید برای جلال و بزرگی خدا باشد). این همچنین شامل خدمت کردن به بدن مسیح که کلیسا می‌باشد، می‌گردد. این نوع میوه ابدی است و تا ابد برقرار است.

آنانی که به تاک (که عیسی است) وصل شده‌اند، میوه فراوان می‌آورند که خدای پدر را جلال می‌دهد (یوحنا ۱۵: ۸-۵: ۵ «بله، من تاک هستم، شما نیز شاخه‌های من. هر که در من بماند و من نیز در او، میوه فراوان می‌دهد، چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست. ۶ اگر کسی از من جدا شود، مانند شاخه‌ای بی‌فایده آن را می‌برند، دور می‌اندازند و آن شاخه خشکیده می‌شود؛ سپس، آن را با سایر شاخه‌ها جمع می‌کنند و در آتش می‌سوزانند. ۷ ولی اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنید، هر چه بخواهید به شما داده خواهد شد. ۸ شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این، باعث بزرگی و جلال پدرم خدا می‌شود.»). عیسی می‌گوید هر درختی که میوه نیکو نمی‌آورد، قطع شده و به آتش افکنده می‌شود (متی ۳: ۱۰: و حال، تیشه داوری خدا بر ریشه درختان گذاشته شده است. هر درختی که ثمر نیاورد، بریده و در آتش افکنده خواهد شد). خدا میوه‌ای را می‌خواهد که در زندگی ما برای او موجب سپاس و ستایش می‌گردد، و از ما می‌خواهد که گمشدگان را برای رابطه‌ای نزدیک با او نزد او بیاوریم (متی ۲۵: ۴۵-۲۰: ۲۰ شخصی که پنج کیسه طلا گرفته بود، ده کیسه طلا تحویل داد ۲۱ ارباب به او گفت: آفرین، آفرین! حال که در این مبلغ کم درستکار بودی، مبلغ بیشتری به تو خواهم سپرد. بیا و در شادی من شریک شو. ۲۲ سپس آن که دو کیسه گرفته بود جلو آمد و گفت: آقا، شما دو کیسه طلا داده بودید؛ دو کیسه دیگر هم سود آورده‌ام. ۲۳ اربابش به او گفت: آفرین! تو

شروعی تازه

خدمتگزار خوب و با وفایی هستی. چون در این مبلغ کم، امانت خود را نشان دادی، حالا مبلغ بیشتری به تو می‌دهم. بیا و در شادی من شریک شو. ۲۴ و ۲۵ آنگاه آخری با یک کیسه جلو آمد و گفت: آقا، من می‌دانستم که شما آنقدر مرد سختگیری هستی که حتی از زمینی که چیزی در آن نکاشته‌اید انتظار محصول دارید. پس، از ترسم پول‌تان را زیر سنگ مخفی کردم تا مبادا از دست برود. بفرمایید این هم پول شما. ۲۶ ارباب جواب داد: ای آدم تنبل و بیهوده! اگر تو می‌دانستی که من آنقدر سختگیر هستم که حتی از زمینی که چیزی در آن نکاشته‌ام انتظار محصول دارم، ۲۷ پس چرا پولم را لاف‌زن نزد صرافان نگذاشتی تا بهره‌اش را بگیرم؟ ۲۸ سپس اضافه کرد: پول این مرد را بگیر و به آن شخصی بدهید که ده کیسه طلا دارد. ۲۹ چون کسی که بتواند آنچه که دارد خوب به کار ببرد، به او باز هم بیشتر داده می‌شود. ولی کسی که کارش را درست انجام ندهد، آن را هر چقدر هم کوچک باشد از دست خواهد داد. ۳۰ حالا این خدمتگزار را که به درد هیچ کاری نمی‌خورد، بگیر و در تاریکی بیندازید، تا در آنجا از شدت گریه، دندان‌هایش را بر هم بفشارد. ۳۱ هنگامی که من، مسیح موعود، با شکوه و جلال خود و همراه با تمام فرشتگانم بیایم، آنگاه بر تخت با شکوه خود خواهیم نشست. ۳۲ سپس تمام قوم‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد، همان طور که یک چوپان، گوسفندان را از بزها جدا می‌کند؛ ۳۳ گوسفندها را در طرف راست قرار می‌دهم و بزها را در طرف چپ. ۳۴ آنگاه به عنوان پادشاه، به کسانی که در طرف راست منند خواهم گفت: بیایید ای عزیزان پدرم! بیایید تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم، برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده بود. ۳۵ زیرا وقتی من گرسنه بودم، شما به من خوراک دادید؛ تشنه بودم، به من آب دادید؛ غریب بودم، مرا به خانه تان بردید؛ ۳۶ برهنه بودم، به من لباس دادید؛ بیمار و زندانی بودم، به عیادت آمدید. ۳۷ نیکوکاران در پاسخ خواهند گفت: خداوند، کی گرسنه بودید تا به شما خوراک بدهیم؟ کی تشنه بودید تا به شما آب بدهیم؟ ۳۸ کی غریب بودید تا شما را به منزل ببریم یا برهنه بودید تا لباس بپوشانیم؟ ۳۹ کی بیمار یا زندانی بودید تا به ملاقات شما بیاییم؟ ۴۰ آنگاه به ایشان خواهم گفت: وقتی این خدمات را به کوچکترین برادران من می‌کردید، در واقع به من می‌نمودید. ۴۱ سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: ای لعنت شده‌ها از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است. ۴۲ زیرا گرسنه بودم و شما به من خوراک

شروعی تازه

ندادید؛ تشنه بودم و به من آب ندادید؛ ۴۳ غریب بودم و به من جا ندادید؛ برهنه بودم و مرا نپوشانیدید؛ بیمار و زندانی بودم و شما به ملاقاتم نیامدید. ۴۴ جواب خواهند داد: خداوندا، کی شما گرسنه و تشنه یا غریب و برهنه یا بیمار و زندانی بودید تا خدمتی به شما بکنیم؟ ۴۵ در جواب خواهیم گفت: وقتی به کوچکترین برادران من کمک نکردید، در واقع به من کمک نکردید).

ما نجات دریافت می‌کنیم تا بتوانیم به خدا نزدیک شویم و برای همیشه به بهشت برویم، اما همچنین از زمان، استعداد و پولی که دریافت می‌کنیم برای گسترش قلمرو پادشاهی او استفاده کنیم. مردم هدف اولیه خداوند هستند و او افرادی را که عمیقاً و وفادارانه دوستش دارند به کار می‌برد تا از جانب او و برای او گمشدگان سرتاسر دنیا را خدمت کنند.

با اعتقاد به عیسی ایمان آورید و به او اعتماد کنید!

فصل چهارم :

نجات

وقتی که عبارت «شما باید نجات ییابی» را می شنوید چه چیزی به فکرتان می رسد؟ شاید به «مسیحیانی که تولد تازه دارند» بیاندیشید که چیزی شبیه «فرزند عشق» که در سال های ۶۰ رایج شده بود، از آن قبیل مردمی بودند که به طور غیر عادی خوشحال و عاری از نگرانی هستند، اما حقیقتاً «در دنیای واقعی» زندگی نمی کنند. (فرزند عشق که در سال های ۱۹۶۰ رایج شده بود، فرزندى است که خارج از قانون ازدواج به وجود می آید. - مترجم) بعضی دیگر عقیده دارند که زندگی شان مطلوب است، و می توانند خودشان را نجات دهند، و تشکر می کنند. و گروهی به قدری وحشت زده و آسیب پذیرند که به هیچکس اعتماد نمی کنند و حتی به «نجات» یافتن فکر نمی کنند. اما ببینیم که کتاب مقدس درباره این بخش عمده مسیحیت چه تعلیمی می دهد.

نجات محبت تأیید شده است.

از فصل اول که درباره گناه بود آموختیم که ما گمشده ایم و قادر نیستیم خودمان را نجات دهیم. چه بپذیریم و چه نپذیریم، همه ما احتیاج شدید به نجات از گناهان مان داریم. بخشی از مشکل در این است که ما گناه را دوست داریم و وقتی که دیگران می گویند که ما نایستی به شیوه خودمان که راه خدا نیست، زندگی کنیم، ناراحت می شویم. ما ترجیح می دهیم که فکر کنیم «آزادی» داریم که هرگونه مایلیم زندگی کنیم، اما «آزادی» بدون توجه به انضباط نفسانی در واقع در بردگی به سر بردن است (اول پطرس ۲: ۱۶: درست است که شما از قید و بند احکام مذهبی آزاد شده اید، اما این به آن معنی نیست که می توانید به هر کار نادرستی دست بزنید، بلکه آزادی خود را باید برای اجرای خواست خدا به کار ببرید. - دوم پطرس ۲: ۱۹: می گویند: «کسی که نجات یافته، آزاد است هر کاری می خواهد بکند و هیچ کار او گناه به حساب نخواهد آمد.» در حالیکه خودشان نیز آزاد نیستند بلکه اسیر شهوات می باشند، زیرا انسانی که تحت تسلط چیزی است، اسیر آن می باشد. چند بار «آنچه را که می خواستید به دست آوردید»، اما پس از دست یافتن به آن دریافتید که چقدر پوچ و بی معنی بوده است. اغلب اوقات پی می بریم که وقتی که به دنبال لذت خود هستیم، فضای خالی در درون ما ایجاد می شود. حقیقت

شروعی تازه

این است که ما در صورتی آزادی واقعی را احساس می‌کنیم که به خداوند عیسای مسیح تسلیم شویم (غلاطیان ۳: ۲۲). تنها راه آزادی برای همه ما اینست که به عیسای مسیح ایمان آوریم). اما ما قادر نیستیم به وسیله خودمان تسلیم شویم. بنابراین می‌بینیم که نیاز به نجات یافتن داریم.

کلمه نجات به معنی «رهانیدن» است. خدا کامل، قدوس، و پاک است. از این رو باید گناه را تنبیه نماید. از آنجا که ما به علت گناهان مان از خدا دور شده‌ایم و بهای سنگینی برای گناهان مان بدهکاریم، به یک نجات‌دهنده نیاز داریم. کسی که ما را آزاد نماید و بهای سنگین قرض ما را پرداخته ما را به سوی خدا برگرداند (متی ۹: ۱۳-۱۲: ۱۲ عیسی در جواب ایشان گفت: «به این دلیل که افراد سالم احتیاج به پزشک ندارند، بلکه بیماران به پزشک نیاز دارند.» ۱۳ سپس اضافه کرد: «بروید، کمی در مورد این آیه کتاب آسمانی فکر کنید که می‌فرماید: «من از شما هدیه و قربانی نمی‌خواهم، بلکه دلسوزی و ترحم می‌خواهم.» رسالت من در این دنیا این است که گناهکاران را به سوی خدا بازگردانم، نه آنانی را که گمان می‌کنند عادل و مقدسند!» - یوحنا ۳: ۱۷-۱۶: ۱۶ زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد. ۱۷ خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند بلکه به وسیله او نجات‌شان دهد). فقط به همین دلیل عیسی به عنوان خدا به صورت انسان به زمین آمد در واقع نام عیسی به معنی «نجات‌دهنده و یا نجات» می‌باشد (متی ۱: ۲۱: او پسری خواهد زایید، و تو نام او را عیسی (یعنی نجات‌دهنده) خواهی نهاد، چون او قوم خود را از گناهان‌شان خواهد رهانید).

خداوند خودش از روی محبت برای ما واسطه شد و تنبیهی که ما سزاوار آن بودیم بر خود هموار نمود (افسیسیان ۱: ۸-۳: ۳ چقدر باید خدا را شکر کنیم، خدایی که پدر خداوند ما عیسای مسیح است، و همه برکات آسمانی را به ما ارزانی داشته، به این دلیل که ما از آن مسیح هستیم. ۴ خدا از زمان‌های بسیار دور، حتی پیش از آنکه جهان را بیافریند، ما را برگزید تا در اثر آن فداکاری که مسیح در راه ما کرد، از آن او گردیم. خدا از همان زمان، اراده نمود تا ما را در نظر خود پاک سازد به طوری که حتی یک لکه نیز در ما یافت نشود، تا وقتی در حضور او حاضر می‌شویم، سراپا مدیون محبت او باشیم. ۵ نقشه غیر قابل تغییر خدا همواره این بوده است که ما را در خانواده الاهی خود به فرزندی بپذیرد؛ و برای این منظور، عیسای مسیح را فرستاد تا جان‌ش را در راه ما فدا کند. علت این تصمیم فقط

شروعی تازه

این بود که خدا اراده کرده بود این لطف را در حق ما بکند! ۶ پس خدا را ستایش می‌کنیم که تا این حد ما را دوست داشته و تا این اندازه در حق ما لطف کرده است، آن هم فقط به خاطر اینکه متعلق به فرزند عزیز او مسیح هستیم. ۷ لطف و فیض خدا نسبت به ما به قدری زیاد بود که حتی حاضر شد به قیمت خون فرزندش تمام گناهان ما را ببخشد و ما را نجات دهد، ۸ و سیل برکات و الطاف خود را به سوی ما جاری سازد. آه، که حکمت او چه عظیم است و درک او از نیاز ما چه عالی است! - غلاطیان ۳: ۱۳: اما مسیح، لعنتی را که در اثر گناهان ما به وجود آمده بود، بر خود گرفت و ما را از هلاکتی که این روش «شریعت» پدید آورده بود، رهایی بخشید، روشی که انجامش غیر ممکن بود. بلی، مسیح، لعنت ما را بر خود گرفت، زیرا در تورات آمده است: «ملعون است هر که به دار آویخته شود.» (عیسای مسیح نیز به دار صلیب آویخته شد). - اول یوحنا ۲: ۲: او کسی است که توان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد؛ او با این کار، رابطه‌ای دوستانه میان خدا و ما به وجود آورده است. او نه فقط برای گناهان ما، بلکه برای گناهان تمام مردم جهان فدا شد. عیسی کفاره ما را که مرگ بود پرداخت تا بتواند رابطه‌ای را با ما بازسازی نماید (دوم قرنتیان ۵: ۲۱-۱۷: ۱۷ کسی که از آن مسیح می‌گردد، تبدیل به شخص جدیدی می‌شود. او دیگر آن انسان قبلی نیست؛ او زندگی کاملاً تازه‌ای را آغاز کرده است. ۱۸ تمام این نیکویی‌ها از سوی خدایی است که به خاطر فداکاری عیسای مسیح، ما را با خود آشتی داده است، و این مسئولیت را به ما سپرده تا پیغام این آشتی را به دیگران نیز برسانیم و ایشان را به سوی لطف الهی رهنمون شویم. ۱۹ پیغام ما اینست که خدا در مسیح بود و مردم را به آشتی با خود فرا می‌خواند تا گناهان‌شان را ببخشاید و آثار آن را پاک نماید. ۲۰ ما سفیران مسیح هستیم. خدا به وسیله ما با شما سخن می‌گوید. وقتی ما چیزی را از شما درخواست می‌کنیم، مانند اینست که مسیح آن را از شما می‌خواهد. بنابراین، از جانب او از شما می‌خواهیم که لطف و محبت خدا را رد نکنید و با او آشتی نمایید. ۲۱ زیرا خدا بار گناهان ما را بر دوش مسیح بی‌گناه گذاشت، تا ما به عنوان پیروان او، آنطور که مورد پسند خداست، نیک و عادل شویم. - اول پطرس ۲: ۲۴: او بر روی صلیب، بار گناهان ما را بر دوش گرفت تا ما بتوانیم از چنگ گناه رهایی یافته، زندگی پاکی داشته باشیم. زخم‌های او نیز دوی دردهای ما گردید. این عمل آشتی دادن نام دارد. وقتی که به نیاز خود برای خدا پی می‌بریم و با توبه نزد او می‌آییم به ما حیات

شروعی تازه

جدیدی می‌بخشد و در خانواده خداوند متولد می‌شویم. این عمل «پرداخت جریمه ما» باز خرید نام دارد.

چرا خدا جریمه ما را بپردازد؟

درک این مسئله بسیار دشوار است که چرا خدا ما را آنقدر دوست دارد که برای ما مُرد. به ویژه زمانی که ما اصلاً شایستگی آن را نداریم. اما، این اشتیاق اوست که ما نجات یابیم (اول تیموتائوس ۲: ۳-۴: ۳ دعا کردن برای دیگران، کاری است که نجات‌دهنده ما خدا را خشنود می‌سازد، ۴ زیرا او مشتاق است که همه مردم نجات یابند و به این حقیقت پی ببرند). محبت خدا برای ما بسیار عمیق و وسیع است و ما قادر نیستیم این محبت را درک نماییم. اما، او راهی را به وجود آورده است که بپذیریم کفاره گناهان ما پرداخت شده است. بنابراین می‌توانیم بدون احساس شرم و تقصیر به حضورش وارد شویم. کار روح خدا در ما ادامه دارد که ما را عادل سازد - با تقوا، قابل احترام و صادق - که بتوانیم با او در تقدس او گفتگو کنیم.

عیسی خودش به ما می‌گوید: «من آمده‌ام که گمشده را جستجو کنم و نجات دهم» (لوقا ۱۹: ۱۰-۹: ۱۰ و ۱۰: ۹). «این نشان می‌دهد که امروز نجات به اهل این خانه روی آورده است. این مرد، یکی از فرزندان ابراهیم است که گمراه شده بود. من آمده‌ام تا چنین اشخاص را بیابم و نجات بخشم!». «گمشده‌گان» کسانی هستند که دور از رابطه‌ای نزدیک با خدای زنده حقیقی به سر می‌برند. او قدم اول را برداشت که شما از گناهان خود دور شوید. او مایل است لکه‌های گناه شما را پاک سازد که بتواند پیوند نزدیکی با شما داشته باشد (مزمور ۵۱: ۲-۱: ۱ ای خدای رحیم و کریم، بر من رحم فرما و گناهانم را محو کن. ۲ مرا از عصیانم کاملاً شستشو ده و مرا از گناهانم پاک ساز). گناه و تقصیر را باید برطرف نمود زیرا این‌ها تنها مانعی هستند که ما را از جستجوی خداوند و لذت بردن از خداوند باز می‌دارند.

چرا عیسی ناگزیر شد که برای من بمیرد؟

همانطور که پیش از این اشاره شد، خداوند نسبت به گناه به شدت خشمگین است. نمونه‌هایی از خشم خدا را در عهد عتیق مشاهده می‌کنیم. داستان سیل در زمان نوح، و نیز آنچه در سدوم و غموره اتفاق افتاد، دو نمونه از داوری خدا بر علیه گناه می‌باشند. می‌دانیم که هم از نظر کتاب مقدس و هم از نظر تاریخی، بعضی شهرها و فرهنگ‌شان به علت کارهای خلاف اخلاقی به کلی نابود شدند. حتی در کشور خودمان سقوط و نابودی را

شروعی تازه

دیده‌ایم، زیرا گناه را به عنوان امری عادی و مرسوم پذیرفته‌ایم. اکنون خوب و نیک بد خوانده می‌شود و بدی و شرارت خوب به حساب می‌آید (اشعیا ۵: ۲۰؛ وای بر شما که خوب را بد و بد را خوب می‌دانید؛ تلخی را شیرینی و شیرینی را تلخی می‌خوانید). عیسی انتخاب شد که جریمه گناهان ما را بپردازد زیرا تنها خدا می‌توانست خشم خود را فرو نشاند. او می‌داند که انسان به هیچ وجه قادر نیست در مقابل داوری خداوند بایستد. ما هرگز قادر نبودیم از این داوری عبور نماییم. به همین دلیل عیسی جریمه ما را پرداخت. به عنوان خدا، عیسی تنها کسی بود که قادر بود بارسنگین نفرتی را که از گناهان ما دارد برطرف نماید.

و انجیل دقیقاً درباره همین است - انجیل مژده این است که عیسی به جای من مُرد و حال من قادرم که رابطه‌ای نزدیک با خدا داشته باشم. در نتیجه، او شرارت مرا گرفت و عدالت خویش را به من داد؛ عدالتی که حق اوست تا در حضور خداوند باشد (تیتوس ۳: ۴-۷). اما زمانی رسید که مهربانی و لطف نجات‌دهنده ما خدا آشکار شد، ۵ و ما را نجات داد. او نه به خاطر خوبی و پاکی ما، بلکه فقط در اثر رحمت و دلسوزی که نسبت به ما داشت، ما را از گناهان مان شست و طاهر ساخت و به وسیله روح‌القدس، به ما تولدی تازه و حیاتی نو بخشید. ۶ در اثر کاری که نجات‌دهنده ما عیسای مسیح انجام داد، خدا روح‌القدس را به فراوانی به ما عطا فرمود، ۷ تا به لطف عیسای مسیح، در پیشگاه خداوند بی‌گناه به حساب بیاییم. اکنون می‌توانیم در برکات زندگی جاوید شریک شده، با اشتیاق در انتظار روزی باشیم که به طور کامل از این زندگی برخوردار خواهیم شد).

هیچکس آنقدر خوب نیست که با خداوند رابطه داشته باشد (رومیان ۳: ۲۶-۲۱؛ ۲۲ و اما اکنون خدا راه دیگری برای نجات به ما نشان داده است. ما تا به حال سعی می‌کردیم با اجرای مقررات و تشریفات مذهبی، به این نجات و رستگاری دست یابیم و در حضور خدا پاک و بی‌گناه شمرده شویم. اما در این راه نوین، دیگر چنین نیست، هر چند که این راه، چندان هم تازه نیست، زیرا کتاب آسمانی ما از زمان‌های گذشته نوید آن را داده بود. اینک خدا چنین مقرر داشته که اگر کسی به مسیح ایمان بیاورد، از سر تقصیرات او بگذرد و او را کاملاً «بی‌گناه» به حساب آورد. همه انسان‌ها نیز بدون توجه به مقام و یا سوابق‌شان، می‌توانند از همین راه، یعنی «ایمان به عیسای مسیح» نجات یابند. ۲۳ زیرا همه گناه کرده‌اند و هیچکس به آن کمال مطلوب و پُر جلالی که خدا انتظار دارد، نرسیده است. ۲۴ اما اکنون اگر به عیسای مسیح ایمان آوریم، خدا ما را کاملاً «بی‌گناه» به حساب

شروعی تازه

می‌آورد، چون عیسای مسیح به لطف خود به طور رایگان گناهان ما را برداشته است. ۲۵ خدا عیسای مسیح را فرستاد تا مجازات گناهان ما را متحمل شود و خشم و غضب خدا را از ما برگرداند. خدا خون مسیح و ایمان ما را وسیله‌ای ساخت برای نجات ما از غضب خود. به این ترتیب او عدالت خود را ظاهر نمود. اگر او کسانی را که در زمان‌های گذشته گناه کرده بودند مجازات نکرد، این هم کاملاً عادلانه بود، زیرا او منتظر زمانی بود که مسیح بیاید و گناهان آنان را نیز پاک سازد. ۲۶ در زمان حاضر نیز خدا از همین راه گناهکاران را به حضور خود می‌پذیرد، زیرا عیسای مسیح گناهان ایشان را برداشته است. اما آیا این بی‌انصافی نیست که خدا گناهکاران را بی‌گناه بشمارد؟ نه، زیرا خدا این کار را بر اساس ایمان‌شان به عیسای مسیح انجام می‌دهد، یعنی ایمان به کسی که با خون خود گناهان‌شان را پاک کرده است. با این حال صرف نظر از آنچه که کرده‌ایم، او ما را دوست دارد. هرچند که ما مسئولیت داریم که در رابطه با او بمانیم و راه او را در پیش گیریم، او کاری برای ما انجام داد که ما اصلاً قادر نبودیم خودمان انجام دهیم. و حال به عنوان مسیحیان واقعی موقعیت کاملی با پدر آسمانی داریم (کولسیان ۱: ۲۲-۲۱: ۲۱ این صلح شامل حال شما که زمانی از خدا دور بودید نیز می‌شود. بلی، شما روزگاری از خدا رویگردان و با او دشمن بودید؛ نیت‌های بد و اعمال زشت‌تان، شما را از او جدا کرده بود. اما اکنون او شما را به حضور خود پذیرفته است. ۲۲ عیسای مسیح با فدا کردن بدن انسانی خود بر روی صلیب، ایجاد چنین رابطه‌ای را با خدا ممکن ساخته است. در نتیجه این فداکاری است که مسیح، شما را به پیشگاه خدا آورده است؛ و شما بدون هیچ اتهام و محکومیتی در حضور خدا ایستاده‌اید، به طوری که دیگر او خلاقی در شما نمی‌بیند تا به سبب آن، شما را سرزنش کند).

تمام راه‌ها به خدا نمی‌رسد!

مذاهب زیادی در دنیا وجود دارند و احتمالاً این گفته قدیمی را شنیده‌اید که «همه راه‌ها به خدا می‌رسند». اما عیسی گفت که او تنها راهی است که به خدا می‌رسد (یوحنا ۱۴: ۶: عیسی به او فرمود: «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچکس نمی‌تواند به خدا برسد مگر به وسیله من.» - یوحنا ۱۷: ۳: زندگی جاوید از این راه به دست می‌آید که تو را که خدای واقعی و بی‌ظنیر هستی و عیسای مسیح را که به این جهان فرستاده‌ای، بشناسند. اعمال ۴: ۱۱-۱۲: ۱۱ چون بنا به گفته کتاب آسمانی، عیسای مسیح همان سنگی است که شما معمارها دور انداختید، ولی سنگ اصلی ساختمان شد. ۱۲ غیر از عیسای مسیح

شروعی تازه

کسی نیست که بتواند ما را رستگار سازد! چون در زیر این آسمان، نام دیگری وجود ندارد که مردم بتوانند توسط آن از گناهان نجات یابند.» کسانی که عیسی را به قلب خود دعوت نکرده‌اند این حقیقت را نمی‌توانند درک نمایند. بسیاری از مردم ادعا می‌کنند که روحانی هستند اما نجات را از عیسی دریافت نکرده‌اند. عملاً «روح» نادرستی در ایشان کار می‌کند و اشخاصی که روح خدا را ندارند تصور می‌کنند که ادعای عیسی از روی کوتاه‌بینی، تعصب، و احمقانه است (اول قرن‌تین ۲: ۱۴). اما شخص بی‌ایمان قادر نیست افکار و اسرار خدا را که روح‌القدس به ما می‌آموزد، درک کند و بپذیرد. این امور به نظر او پوچ و بی‌معنی می‌آیند، زیرا فقط آنانی که روح خدا در وجودشان قرار دارد، می‌توانند مقصود او را درک کنند؛ اما سایرین قادر نیستند این مطالب را بفهمند).

به هر حال، اگر در این باره فکر کنید، تمام مذاهب به غیر از مسیحیت از زیبایی این امر که خدا دست یاری‌دهنده به سوی ما می‌آورد، بی‌بهره‌اند. تمام «باورهای» دیگر بر اساس توانایی انسان در رسیدن به سرنوشت خود است. ممکن است راهایی برای «خشنود کردن خدا» وجود داشته باشد، که خود تلاش و کوشش عظیمی را از انسان طلب می‌کند. مذاهب دیگر این اندیشه را گسترش می‌دهند که خودمان را «بر تخت یا پادشاه» زندگی خویش قرار دهیم، تا بتوانیم تمام تصمیمات زندگی را بدون هیچ کمکی از خداوند، به دست بگیریم. اما این هر دو شیوه ما را به مشکلی بزرگ می‌رساند - طبیعت گناه‌کار ما هنوز فعال است و در ما کار می‌کند. تنها خدا قادر است حقیقتاً قلب ما را تغییر دهد.

عیسی خودش می‌گوید ما بایستی «دوباره تولد» یابیم تا بتوانیم جنبه فوق طبیعی پادشاهی او را ببینیم (یوحنا ۳: ۸-۱: ۲۱ یک شب، یکی از روحانیون بزرگ یهود برای گفت و شنود نزد عیسی آمد. نام او نیکودیموس و از فرقه فریسی‌ها بود. نیکودیموس به عیسی گفت: «استاد، ما روحانیون این شهر، همه می‌دانیم که شما از طرف خدا برای هدایت ما آمده‌اید. معجزات‌تان نشان می‌دهد که خدا با شماست.» ۳ عیسی جواب داد: «اگر تولد تازه پیدا نکنی، هرگز نمی‌توانی ملکوت خدا را ببینی. اینکه می‌گویم عین حقیقت است.» ۴ نیکودیموس با تعجب گفت: «منظورتان از تولد تازه چیست؟ چگونه امکان دارد پیرمردی مثل من، به شکم مادرش بازگردد و دوباره متولد شود؟» ۵ عیسی جواب داد: «آنچه می‌گویم عین حقیقت است. تا کسی از آب و روح تولد نیابد، نمی‌تواند وارد ملکوت خدا شود. ۶ زندگی جسمانی را انسان تولید می‌کند، ولی زندگی روحانی را روح خدا از بالا می‌بخشد. ۷ پس تعجب نکن که گفتم باید تولد تازه پیدا کنی. ۸

شروعی تازه

درست همانگونه که صدای باد را می‌شنوی ولی نمی‌توانی بگویی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود، در مورد تولد تازه نیز انسان نمی‌تواند پی ببرد که روح خدا آن را چگونه عطا می‌کند.». هنگامی که ما به عیسی ایمان می‌آوریم، روح القدس او درک تازه‌ای از امور روحانی به ما می‌بخشد. به طور مثال، ما شروع می‌کنیم که کتاب مقدس را در سطحی جدید بفهمیم، زیرا روح القدس تنها کسی است که می‌تواند آیات کلام را بر ما آشکار سازد. به تدریج احساسات جدیدی را تجربه می‌کنیم و از راه‌های جدیدی به امور زندگی می‌اندیشیم. با دریافت نجات، به وسیله تبدیل فوق طبیعی، روح ما «زنده» می‌شود و در نتیجه آگاهی تازه‌ای از خداوند کسب می‌کنیم. در حالی که در ایمان مسیحی خود پیش می‌رویم، به نجات‌دهنده خود به گونه‌ای عمیق‌تر عشق می‌ورزیم و می‌خواهیم در زندگی خود او را بیشتر خشنود سازیم.

عیسی حیات خود را برای ما فدیہ کرده تا ما بتوانیم در آزادی و با محبت از او اطاعت کنیم. ما همیشه «اختیار» داشتیم که گناه کنیم، اما حالا با قدرت روح القدس، می‌توانیم شخصیت عیسی را در زندگی‌مان نشان دهیم (کولسیان ۳: ۱۵-۱۲: ۱۲ حال که خدا شما را برای این زندگی تازه برگزیده و اینچنین شما را محبت کرده است، شما نیز باید نسبت به دیگران دلسوز، مهربان، فروتن، ملایم و بردبار باشید؛ ۱۳ و رفتار دیگران را تحمل کنید و آماده باشید تا ایشان را ببخشید. هرگز از یکدیگر کینه به دل نگیرید. از یاد نبرید که مسیح شما را بخشیده است؛ پس شما نیز باید دیگران را ببخشید. ۱۴ مهم‌تر از همه، بگذارید محبت هادی زندگی شما باشد، زیرا محبت عامل همبستگی کامل مسیحیان است. ۱۵ بگذارید آرامشی که مسیح عطا می‌کند، همواره بر دل‌های شما مسلط باشد، چون همه ما باید مانند اعضای یک بدن، در هماهنگی و صفا زندگی کنیم. در ضمن، همیشه شکرگزار باشید.). نشان دادن شخصیت عیسی یعنی دیگران را مقدم بر خود قرار دهیم، و شخصیت ویژه او را که محبت، خوشی، آرامش، صبر، نیکویی، خوبی، ملایمت، وفاداری و خویش‌داری است از خود منعکس سازیم. کتاب مقدس می‌گوید ما نجات یافته‌ایم که بتوانیم کاری را که خدا ما را برای انجام آن فراخوانده است، به جا آوریم (افسیان ۲: ۸-۱۰: ۸ بنابراین، در اثر بخشش رایگان و مهربانی خدا و توسط ایمان‌تان به مسیح است که نجات یافته‌اید؛ و این کار شما نیست، بلکه هدیه خداست. ۹ نجات نتیجه اعمال خوب ما نیست، از این رو هیچکس نمی‌تواند به خود ببالد. ۱۰ این خداست که ما را از نو آفریده و

شروعی تازه

این زندگی جدید را از فیض وجود عیسای مسیح به ما داده است؛ و از زمان‌های دور دست، نقشه خدا این بوده که ما این زندگی جدید را صرف خدمت به دیگران نماییم).

دوست داشتن و اطاعت از عیسی تمام جنبه‌های زندگی شما را تغییر خواهد داد.

فصل پنجم :

کتاب مقدس چیست؟

کتاب مقدس تنها کتاب روی زمین است که عملا و کاملا از خداوند الهام شده است. در واقع کلمه یونانی «الهام شده» به معنی «نفس الهی» و از این رو کتاب مقدس «کلام خدا» نامیده می‌شود. و این یکی از شیوه‌های اولیه است که خداوند خود را از طریق آن آشکار می‌سازد.

کتاب مقدس شامل ۶۶ کتاب است که حدود ۳۳ نویسنده دارد و در طول مدت ۱۵۰۰ سال نوشته شده است. بعضی از مردم معتقدند که کتاب مقدس فقط به وسیله انسان نوشته شده و از این رو بی‌ارزش است. اما آیات کلام به روشنی نشان می‌دهد که روح القدس از این اشخاص استفاده کرد تا دقیقا آنچه را که خدا می‌خواست بنویسند (اول تسالونیکیان ۲: ۱۳). همچنین دائما خدا را شکر می‌کنیم که وقتی پیغام خدا را به شما اعلام نمودیم، آن را سخنان انسانی نپنداشتید، بلکه گفته‌های ما را به عنوان کلام خدا پذیرفتید، که البته همینطور نیز هست. این پیغام، وقتی به آن ایمان آوردید، زندگی شما را دگرگون کرد. - دوم پطرس ۱: ۲۰-۲۱: ۲۰ و ۲۱ این را بدانید که هیچ یک از پیشگویی‌های کتاب آسمانی، از فکر خود انبیاء تراوش نکرده، بلکه روح القدس در وجود این مردان خدا قرار می‌گرفت و حقیقت را به ایشان عطا می‌کرد تا بازگو نمایند).

خدا اشتباه نمی‌کند - کامل، قدوس و حقیقی است. بنابراین کلامی که به ما داده است حقیقت محض است. ما در زمینه خطرناکی وارد می‌شویم وقتی که کتاب مقدس را «به شیوه داستانی» در نظر می‌گیریم که هرچه را که بخواهیم و یا نخواهیم باور کنیم انتخاب می‌کنیم. فقط به خاطر اینکه کسی آن را رد می‌کند، به این معنی نیست که در حضور خدا مورد مواخذه قرار نمی‌گیرد.

از آنجا که خدا کتاب مقدس را برای توضیح دادن درباره خود به کار می‌برد، باید آن را به عنوان کتاب کامل با اقتدار و مکاشفه الهی او بپذیریم. حتی اگر از موضوعاتی نظیر جهنم، داوری یا مسئولیت شخصی خوش‌مان نمی‌آید، پذیرفتن، باور کردن و عمل کردن به آنچه خدا درباره این مسائل جدی گفته است بسیار اهمیت دارد.

کتاب مقدس تماما درباره عیسی است

شگفت انگیز است که بدانیم رشته اصلی کلام در سرتاسر کتاب مقدس از ابتدا تا انتها درباره عیسی مسیح است. این امر فقط یکی از موارد است که ثابت می کند کتاب مقدس طبیعت آسمانی دارد، زیرا از نظر انسانی غیر ممکن است که تمام این نویسندگان درباره موضوع واحدی نوشته باشند؛ به ویژه هنگامی که یکدیگر را نمی شناختند و گفتگو و مذاکره ای بین آنها وجود نداشت. فراتر از آن، بیشتر آیات کلام حتی قرن ها قبل از آنکه عیسی روی زمین قدم بگذارد نوشته شده بود.

بخش اول کتاب مقدس همان عهد عتیق است که دو سوم کلام خدا را تشکیل می دهد. مدتی پس از آنکه خدا نوع بشر را خلق کرد، قوم اسرائیل را انتخاب نمود و آنها را اسرائیلیان، یا یهودیان نام نهاد که محبت و جلال خود را به دنیا اعلام دارد (تثنیه ۷: ۶؛ چون شما قوم مقدسی هستید که به خداوند، خدای تان اختصاص یافته اید. او از بین تمام مردم روی زمین شما را انتخاب کرده است تا برگزیدگان او باشید). او میثاقی ابدی با آنها بست. میثاق موافقت نامه یا تعهدیست که بین دو طرف برقرار می شود. در این عهد خدا حقیقتا به آنها گفت که اگر زندگی شان را تماما در اختیار او بگذارند، او خدای آنها خواهد بود و ایشان قوم محبوب او به شمار می آیند (لاویان ۲۶: ۱۲؛ در میان شما راه خواهم رفت و خدای شما خواهم بود و شما قوم من خواهید بود. - تثنیه ۶: ۹-۴؛ ای بنی اسرائیل گوش کنید: تنها خدایی که وجود دارد، خداوند ماست. ۵ شما باید او را با تمامی دل و جان و توانایی خود دوست بدارید. ۶ این قوانینی که امروز به شما می دهم باید دایم در فکرتان باشد. ۷ آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه درباره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون، خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح. ۸ آنها را روی انگشت و پیشانی خود ببندید؛ ۹ آنها را بر سر در منازل خود و بر دروازه های تان بنویسید). تمام عهد عتیق بر اساس این رابطه قرار دارد.

متأسفانه اسرائیلیان صدها سال رابطه ای «وصل شده، قطع شد» با خداوند داشتند و مرتباً بین دوست داشتن و خدمت کردن خدا و روی برگرداندن از او و بت پرستی کردن در نوسان بودند. داستان های بیشماری می خوانیم که خدا آنها را به شدت تنبیه کرد، اما تنبیه خداوند برای این نبود که از آنها متنفر بود، برعکس، بلکه به این دلیل بود که آنها را دوست می داشت و می خواست بدانند که روی گرداندن از او هرگز برای شان محبت، آرامش، خوشی و حیات نمی آورد. چنین مشکلی امروز نیز در بین پیروان او وجود دارد. از این رو

شروعی تازه

جدی گرفتن خدا و کلام او اهمیت بسیاری دارد. او از ما می‌خواهد که کاملاً به او سر سپرده باشیم.

جالب است که یهودیان هنوز یکی از منفورترین مردم دنیا هستند. شیطان از آنها نفرت دارد، و به دنبال آن، بسیاری از مردم که به راه خدا نمی‌روند از آنها نفرت دارند. این تا اندازه‌ای به این دلیل است که محبوب خدا هستند و تا حدی نیز به علت اینکه عیسی از قوم یهود برخاست. این معجزه‌آسا است که کشور آنها فقط به اندازه یک سوم ایالت فلوریدا است، و با این حال در تمام جنگ‌ها پیروز شده‌اند، و کشور کوچک خود را خوب نگه داشته‌اند. خداوند واقعا آنها را حفظ کرده است.

عهد جدید

آخرین بخش کتاب مقدس عهد جدید نام دارد که پیمان نوینی است بین خدا و افرادی که به او ایمان دارند، او را دوست دارند و عیسی را خدمت می‌کنند (دوم قرنتیان ۳: ۶: اوست که ما را توانایی بخشیده تا به مردم اعلام نماییم که خدا برای نجات بشر، عهد و پیمان جدیدی فراهم کرده است. پیام و محتوای این پیمان جدید، این نیست که اگر کسی تمام قوانین خدا را اطاعت نکند می‌میرد؛ بلکه پیام اینست که روح خدا به انسان، زندگی و حیات می‌بخشد. مطابق پیمان قدیم، برای نجات می‌بایست همه احکام موسی را اطاعت کرد؛ و چون هیچکس نمی‌توانست تمام احکام را اجرا کند، پس همه محکوم به مرگ بودند. اما طبق این پیمان جدید، روح خدا به انسان حیات و زندگی واقعی می‌بخشد. - عبرانیان ۱۰: ۱۶: اینست آن پیمان جدیدی که در آن روز با خاندان اسرائیل خواهم بست: احکام خود را در فکر ایشان خواهم نهاد و در دل ایشان خواهم نوشت، تا بی آنکه سخنی گفته باشم، بدانند از ایشان چه می‌خواهم، و از من اطاعت کنند). این مردمان مسیحیان نام دارند. مسیحیان کلیسا را که بدن این رابطه عهد نوین است تشکیل می‌دهند. حال، چه شما مرد باشید یا زن، سیاه یا سفید، غنی یا فقیر، یهودی یا غیر یهودی، بخشی از خانواده برگزیده خدا به شمار می‌آیید - اگر حقیقتاً ایمان خود را در مسیح قرار دهید و طبق اراده او زندگی نمایید.

زمانی که وارد این رابطه می‌شویم، بسیار مهم است که نوعی ترس سالم از خدا را در خود به وجود آوریم. این «ترس» به معنی وحشت داشتن نیست - بلکه احترام و ستایشی است که در خود می‌یابیم تا واقعا خدا را پرستش نموده و اطاعت کنیم. خداوند، خدایی پر

شروعی تازه

عظمت است و سزاوار جلال، حرمت و ستایش انسان می‌باشد. در واقع، انسان قادر نیست خدای زنده را برای همیشه نادیده بگیرد، رد نماید و یا مسخره کند.

قدرت کتاب مقدس

می‌خوانیم که کتاب مقدس زنده است (عبرانیان ۴: ۱۲): کلام خدا زنده و با نفوذ است و برنده‌تر از هر شمشیر تیزی است که مفصل را از استخوان جدا می‌کند، زیرا افکار پنهانی و نیت‌های مخفی دل ما را می‌شکافد تا ما را آنچنانکه هستیم، به خودمان نشان دهد). کتابی است فوق طبیعی که قادر است ریشه گناه را در قلب انسان آشکار کرده و با آن روبرو شود. زیرا خدا حقیقت است و نمی‌تواند دروغ بگوید. کلام او برای ما تنها منبع حقیقت در دنیاست. شگفت انگیز است که کتاب مقدس نیز مانند پدر، پسر و روح القدس طبیعی ابدی دارد (مقرس ۱۳: ۳۱): آسمان و زمین از میان خواهد رفت، ولی سخنان من تا به ابد پا بر جا خواهد ماند. - اول پطرس ۱: ۲۵: اما کلام خدا تا ابد پا بر جا می‌ماند. این کلام، همان پیام نجات‌بخش انجیل است که به شما نیز بشارت داده شده است). برای آنکه آیات کلام را درک کنیم، باید روح القدس معنی آنها را بر ما آشکار سازد. کسانی که روح القدس در آنها ساکن نیست، قادر نیستند محتوای کتاب مقدس را بفهمند (اول قرنتیان ۲: ۱۰-۱۶: اما خدا این امور را توسط روح خود بر ما آشکار ساخته است، زیرا روح خدا از عمیق‌ترین اسرار خدا آگاهی دارد و آنها را بر ما آشکار می‌سازد. ۱۱ هیچکس نمی‌تواند بداند که در باطن شخصی دیگر چه می‌گذرد، مگر خود آن شخص. به همین ترتیب، هیچکس نمی‌تواند افکار و نقشه‌های خدا را درک کند، مگر روح خدا. ۱۲ خدا در واقع روح خود را به همین منظور به ما عطا فرموده است تا توسط او بر ما آشکار کند که چه هدایای پُر شکوهی از لطف و برکت خود، نصیب ما ساخته است. بدیهی است روحی که ما یافته‌ایم، با روح این دنیا تفاوت دارد. ۱۳ به هنگام گفتگو درباره این هدایا نیز از کلماتی که به عنوان یک انسان می‌توانیم به کار ببریم، استفاده نمی‌کنیم، بلکه عینا همان کلماتی را به کار می‌بریم که روح خدا به ما الهام می‌کند. به این ترتیب، حقایق روح القدس را با کلمات روح القدس بیان می‌نماییم. ۱۴ اما شخص بی‌ایمان قادر نیست افکار و اسرار خدا را که روح القدس به ما می‌آموزد، درک کند و بپذیرد. این امور به نظر او پوچ و بی‌معنی می‌آیند، زیرا فقط آنانی که روح خدا در وجودشان قرار دارد، می‌توانند مقصود او را درک کنند؛ اما سایرین قادر نیستند این مطالب را بفهمند. ۱۵ شخص روحانی هر چیز را تشخیص می‌دهد و درک می‌کند و همین امر موجب تعجب و ناراحتی مردم دنیا می‌گردد،

شروعی تازه

مردمی که هرگز نمی‌توانند او را درک کنند. ۱۶ چگونه ممکن است که بتوانند او را درک کنند؟ آنها هرگز سعی نکرده‌اند افکار و مشیت خدا را درک کنند، یا با او سخن بگویند و راز و نیاز کنند، ولی ما مسیحیان دارای فکر مسیح می‌باشیم و افکار او را درک می‌کنیم. به همین دلیل آنان که به عیسی ایمان ندارند کلام خدا را درک نکرده و آن را خسته‌کننده و نامربوط می‌پندارند. روح‌القدس تنها کسی است که کلام را زنده می‌سازد و اجازه می‌دهد که افکار ما و قلب ما شکل و فرم بیابد (مزمور ۱۹: ۹-۷: ۷ احکام خداوند کامل است و جان را تازه می‌سازد، کلام خداوند قابل اعتماد است و به ساده دلان حکمت می‌بخشد. ۸ فرامین خداوند راست است و دل را شاد می‌سازد، اوامر خداوند پاک است و بصیرت می‌بخشد. ۹ قوانین خداوند قابل احترام و نیکوست و تا ابد برقرار می‌ماند. احکام خداوند تماماً حق و عدل است.).

ما به شدت به یک حقیقت محکم و ابدی نیاز داریم تا زندگی‌مان را براساس آن قرار دهیم، زیرا سیستم دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم پر از دروغ، تغییر و فریب، نفرت و طمع است. آیا همه ما توسط دولت ناامید نشده‌ایم؟ توسط علوم، دارو، دوستان، خانواده، کارفرما و به طور کلی مردم؟ این از این جهت است که این دنیا براساس حکمت انسانی بنا شده است و طبیعت درونی انسان شریر و فریب‌کار است (ارمیا ۱۷: ۹: هیچ چیز مانند دل انسان فریب‌کار و شرور نیست؛ کیست که از آنچه در آن می‌گذرد آگاه باشد؟). در واقع، حتی زمانی که ما شیوه‌های خدا را جویا می‌شویم، هنوز اشتباهاتی از ما سر می‌زند که از قالب فکر انسانی ما سرچشمه می‌گیرد.

پس چگونه می‌توان طبق اصول خداوند زندگی کرد؟

این مشکل پاسخی دارد که در آیات کلام خدا یافت می‌شود که قادر است ذهن و وجدان و انگیزه ما را پاک سازد (ارمیا ۲۳: ۲۹: کلام من مثل آتش می‌سوزاند و مثل چکش خرد می‌کند. - افسسیان ۵: ۲۶-۲۵: ۲۵ و اما شما ای شوهران، همسران خود را همانطور دوست بدارید که مسیح کلیسای خود را دوست داشت. او حاضر شد جانش را فدای کلیسا کند، ۲۶ تا آن را مقدس و پاک سازد و با غسل تعمید و کلام خدا آن را شستشو دهد. - اول تیموتائوس ۱: ۵: اما منظور من از این حکم اینست که مسیحیان آنجا، از محبتی لبریز شوند که از دلی پاک و انگیزه‌ای درست و ایمانی اصیل سرچشمه می‌گیرد.). اگر هر روز کلام خدا را بخوانیم و از صمیم قلب از آن اطاعت کنیم، قادر است که ما را پاک و مقدس سازد (یوحنا ۱۷: ۱۷: کلام راستی خود را به آنان بیاموز تا پاک و مقدس شوند).

شروعی تازه

کتاب مقدس و روح القدس قدرت دارند که حیات واقعی را به ما منتقل نمایند. (یوحنا ۶: ۶۳) فقط روح خدا به انسان زندگی جاوید می‌دهد. کسانی که فقط یک بار متولد شده‌اند، با آن تولد جسمانی، هرگز این هدیه را دریافت نخواهند کرد. ولی اکنون به شما گفتم که چگونه این زندگی روحانی و واقعی را می‌توانید به دست آورید. - اول پطرس ۱: ۲۳: زیرا از زندگی تازه‌ای برخوردار شده‌اید. این زندگی تازه را از والدین خود نیافته‌اید؛ چه، در این صورت، پس از چند صبحی تباه می‌شد؛ این زندگی تازه تا ابد پا بر جا خواهد ماند، زیرا از مسیح حاصل شده، یعنی از پیام همیشه زنده خدا برای انسان‌ها). کلام خدا شناخت درست و نادرست را به ما می‌آموزد و قادر است که افکار نادرست ما را تصحیح کند (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷: ۱۶ در واقع تمام قسمت‌های کتاب مقدس را خدا الهام فرموده است. از این جهت، برای ما بسیار مفید می‌باشد، زیرا کارهای راست را به ما می‌آموزد، اعمال نادرست را مورد سرزنش قرار می‌دهد و اصلاح می‌کند، و ما را به سوی زندگی خداپسندانه هدایت می‌نماید. ۱۷ خدا به وسیله کلامش ما را از هر جهت آماده و مجهز می‌سازد تا به همه نیکی نماییم). طرز تفکر ما را تغییر می‌دهد تا بتوانیم اراده خدا را در زندگی‌مان درک نموده و راه او را در پیش گیریم (رومان ۱۲: ۲: رفتار و کردار و شیوه زندگی مردم دنیا را تقلید نکنید، بلکه بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون کند تا به انسانی جدید تبدیل شوید. آنگاه قادر خواهید شد اراده خدا را درک کرده، آنچه را که خوب و کامل و مورد پسند اوست، کشف کنید). کتاب مقدس را شمشیر روح نامیده‌اند، زیرا از طریق قدرت روح القدس، قادر است راست و دروغ را از هم بشکافد و طرز فکر قدیمی ما را تغییر دهد (افسیان ۶: ۱۷: «کلاهخود نجات» را بر سر بگذارید و «شمشیر روح» را که همان کلام خداست، به دست بگیرید). باور کردنی نیست که عیسی نیز درست مانند کتاب مقدس، کلام خدا (یوحنا ۱: ۱: در ازل، پیش از آنکه چیزی پدید آید، «کلمه» وجود داشت و نزد خدا بود. - مکاشفه ۱۹: ۱۳: او جامه خون‌آلودی در برداشت و لقبش «کلمه خدا» بود). و کلمه حیات نام دارد (اول یوحنا ۱: ۱: از ابتدا، «کلمه» حیات‌بخش خدا وجود داشته است، من او را با چشمان خود دیده‌ام، و سخنان او را شنیده‌ام؛ من با دست‌های خود او را لمس کرده‌ام). مانند خدا، کتاب مقدس کلام اوست! او کلام زنده است و کتاب مقدس، کلام مکتوب اوست.

آیات کلام چراغ قدم‌های ما و نور راه زندگی ما است (مزمور ۱۱۹: ۱۰۵: کلام تو چراغ راهنمای من است؛ نوری است که راه را پیش پایم روشن می‌سازد!). کتاب مقدس چراغی

شروعی تازه

است که خطر را در زندگی مسیحی ما آشکار می‌نماید و ما را محافظت می‌کند، اگر از آن اطاعت کنیم. ما را از خودفریبی باز می‌دارد (مزمور ۱۱۹: ۲۹: نگذار به راه خطا روم؛ احکام خود را به من تعلیم ده). قادر است روح ما را در ضمن خواندن کلام و انجام دستوراتش، از خطر حفظ نماید (یعقوب ۱: ۲۱: بنابراین، هر نوع ناپاکی و عادت زشت را که هنوز در وجودتان باقی است، از خود دور کنید؛ و با فروتنی کلام خدا را که در دل‌تان کاشته شده است، بپذیرید، زیرا این کلام قدرت دارد جان‌های شما را نجات بخشد). ما را از گناه باز می‌دارد (مزمور ۱۱۹: ۱۱: کلام تو را در دل خود حفظ می‌کنم و به خاطر می‌سپارم تا مبادا نسبت به تو گناه ورزم!

(و پاک نگه می‌دارد (مزمور ۱۱۹: ۹: مرد جوان چگونه می‌تواند زندگی خود را پاک نگاه دارد؟ به وسیله خواندن کلام خدا و اطاعت از دستورات آن!). و چنانچه اجازه دهیم کلام خدا در قلب ما ساکن شود قدرت دارد که ما را از شریر محافظت نماید (اول یوحنا ۲: ۱۴: پس این را می‌خواهم بگویم به شما پدرانی که خدای ازلی را می‌شناسید، و به شما جوانانی که کلام خدا را در دل خود حفظ می‌کنید و قوی هستید و بر شیطان پیروز شده‌اید).

به خاطر داشته باشید، ما نجات را از طریق ایمان به عیسای مسیح دریافت می‌کنیم، اما باید همواره پاک باشیم تا در او بمانیم، که این امری است که کلام خدا برای ما انجام می‌دهد. آیات کلام به ما یادآوری می‌نماید که باید از کلام خدا اطاعت کنیم و در غیر این صورت خود را فریب می‌دهیم (یعقوب ۱: ۲۵-۲۲: ۲۲ اما فراموش نکنید که این کلام را نه فقط باید شنید، بلکه باید به آن عمل کرد. پس خود را فریب ندهید، ۲۳ زیرا کسی که کلام را فقط می‌شنود ولی به آن عمل نمی‌کند، مانند شخصی است که صورت خود را در آینه نگاه می‌کند؛ ۲۴ اما به محض اینکه از مقابل آینه دور می‌شود، چهره خود را فراموش می‌کند. ۲۵ اما کسی که به کلام خدا که قانون کامل آزادی بشر است، توجه داشته باشد، نه تنها آن را همیشه به خاطر خواهد داشت، بلکه به دستوراتش نیز عمل خواهد کرد، و خدا عمل او را برکت خواهد داد. - اول پطرس ۲: ۸: همچنین، در کتاب آسمانی آمده است: «او سنگی است که پای بعضی به آن می‌خورد و می‌افتند، و تخته سنگی است که بعضی از آن سقوط می‌کنند.» حق‌شان است که بیفتند و سقوط کنند، زیرا از کلام خدا اطاعت نمی‌نمایند). در واقع، ما عملاً محبت خود را نسبت به عیسی از طریق اطاعت از کلامش نشان می‌دهیم (یوحنا ۱۴: ۱۵: اگر مرا دوست دارید، آنچه می‌گویم اطاعت کنید. - یوحنا ۱۴: ۲۱: کسی مرا دوست دارد که آنچه می‌گویم اطاعت کند؛ و چون مرا دوست

شروعی تازه

دارد، پدرم خدا نیز او را دوست خواهد داشت و من نیز او را دوست خواهم داشت و خود را به او نشان خواهم داد. - اول یوحنا ۲: ۵؛ فقط کسی می‌تواند واقعا خدا را بشناسد و با او رابطه نزدیک داشته باشد که او را هر روز بیشتر دوست داشته، کلام او را به جا آورد. و از اطاعت کردن او برکات فراوان نصیب ما می‌شود (مکاشفه ۱: ۳؛ خوشا به حال کسی که این پیشگویی‌ها را برای دیگران بخواند؛ و خوشا به حال آنان که به آن گوش فرا دهند، زیرا زمان وقوع این رویدادها چندان دور نیست. - مکاشفه ۲۲: ۷؛ عیسی مسیح می‌فرماید: «گوش کنید! من به زودی می‌آیم. خوشا به حال کسانی که آنچه را که در این کتاب پیشگویی شده، باور می‌کنند.» بدون تردید خداوند ما را محکم در دست‌های خود نگاه داشته است. پس نباید نگران باشیم که «سقوط می‌کنیم»، اما اگر سعی نکنیم که به عیسی نزدیک شویم و نزدیک بمانیم، بدون تردید رابطه ما با او تیره و کدر خواهد شد. این لیست پایان‌ناپذیری از خوبی و قدرت کتاب مقدس نیست. اما اهمیت و ضرورت مطالعه کلام را مورد توجه قرار می‌دهد. نمی‌توانم به قدر کفایت تاکید نمایم که مطالعه روزمره کلام خدا در زندگی ما چقدر اهمیت دارد. و تاکید می‌کنم که بدون توجه و دقت آن را نخوانید، بلکه آن را دقیقاً بیاموزید و فرا گیرید و در ضمن خواندن دعا کنید و سوال کنید. مثلاً «این قسمت چگونه با زندگی من ارتباط دارد؟» یا «خدایا چه پیامی برای من داری؟». به نقشه نگاه کنید و ببینید که بخشی را که می‌خوانید در کجا اتفاق می‌افتد. می‌توانید مراجع را با قسمت‌های مشابه دیگر که در داخل کتاب مقدس آمده‌اند، مطابقت دهید. افکار و دعای خود را یادداشت نمایید. تجربه بزرگی است و از این طریق خدا را خیلی بیشتر خواهید شناخت و در نظر بگیرید که صبح قدری زودتر از خواب برخیزید. روز خود را با کتاب حیات آغاز کنید اگر شخصی شب زنده‌دار هستید، کتاب مقدس را در هنگام شب بخوانید. حقیقت این است که اگر به طور معمول و روزانه کلام خدا را نخوانید هرگز زندگی خوبی را با خدا که در آرزویش هستید، نخواهید داشت. اگر به تازگی ایمان آورده‌اید از کتاب یوحنا شروع کنید زیرا شخصیت عیسی را آشکار می‌سازد. فراگیری کتاب مقدس بسیار لذت‌بخش است. زندگی شما را در مسیح بسیار عمیق‌تر می‌سازد و تا بی‌نهایت حیات می‌بخشد این خط ارتباطات مستقیم با خداست و صخره‌ای است که شما را در این دنیا که همواره دگرگون می‌شود، ثابت و پابرجا می‌سازد (اشعیا ۲۶: ۴-۳؛ ۳ ای خداوند، تو کسانی را که به تو توکل دارند و در عزم خود راسخند در آرامش کامل نگاه خواهی داشت. ۴ همیشه بر خداوند توکل کنید؛ او جان‌پناه جاودانی ماست!). کلام خدا

شروعی تازه

قلب خدا را به ما انتقال می‌دهد، هدفی که برای ما دارد بر ما آشکار می‌سازد، و دستورات محبت‌آمیز آن را به ما نشان می‌دهد. هرگز در صرف وقت و مطالعه کتاب مقدس و شناختن بیشتر خدا، پشیمان نخواهید شد. او سزاوار وقت و کوششی است که شما برای شناخت او به کار می‌برید.

با مطالعه و فراگیری کلام خدا، زندگی شما عملاً تبدیل می‌گردد.

شروعی تازه

فصل ششم:

خدا کیست؟

در این فصل درباره خدای پدر می‌آموزیم که شخص اول در تثلیث الهی است. «تثلیث» یعنی (یگانگی سه شخص الهی). عیسی دومین شخص و روح القدس سوم شخص در این اتحاد شکوهمند است. هر سه شخص جداگانه و مشخص هستند که در قدرت و عظمت یکسان می‌باشند. هر سه این‌ها در خلقت حاضر بوده و دنیا را با یکدیگر نگاه داشتند. ما این جوهر الوهیت را تثلیث می‌نامیم. درک این خدا مانند درک جریان برق بسیار دشوار است. و ما همه عقیده داریم که جریان برق وجود دارد.

خدای پدر از ابعاد بسیاری در شخصیت خود برخوردار است. به طور مثال یک مرد می‌تواند یک شوهر، یک پدر، یک کارمند، و یک پسر باشد. اسامی خدا نماینده نقش‌های مختلف اوست. او ارباب نام دارد که به معنی «آقا» یا «مالک» می‌باشد. در زبان عبری، او همچنین یهوه یا ی را یعنی «خدا فراهم می‌کند» نامیده می‌شود. ال‌شدای نام دیگر اوست که «خدای قادر مطلق» معنی می‌دهد. نام دیگر او ادونای می‌باشد که به معنی «ارباب اعظم» یا خدای متعالی است.

در آغاز

از ابتدای کتاب مقدس گفته شده است که خدا خالق جهان است (پیدایش ۱:۱). در ابتدا، خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید. - مزمور ۲۴: ۱-۲ زمین و هر آنچه در آنست، از آن خداوند می‌باشد. ۲ او اساس و بنیاد زمین را بر آب دریاها قرار داد. او خالق نوع بشر نیز می‌باشد (پیدایش ۲: ۷-۴: ۴ به این ترتیب آسمان‌ها و زمین آفریده شد. هنگامی که خداوند آسمان‌ها و زمین را ساخت، ۵ هیچ بوته و گیاهی بر زمین نرویده بود، زیرا خداوند هنوز باران نبارانیده بود، و همچنین آدمی نبود که روی زمین کشت و زرع نماید؛ ۶ اما آب از زمین بیرون می‌آمد و تمام خشکی‌ها را سیراب می‌کرد. ۷ آنگاه خداوند از خاک زمین، آدم را سرشت. سپس در بینی آدم روح حیات دمیده، به او جان بخشید و آدم، موجود زنده‌ای شد. - مزمور ۱۳۹: ۱۶-۱۳: ۱۳ تو مرا در رحم مادرم نقش بستی و مرا به وجود آوردی. ۱۴ تو را شکر می‌کنم که مرا اینچنین شگفت‌انگیز آفریده‌ای! با تمام وجود دریافته‌ام که کارهای تو عظیم و شگفت‌انگیز است. ۱۵ وقتی استخوان‌هایم در رحم مادرم

شروعی تازه

به دقت شکل می‌گرفت و من در نهان نمو می‌کردم، تو از وجود من آگاه بودی؛ ۱۶ بلی، حتی پیش از آنکه من به وجود بیایم تو مرا دیده بودی. پیش از آنکه روزهای زندگی من آغاز شود، تو همه آنها را در دفتر خود ثبت کرده بودی. ممکن است ما هم قبول کنیم که «البته خدا همه چیز را خلق کرد»! اما چون در مدارس به ما تعلیم دادند که ما در اثر انفجار عظیم جهانی «بیگ بنگ Big bang» و یا از نسل میمون به وجود آمده ایم و فقط قوی‌ترین نژادها زنده مانده بقاء یافتند، ناگزیر عقاید در هم برهمی از امور ضد و نقیضی داریم که در طول سالیان درباره خلقت خداوند شنیده و یا آموخته‌ایم. لیکن باور هرگونه حقیقت دیگری غیر از آنچه که ما با دست‌های خدا به نحوی بی‌نظیر و منحصر به فرد خلق شده‌ایم، می‌تواند ما را به نظریات گوناگون و نادرست روان‌شناسی و ناهنجاری‌های روانی هدایت نماید. هرگونه نظریه‌ای به جز خلقت، زیبایی کار خدا را که در زمان معین خود شخصا نوع بشر را آفرید، بی‌اعتبار می‌سازد.

یکی از بدترین ذهنیت‌های تخریبی که می‌توان یافت، از دست دادن این دیدگاه است که هریک از ما تا چه اندازه برای خدا عزیز و با ارزش هستیم. زندگی ما بسیار مهم است زیرا خداوند خودش به دست‌های خود ما را به نحوی حیرتانگیزی شکل داد، و شخصا و صمیمانه روح خود را در ما دمید (ایوب ۱۰: ۸: دست‌های تو بود که مرا سرشت و اکنون همان دست‌هاست که مرا نابود می‌کند. - ایوب ۳۳: ۴: زیرا روح خدا مرا آفریده است و نفس قادر مطلق به من زندگی بخشیده است).

انسان در مقابل خدا

در فصل اول این کتاب آموختیم که قلب انسانی ما فریب‌کار و شرور است. ما به کسی خارج از وجود خودمان که قدرتمند و قادر و از نظر اخلاقی برتر از ما باشد نیاز داریم تا شرایط گناه‌آلود ما را تغییر دهد. با اینکه به نظر می‌رسد که کسی قادر است که زندگی نسبتاً «خوبی» دور از خدا داشته باشد، اما واقعیت این است که بدون حضور خدا در زندگی‌مان، قادر نیستیم که قلبی پاک با انگیزه و اهدافی درست داشته باشیم. مهم‌تر از همه اینکه اگر ما از طریق عیسای مسیح در رابطه با خداوند نیستیم، غیر ممکن است که به بهشت و نزد خدا برویم (یوحنا ۱۴: ۶: عیسی به او فرمود: «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچ کس نمی‌تواند به خدا برسد مگر به وسیله من»).

خدا از هر نظر با ما تفاوت دارد. هر چند که ما به شباهت او خلق شده‌ایم، گناه ما را از نشان دادن جلال او در این دنیا ناتوان ساخته است. به طور مثال، او از کارهای زشت ما

شروعی تازه

متنفر است (امثال ۶: ۹-۶: ۶ ای آدم‌های تنبل، زندگی مورچه‌ها را مشاهده کنید و درس عبرت بگیرید. ۷ آنها ارباب و رهبر و رئیسی ندارند، ۸ ولی با این همه در طول تابستان زحمت می‌کشند و برای زمستان آذوقه جمع می‌کنند. ۹ اما ای آدم تنبل، کار تو فقط خوابیدن است. پس کی می‌خواهی بیدار شوی؟). ما گناهان خود، بت‌های خود و راه‌های خودپسندانه خود را دوست داریم. اما خدا طاقت گناهان ما را ندارد هرچند که همه مردم را دوست دارد. دلیل عمده‌ای که او از گناه متنفر است، محبت است. زیرا او می‌داند که گناهان ما، ما را از او جدا می‌سازد.

خدا عدالت را دوست دارد و همیشه عادل است. مردم اغلب خدا را به خاطر دشواری‌ها و اتفاقات نامطلوبی که در دنیا رخ می‌دهد سرزنش می‌کنند، اما قسمت عمده نابسامانی‌هایی که وجود دارد نتیجه مستقیم طمع انسان، نفرت و شهوت و عدم تسلیم و اطاعت از خداست. زمانی که خدا نوع بشر را خلق کرد، نقشه و نیت خدا این بود که ما در دنیایی کامل و بدون نقص به سر ببریم - دنیایی که اکنون آرزویش را داریم. درحالی که گناه مرگ، نابودی و ویرانی را به زندگی ما وارد ساخته است. و فراموش نشود که دشمن جان و روح ما، شیطان، مستقیماً بدی‌هایی را که مشاهده می‌کنیم به زندگی ما می‌افزاید.

صفات ممتاز خدا

«صفات» انسان مجموعه‌ای از خصوصیات، رفتار اکتسابی و طبیعی، وابستگی‌های ذاتی است که هر شخص دارا می‌باشد. شخصیت ما به طور عمده تعیین‌کننده انتخاب ماست زیرا آنچه که هستیم با آنچه که می‌کنیم برابر است. مهم نیست که چه «می‌گوییم» - در نهایت آنچه را که واقعاً دوست داریم «انجام» می‌دهیم. اغلب آنچه را که دوست داریم بدون در نظر گرفتن دیگران انجام می‌دهیم.

برعکس ما، خداوند صفات «کاملی» دارد. همیشه یکسان بوده و تا ابد یکسان خواهد بود. بر اثر احساسات، مکان، شرایط یا تاثیر و نفوذهای بیرونی تغییر نمی‌کند. او همیشه در محبت و عدالت کامل عمل می‌کند. «صفات» او چنین است او این چنین است. صفات شخصی و اعمال او موضوع این فصل است.

کتاب مقدس می‌گوید پس از آنکه عیسی را در زندگی‌مان دریافت می‌کنیم، روح خدا در ما ساکن می‌شود و بیشتر خصوصیات و صفات ما را به طور فوق طبیعی تغییر می‌دهد (رومیان ۱۲: ۲: رفتار و کردار و شیوه زندگی مردم دنیا را تقلید نکنید، بلکه بگذارید خدا افکار و طرز فکرتان را دگرگون کند تا به انسانی جدید تبدیل شوید. آنگاه قادر خواهید شد

شروعی تازه

اراده خدا را درک کرده، آنچه را که خوب و کامل و مورد پسند اوست، کشف کنید). داشتن رابطه با خالق قادر و توانا بایستی شما را از بنیان تغییر دهد! ما عملاً با دریافت نجات، خلقت جدیدی می‌شویم (دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۷: کسی که از آن مسیح می‌گردد، تبدیل به شخص جدیدی می‌شود. او دیگر آن انسان قبلی نیست؛ او زندگی کاملاً تازه‌ای را آغاز کرده است). قلب تازه، فکر تازه و خواسته‌های تازه‌ای دریافت می‌کنیم (حزقیال ۳۶: ۲۶-۲۷ به شما قلبی تازه خواهیم داد و روحی تازه در باطن شما خواهیم نهاد. دل سنگی و نامطیع را از شما خواهیم گرفت و قلبی نرم و مطیع به شما خواهیم داد. ۲۷ روح خود را در شما خواهیم نهاد تا احکام و قوانین مرا اطاعت نمایید. - عبرانیان ۸: ۱۰: اما اینست آن پیمان جدیدی که در آن روز با خاندان اسرائیل خواهیم بست: احکام خود را در فکر ایشان خواهیم نهاد و در دل ایشان خواهیم نوشت، تا بی آنکه سخنی گفته باشم، بدانند از ایشان چه می‌خواهم، و از من اطاعت کنند. آنگاه من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من).

این آیات در عبرانیان به یهودیان اشاره می‌کند. به خاطر داشته باشید که آنها قوم برگزیده خدا در عهد عتیق بودند. یهودیان و غیر یهودیان دو گروه متفاوت محسوب می‌شوند زیرا مردم یهود به وسیله خدا از سایر مردم دنیا جدا شده بودند. خدا آنها را برگزید که راه‌ها و جلال خود را به دیگران نشان دهد. و آنها تنها گروه قومی بودند که به یک خدای واحد عقیده داشتند، در مقابل بت‌پرستی که در همه جا وجود داشت و در میان فرهنگ‌ها بسیار عادی بود.

اما از زمان عهد جدید یهودیان و غیر یهودیان را با هم در نظر می‌گرفتند. این امر به این دلیل پیش آمد که عیسی برای همه قوم‌ها روی صلیب رفت تا آنها قادر باشند آزادی از گناه را انتخاب کنند. حال، اگر ما تولد تازه داریم، - صرف نظر از میراث خود - ما «قوم خدا» هستیم و از دیگران جدا شده‌ایم تا او را در دنیا جلال دهیم.

برحسب واقعه هر چند که من یهودی نیستم و به طوری حیرت‌انگیز این امتیاز را دارم که فرزند خدا باشم، معتقدم که خدا همیشه جای خاصی برای مردم یهودی در قلب خود نگاه داشته است.

در حالی که به مطالعه این درس می‌پردازیم، سعی کنید در نظر آورید که چقدر خدای ما در حقیقت دوست‌داشتنی، زیبا، حقیقی و وفادار و نیکو است. و نیز به یاد آورید که خدا

شروعی تازه

چه باشکوه، قدرتمند، عادل و قدوس است! سپس تمام وجود خود را به او بسپارید، و بگذارید که شما را چنان تبدیل نماید که بیشتر به شباهت او در آیید.

خدای پدر روح است (یوحنا ۴: ۲۴؛ زیرا خدا روح است، و هر که بخواهد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد). او فناناپذیر است (ایوب ۹: ۳۲؛ تو مثل من انسان نیستی که بتوانم به تو جواب دهم و با تو به محکمه روم)، یعنی او انسان نیست و مانند انسان آفریده نشده است. این حالت و وضعیت ابدی «موجودیت ازلی» نام دارد که درک آن برای ما بسیار دشوار است، اما خدا همیشه زنده و حیات داشته است. او قبل از شروع زمان وجود داشت و برای همیشه وجود خواهد داشت که این حالت را «فنا ناپذیر» می‌نامیم. این وضعیت منشأ آرزوی ما برای ابدیت است (جامعه ۳: ۱۱؛ دیدم که خداوند برای هر کاری زمان مناسبی مقرر کرده است. همچنین، او در دل انسان اشتیاق به درک ابدیت را نهاده است، اما انسان قادر نیست کار خدا را از ابتدا تا انتها درک کند). بسیار حیرت‌انگیز است که عیسی نیز وجود ازلی داشته و فنا ناپذیر است (یوحنا ۱: ۱؛ در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود)، چنانکه خود عیسی نیز خداست - «خدا در جسم».

خدا، خدای حسودی است (خروج ۲۰: ۵؛ در مقابل هیچ بتی سجده مکن و آن را پرستش منما، زیرا من خداوند، که خدای تو هستم هیچ رقیبی را تحمل نمی‌کنم و انتقام گناه کسانی را که از من متنفرند تا نسل سوم و چهارم از فرزندان‌شان می‌گیرم). اما این حسادت مانند حسادت انسانی نیست! این از آن نوع حسادت است که شوهری با محبت نسبت به همسر محبوب خود دارد که از محبتی سالم حاصل می‌گردد که از همسر محافظت و مراقبت نماید. شوهر از اتحادی که با زن خود دارد نگاهبانی می‌کند که امور دنیوی به اتحاد آنها صدمه‌ای وارد نکند. خداوند اغلب از رابطه ازدواج در مورد مردم خویش استفاده کرده و قوم خود را «عروس خود» می‌نامد. درست مانند شوهری که محبت دارد و حمایت می‌کند، همچنین پناه و قوت ما می‌باشد (مزمور ۴۶: ۱؛ خدا پناهگاه و قوت ماست، مددکاری که هنگام سختی فوراً به فریاد ما می‌رسد). تنها یک خدای حقیقی وجود دارد (دوم سموئیل ۷: ۲۲؛ ای خداوند متعال، تو خدای بزرگواری هستی. مثل و ماندنی نداری. ما به گوش خود شنیده‌ایم که کسی شریک و همتای تو نیست). کلمه «با اقتدار یا فرمانروا» در این آیات به معنی «در کنترل کامل، عالی و بالا، مستقل» است. او خود به تنهایی بر دنیا حکومت دارد (اشعیا ۴۳: ۱۰؛ ای قوم اسرائیل، شما شاهان من هستید. من

شروعی تازه

شما را برگزیدم تا بنده من باشید، تا اینکه مرا بشناسید و به من ایمان آورید، و بدانید که من تنها خدا هستم. غیر از من خدایی نیست، نبوده و نخواهد بود. - اشعیا ۴۴: ۸-۶: ۶ خداوندی که فرمانروایی می‌کند و حامی اسرائیل است، خداوند متعال چنین می‌گوید: «من اول و آخر و تنها خدا هستم، و خدایی غیر از من وجود ندارد. ۷ آیا کس دیگری می‌توانست آنچه را من کرده‌ام، بکند؟ چه کسی می‌توانست مثل من تمام وقایع را، از ابتدا تا روز آخر این طور پیشگویی کند؟ ۸ ای قوم من ترسان نباش. تو می‌دانی که از زمان‌های قدیم تا امروز من هر چه را که می‌بایست واقع شود، از پیش گفتم، و شما شاهدان من هستید. آیا خدای دیگری هست؟ آیا خدای توانای دیگری وجود دارد که من درباره‌اش نشنیده باشم؟». او خدایی فوق طبیعی است که از راه‌های معجزه‌آسایی عمل می‌کند (مزمور ۷۷: ۱۴). تو خدایی هستی که معجزه می‌کنی. تو قدرت خود را به همه اقوام جهان نشان دادی. هیچ امری برای خدا بسیار دشوار یا چندان بزرگ نیست که نتواند انجام دهد و ضمن این که نقشه‌های احمقانه انسان را نابود می‌سازد، اما در یک مورد به ما تحمیل نمی‌کند و آن انتخاب ما در پذیرفتن او، دوست داشتن او و اطاعت از اوست. محبت واقعی همیشه ما را در انتخاب‌مان آزاد می‌گذارد. خداوند صخره ما نام دارد زیرا همیشه در تمام راه‌هایش کاملاً ثابت است (مزمور ۱۸: ۱-۳: ۱ ای خداوند، ای توانایی من! تو را دوست می‌دارم. ۲ خداوند پشتیبان من است؛ پناهگاه مستحکم من، خدای من نجات‌دهنده من است. او همانند یک پناهگاه از من محافظت می‌کند؛ او مرا حمایت می‌کند و مرا در امنیت نگاه می‌دارد. ۳ خداوند را که شایسته سپاس و ستایش است، می‌طلبم و از شر دشمنان در امان هستم. - مزمور ۱۸: ۳۳-۳۰: ۳۰ راه خدا کامل و وعده خداوند قابل اطمینان است. او حافظ کسانی است که به او پناه می‌آورند. ۳۱ خداوند تنها خداست؛ خدا تنها تکیه‌گاه ماست. ۳۲ خداست که مرا قدرت بخشیده، و راه مرا امن ساخته است. ۳۳ پاهای مرا مانند پاهای آهو ساخته و بر کوه‌ها استوارم نموده است. او پناه و مدافع آنانی است که او را دوست دارند، به او اعتماد می‌کنند و از او اطاعت می‌نمایند. او تنها نجات‌دهنده واقعی است و از این رو تنها کسی است که نجات حقیقی را برای ما فراهم می‌سازد (اشعیا ۴۵: ۲۲-۲۱: ۲۱ بیایید و دعوی خود را در دادگاه ارائه کنید؛ بگذارید مدافعان با هم شور و مشورت کنند. چه کسی در زمان‌های گذشته درباره آنچه به وقوع خواهد پیوست، پیشگویی کرد؟ آیا من - خداوند، خدای عادل که قومش را نجات می‌دهد

شروعی تازه

- چنین نکردم؟ خدای دیگری وجود ندارد. ۲۲ «ای تمام مردم جهان، به سوی من بازگردید و نجات یابید! من تنها خدا هستم و خدای دیگری نیست.».

او خدایی شخصی است.

وقتی که نزد خدا دعا می‌کنیم او دعای ما را می‌شنود و اجابت می‌کند. در حقیقت کتاب مقدس می‌گوید: «او به سوی ما خم می‌شود که صدای ما را بشنود» (مزمور ۱۱۶: ۱-۲). خداوند را دوست دارم، زیرا او دعا و التماس مرا می‌شنود. ۲ او به دعای من گوش می‌دهد، پس تا پایان عمرم به درگاهش دعا خواهم کرد). البته، او روح است و عملاً خم نمی‌شود، اما خم شدن کلمه تصویری است که ما می‌توانیم تصور کنیم تا چه حد خدا دل‌رحم و نسبت به ما با توجه است.

و هنگامی که در دعا هستیم، لازم است که آگاهی داشته باشیم که دعاهای ما اغلب به صورتی که ما درخواست کرده‌ایم پاسخ نمی‌گیرد. هرچند که بایستی برای همه چیز دعا کرد، باید انتظار داشته باشیم که جواب خدا کاملاً طبق اراده او صورت گیرد (اول یوحنا ۵: ۱۴). اطمینان ما در حضور خدا این است که اگر از او چیزی بخواهیم که مطابق اراده او باشد به ما گوش خواهد داد). حتی عیسی در رنج و عذاب افتاد، پس ما باید در زندگی کمتر از آن انتظار نداشته باشیم (متی ۲۶: ۳۹). عیسی کمی جلوتر رفت، رو به زمین نهاد و دعا کرده گفت: «ای پدر اگر ممکن است این پیاله را از من دور کن اما نه به اراده من بلکه به اراده تو.».

انسان هوشمند می‌داند که خدا همیشه به دعاهای ما طبق خیریت و مصلحتی که برای ما دارد پاسخ می‌دهد. تنها اوست که طبق حکمت الهی خود می‌داند که باید در سختی‌ها و رنج‌ها باشیم تا به او نزدیک‌تر شویم، یا آنکه ما را از آلودگی‌های مان پاک گرداند. و تعجب نکنید وقتی که دعاهای تان از راه‌های باور نکردنی برآورده می‌شود زیرا او خدایی قدرتمند، هیجان‌انگیز، توانا و خدایی ابدی است! (تثنیه ۱۰: ۲۱). او مایه افتخار شما و همان خدایی است که در برابر چشمان تان معجزات بزرگی به شما نشان داد).

خداوند محبت است (اول یوحنا ۴: ۸). اما، آن که محبت ندارد از خدا کاملاً بی‌خبر است، زیرا خدا محبت است). مسئله تنها این نیست که «ما را دوست» دارد. بنیان طبیعت او بر محبت است، از این رو ما را بسیار دوست دارد. اما این از آن قبیل محبتی نیست که شما می‌شناسید که از روی احساسات و در شرایطی قرار می‌گیرد و همیشه در حال تغییر است. محبت خداوند همیشگی است و همیشه بهترین را برای ما می‌خواهد. این نوع بی‌نظیر

شروعی تازه

محبت، محبت آگاهانه نام دارد. که در اول قرن‌تین (اول قرن‌تین ۱۳: ۷-۶-۴: ۴ محبت بردبار و مهربان است. در محبت حسادت و خود بینی و تکبر نیست. ۶ محبت از ناراستی خوشحال نمی‌شود ولی از راستی شادمان می‌گردد. ۷ محبت در همه حال صبر می‌کند و در هر حال خوش باور و امیدوار است و هر باری را تحمل می‌کند.) درباره آن صحبت شده است.

شاید این آیات را قبلاً شنیده‌اید، اما از خود بپرسید که تا چه حد معمولاً حتی یک جنبه از این صفات را نشان داده‌اید. من شخصا می‌دانم که دائماً به سختی می‌توانم حتی یک جنبه از این محبت را نشان دهم. این نوع محبتی است که خداوند می‌خواهد برای او و دیگران داشته باشیم، اما از نظر انسانی، بدون کمک و کار روح‌القدس در ما، امکان‌پذیر نیست.

یکی دیگر از صفات برجسته خدا، عدالت است. این بخش از خصوصیت خدا را ما درک نمی‌کنیم، یا حتی دوست نداریم. اما چون او خدای قدوس است، باید عادل باشد. درست همانطور که انتظار نداریم یک پدر یا مادر خوب آنقدر «با محبت» باشند که هرگز «نه» نگویند یا کودک را درست تربیت کنند، خدا نیز ما را بدون قید و شرط دوست دارد اما باید نافرمانی را توبیخ نماید. از این رو در کتاب مقدس مجازات‌های شدیدی برای نافرمانی از خداوند مشاهده می‌کنیم (مزمور ۳۱: ۲۳: ای قوم خداوند، او را دوست بدارید! خداوند افراد وفادار و امین را حفظ می‌کند، اما متکبران را به سزای اعمال‌شان می‌رساند. - مزمور ۱۴۵: ۲۰: خداوند دوست‌داران خویش را محفوظ می‌دارد، اما بدکاران را نابود می‌کند).

کلام خدا می‌گوید که خدا تنها کسی در دنیاست که دانای مطلق است، یعنی بر همه چیز آگاهی دارد. بنابراین او خود به تنهایی می‌تواند ما را از گناه و خطر آزاد کند. خدا در همه جا حضور دارد - او حاضر مطلق است یعنی او همه چیز را در تمام اوقات به یک باره می‌بیند.

اما او آنطور که در بعضی مذاهب ادعا می‌کنند «در همه چیز» وجود ندارد. او از طریق روح‌القدس خود، فقط درون آنانی که اجازه دادند عیسای مسیح آنها را باز خرید کرده، از گناه آزاد سازد، ساکن می‌شود. او تنها در قلب آنان که او را دوست دارند ساکن می‌شود. علاوه بر آن خدا کاملاً پر قدرت است که قادر مطلق نام دارد. بنابراین قادر است هر چه بخواهد انجام دهد.

صفات خداوند به ایمانداران آرامش می‌بخشد زیرا ما می‌دانیم که کنترل تمام دنیا در دست اوست. حتی زمانی که به نظر می‌رسد همه چیز از کنترل خارج شده است (مزمور ۲۲: ۲۸:

شروعی تازه

زیرا فرمانروایی از آن خداوند است و او بر قوم ها حکومت می کند). امید نهائی ما این است که بدون تردید روزی خدا با حقیقت کامل و نیکویی تا ابد بر جهان حکومت خواهد کرد. اما در حال حاضر، شیطان فرمانروای این جهان است، و تا زمانی که شیطان به کلی نابود نشود، شرارت را تجربه خواهیم کرد (اشعیا ۵۵: ۸-۹: ۸ خداوند می فرماید: «فکرهای من فکرهای شما نیست، و راههای من هم راههای شما نیست. ۹ به همان اندازه که آسمان بلندتر از زمین است، راههای من نیز از راههای شما و فکرهای من از فکرهای شما بلندتر و برتر است»).

خداوند عظیم و باشکوه است

راههای خدا و افکار خدا با ما بسیار تفاوت دارد. خیلی اهمیت دارد که این امر را درک نماییم، زیرا اغلب می خواهیم «خدارا در قلمرو خود جا دهیم» در حالی که واقعا لازم است که «ما خود را در قلمرو او جا دهیم». مردم می خواهند به میل خود زندگی کنند و اغلب فقط خدا را در زندگی خود «می چسبانند». مثلاً آنهایی که خود را «مسیحی» می خوانند، فقط برای این است که بتوانند درباره «با خدا بودن» احساس خوبی داشته باشند. اما در حقیقت زندگی و اراده خود را به دست او نسپردند. این موقعیت خطرناکی در زندگی است. خدا بسیار جدی و محکم است که آیا شما با او هستید یا برعلیه او هستید. خداوند این را در کلام خود روشن می سازد. ما باید او را دوست بداریم، خدمت کنیم، و با تمام وجودمان از او اطاعت نماییم (تثنیه ۷: ۹: پس بدانید که تنها خدایی که وجود دارد خداوند، خدای تان است و او همان خدای امینی است که تا هزاران نسل وعده های خود را نگاه داشته پیوسته کسانی را که او را دوست می دارند و دستوراتش را اطاعت می کنند محبت می نماید. - تثنیه ۷: ۱۲: اگر به این فرمان ها توجه کرده، آنها را اطاعت نمایید، خداوند، خدای تان عهدی را که از روی رحمت خویش با پدران شما برقرار نمود ادا خواهد کرد. - تثنیه ۱۰: ۱۲-۱۳: ۱۲ اکنون ای قوم اسرائیل، خداوند از شما چه می خواهد، جز اینکه به سخنان او به دقت گوش کنید ۱۳ و برای خیر و آسایش خود، فرامینی را که امروز به شما می دهد اطاعت کنید و او را دوست داشته، با تمامی دل و جان او را پرستش کنید. - تثنیه ۱۱: ۱: خداوند، خدایتان را دوست بدارید و اوامرش را همیشه اطاعت کنید. - تثنیه ۱۱: ۲۲: اگر با دقت همه دستوراتی را که به شما می دهد اطاعت کرده، خداوند، خدای تان را دوست بدارید و آنچه را که او می خواهد انجام داده، از او جدا نشوید).

شروعی تازه

خدا سزاوار ستایش ماست. او مهربان، دلسوز، و پر از رحم و بخشش است. هنگامی که ما حقیقتاً از گناهان خود متأسف هستیم و پشت به گناه کرده، توبه می‌کنیم، او دوست دارد که ما را ببخشد (مزمور ۲۵: ۱۵-۴: ۴ ای خداوند، راه خود را به من نشان ده و احکام خود را به من بیاموز. ۵ راستی خود را به من تعلیم ده و مرا هدایت فرما، زیرا تو نجات‌دهنده من هستی و من همیشه به تو امیدوار بوده‌ام. ۶ ای خداوند، رحمت ازلی و محبت عظیم خود را به یاد آر! ۷ خطایا و گناهان جوانی‌ام را ببخش! ای خداوند، به رحمت خویش و به خاطر نیکویی خود مرا یاد کن! ۸ خداوند نیکو و عادل است؛ او راه راست خود را به کسانی که از راه منحرف شوند نشان خواهد داد. ۹ او شخص فروتن را در انجام کارهای درست هدایت خواهد کرد و راه خود را به او تعلیم خواهد داد. ۱۰ خداوند تمام کسانی را که عهد او را نگاه می‌دارند و از اوامرش پیروی می‌کنند، با وفاداری و محبت هدایت می‌کند. ۱۱ ای خداوند، گناه من بزرگ است، به خاطر نام خودت آن را ببامرز! ۱۲ اگر کسی خداترس باشد، خدا راه راست را به او نشان خواهد داد. ۱۳ او همیشه کامیاب خواهد بود و فرزندانش در دنیا پایدار خواهند شد. ۱۴ خداوند به کسانی اعتماد دارد که از او اطاعت می‌کنند. او عهد خود را با ایشان تحکیم می‌کند. ۱۵ چشم امید من همیشه بر خداوند است، زیرا تنها او می‌تواند مرا از خطر برهاند. - مزمور ۱۱۶: ۵: او چه خوب و مهربان است! آری، خدای ما رحیم است. - یونس ۴: ۲: او نزد خداوند دعا کرد و گفت: «خداوند! وقتی در مملکت خود بودم و تو به من گفتی به اینجا بیایم، می‌دانستم که تو از تصمیم خود منصرف خواهی شد، زیرا تو خدایی مهربان و بخشنده هستی و دیر غضبناک می‌شوی و بسیار احسان می‌کنی. برای همین بود که خواستم به ترشیش فرار کنم.» او همیشه علیرغم خطاهای ما، ما را دوست دارد. اما، با این حال ما نمی‌توانیم ادعا کنیم که در مشارکت او هستیم اگر اراده او را بر اراده خودمان مقدم نمی‌دانیم و بر طبق معیارهای او زندگی نمی‌کنیم (اول یوحنا ۱: ۶: پس اگر بگوییم که با خدا رابطه‌ای نزدیک داریم، اما در تاریکی روحانی و در گناه زندگی کنیم، دروغ می‌گوییم). بدون تردید اشتباه صورت می‌گیرد، اما شیوه عمومی زندگی ما بایستی نشان‌دهنده رابطه ما با او باشد.

هنگامی که به خانواده خدا قدم می‌گذارید او را بسیار خشنود می‌سازید! او بسیار اشتیاق دارد که شما را هدایت کند، تعلیم دهد، و قدرت بخشد! (افسیسیان ۱: ۵: نقشه غیر قابل تغییر خدا همواره این بوده است که ما را در خانواده الهی خود به فرزندی بپذیرد؛ و برای این منظور، عیسی مسیح را فرستاد تا جانش را در راه ما فدا کند. علت این تصمیم فقط

شروعی تازه

این بود که خدا اراده کرده بود این لطف را در حق ما بکند! اگر نمی‌دانید که چگونه باید زندگی خود را به خداوند تسلیم کنید، از او بپرسید و او به شما نشان خواهد داد. خدا قول می‌دهد به شما قدرت بخشد تا از او اطاعت نمایید (فیلیپیان ۲: ۱۳). زیرا خدا خودش در وجود شما کار می‌کند تا بتوانید با میل و رغبت او را اطاعت نمایید و اعمالی را به جا آورید که مورد پسند اوست. با مطالعه و خواندن کتاب مقدس می‌توانید بیاموزید که خدا از شما چه می‌خواهد و چه چیزی برای شما دارد. در دعا با او صحبت کنید، و در کلیسایی که مرکزیت مسیحی دارد شرکت نمایید.

خداوند مشتاق است که رابطه‌ای بسیار صمیمی و نزدیک با شما داشته باشد!

فصل هفتم:

عیسی کیست؟

نام عیسی در واقع به معنی «نجات‌دهنده» است. عیسی نام یونانی اوست، اما از اصل عبری، از نام پهبشوعا یا جاشوا به معنی «یهوه نجات می‌دهد» آمده است. عیسی از آسمان آمد به صورت انسان شد، و در میان نوع بشر زندگی کرد. هدف اصلی او این بود که رابطه مردم را با خداوند دوباره برقرار سازد، زیرا مردم به واسطه گناه از خداوند دور و جدا شده بودند (یوحنا ۳: ۱۷-۱۶: ۱۶ زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است، تا هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد. ۱۷ خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای اینکه مردم را محکوم کند بلکه به وسیله او نجات‌شان دهد).

کلمه دیگری که از ریشه عبری است و برای عیسی به کار می‌رود یاشا می‌باشد که به معنی «حفظ کردن، آزاد کردن، دفاع کردن، رها ساختن، نگاه داشتن یا پیروز شدن» است. نجات هدیه رایگانی است از جانب خدا که ما باید آن را انتخاب کنیم تا از گناهان مان آزاد شویم. نجات برای تمام مردم دنیا است. اما عیسی نجات‌دهنده شخصی است، و این به معنی آن است که لازم است رابطه‌ای با خداوند با آگاهی کامل برقرار گردد. فقط آنان که به خدا اعتماد می‌کنند و او را دوست دارند از گناه و جهنم آزاد می‌شوند و حیات ابدی به دست می‌آورند. آنهایی که به این اتحاد با عیسی پیوسته‌اند در می‌یابند که او واقعا ما را نجات می‌دهد، آزاد می‌سازد، از ما دفاع می‌کند، رها می‌کند، نگاه می‌دارد و به ما پیروزی می‌بخشد!

عیسی همچنین مسیح نامیده می‌شود که به معنی «منتخب» یا «مسح‌شده» است. این نام با نام عبری «مسایا» (Messiah) یا ماشیح به یک معنی است. عیسی «خداوند» نیز خوانده شده است. نام «خداوند» با حروف درشت در عهد عتیق نیز به «یهوه» ترجمه شده که نام خداست و به معنی ابدی یا وجود ازلی است و تأیید می‌کند که خدا خلق نشد.

عیسی در عهد جدید «خداوند» نامیده شده، کلمه ارباب کوریوس (Kurios) است که خدای متعال، ارباب، یا آقا معنی می‌دهد. در کتاب مقدس اسامی بسیار مهم هستند از این رو این که خدا و عیسی یک نام داشته باشند بسیار مهم است. این اسامی همانند به روشنی نشان می‌دهد که عیسی و خدا دارای موقعیتی یکسان بوده و هر دو خدا هستند.

شروعی تازه

این امر نکته بسیار مهمی را روشن می‌سازد. در فرهنگ و مذهب یهود، یهوه (پدر آسمانی) خدا به قدری مقدس بود که به دلیل قدرت و اقتدارش از نوع بشر بسیار فاصله داشت. از این رو یهودیان حتی می‌ترسیدند با او صحبت کنند (خروج ۲۰: ۱۹-۱۸: ۱۸ و وقتی قوم اسرائیل رعد و برق و بالا رفتن دود را از کوه دیدند و صدای شیپور را شنیدند، از ترس لرزیدند. آنها در فاصله‌ای دور از کوه ایستادند و ۱۹ به موسی گفتند: «تو پیام خدا را بگیر و به ما برسان و ما اطاعت می‌کنیم. خدا مستقیماً با ما صحبت نکند، چون می‌ترسیم بمیریم.»). در واقع چندی بعد نوعی سنت به وجود آوردند که حتی نام او را بر زبان نمی‌آوردند. آنها حروف کلمه یهوه را یعنی (ی ه و ه) به کار می‌بردند، زیرا تصویر می‌کردند که به کار بردن نام کامل او نوعی بی‌احترامی به اوست. این مسئله در آیات کلام حکم نشده است، اما نشان می‌دهد که چه احساس عظمت و قدرتی درباره خدا داشتند.

علاوه بر آن قوم اسرائیل عقیده داشتند که کلماتی که به خدا استناد شده به ویژه نام‌های او به غیر از خدا برای استفاده هر کس، هر منظور یا هر چیزی نبوده است. به طور مثال، وقتی که از او به عنوان «خدای قادر مطلق» نام برده می‌شود، یهودیان از نامیدن هر چیز دیگری به نام «قادر مطلق» خودداری می‌کنند. بنابراین به تصور آنها، نامیدن عیسی به عنوان خدای قادر مطلق، نوعی کفر و توهین به مقدسات به شمار می‌آمد. کفر یا توهین به مقدسات از نظر کتاب مقدس لغتی است که به معنی «بی‌احترامی کلامی یا خوارشمردن خدا» است. بی‌احترامی یا نفرت از خدا غیر قابل تصور و تحمل بود و سزاوار تنبیه مرگ بود! (لاویان ۲۴: ۱۶-۱۳: ۱۳ و ۱۴ خداوند به موسی فرمود: «او را بیرون اردوگاه ببر و به تمام کسانی که کفر او را شنیدند، بگو که دست‌های خود را بر سر او بگذارند. بعد تمام قوم اسرائیل او را سنگسار کنند. ۱۶ و ۱۵ به قوم اسرائیل بگو که هر کس به خدای خود کفر بگوید باید سزایش را ببیند و بمیرد. تمام جماعت باید او را سنگسار کنند. این قانون هم شامل اسرائیلی‌ها می‌شود و هم شامل غریبه‌ها.»).

عیسی خدا است

کتاب مقدس به ما می‌آموزد که عیسی خداست، خدای در جسم (یوحنا ۱: ۱: در ازل کلمه بود. کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود). در این آیه عیسی «کلمه» نامیده می‌شود که به معنی «عامل آفرینش» است. کلمه همچنین به عنوان طراح و سازنده خلقت توصیف شده است. البته، فقط خدا می‌تواند حیات را خلق کند و نگاه دارد. این حقیقت درباره عیسی در رساله اول یوحنا ۱: ۱ (اول یوحنا ۱: ۱: از ابتدا، «کلمه» حیات‌بخش خدا وجود

شروعی تازه

داشته است، من او را با چشمان خود دیده‌ام، و سخنان او را شنیده‌ام؛ من با دست‌های خود او را لمس کرده‌ام.) تکرار شده است، که در این آیه نیز او «کلمه حیات» نامیده شد. در واقع، عیسی خودش به ما می‌گوید که قادر است حیات جاودان ببخشد و او و پدر هر دو یکی هستند (یوحنا ۱۰: ۳۰-۲۸: ۲۸) من به ایشان زندگی جاوید می‌بخشم تا هرگز هلاک نشوند. هیچکس نیز نمی‌تواند ایشان را از دست من بگیرد. ۲۹ چون پدرم ایشان را به من داده است و او از همه قوی‌تر است؛ هیچ انسانی نمی‌تواند ایشان را از پدرم بگیرد. ۳۰ من و پدرم خدا یک هستیم.»).

این پایه (اساس و بنیان) حقیقتی است که تمام مذاهب را از مسیحیت جدا می‌سازد. بیشتر مذاهب در دنیا معتقدند که عیسی «مرد خوبی» بود یا یک «پیامبر». اما اگر به دقت از آنها سوال کنید پی می‌برید که خالق بودن عیسی و راه به حیات ابدی را توسط عیسی انکار می‌کنند.

حتی عقایدی وجود دارند که «ادعا» می‌کنند مسیحی هستند اما خلاصه کلام این است: آیا به خدا بودن عیسای مسیح و تثلیث اعتقاد دارند؟ قبل از آنکه کسی مسیحی واقعی شود باید با این حقیقت روبرو گردد. زیرا این مسئله بنیان واقعی حقیقتی است که مسیحیت واقعی بر آن استوار است (یوحنا ۱: ۱۸: کسی هرگز خدا را ندیده است؛ اما عیسی، فرزند یگانه خدا، او را دیده است زیرا همواره همراه پدر خود، خدا می‌باشد. او هر آنچه را که ما باید درباره خدا بدانیم، به ما گفته است).

اگر به خاطر داشته باشید در درس‌های گذشته درباره «گناه» و «توبه» فقط خدا می‌توانست خشم خود را بر علیه گناه فرو نشانند. یک انسان بدون طبیعت الهی نابود می‌شد.

هنگامی که عیسی روی صلیب رفت، تمام خشم خدا را برای گناهان دنیا متحمل شد!

علاوه بر آن در عهد عتیق، خداوند گوسفند سالم و کامل و یا گاو را برای قربانی گناهان انسان مقرر کرده بود. بنابراین عیسی به عنوان قربانی خون ما، بایستی کامل باشد. در این صورت اگر او گناهی در زندگی‌اش مرتکب شده بود، واجد شرایط قربانی شدن نبود. یعنی او اصلاً کامل نبود که قربانی گناهان ما شود. بنابراین خدا خودش که تنها شخص کامل یعنی عیسی است، به صورت انسان آمد تا مانع گناه را که انسان را از او جدا کرده بود از میان بردارد (دوم قرن‌تیا ۵: ۲۱: زیرا خدا بار گناهان ما را بر دوش مسیح بی‌گناه گذاشت، تا ما به عنوان پیروان او، آنطور که مورد پسند خداست، نیک و عادل شویم). اگر بگوییم

شروعی تازه

که تا چه حد ضرورت دارد که به طبیعت الهی و انسانی عیسی عقیده داشته باشیم، گزاف‌گوئی نشده است.

کتاب مقدس به ما می‌گوید که خدا آنچه را که می‌خواست انجام دهد برای عیسی آشکار کرد (یوحنا ۵: ۲۰-۲۳). زیرا پدرم خدا مرا دوست دارد و هر چه می‌کند، به من می‌گوید. من معجزه‌های بزرگتر از شفای این مرد انجام خواهم داد تا شما تعجب کنید. ۲۱ حتی مرده‌ها را نیز زنده خواهم ساخت همانگونه که خدا این کار را می‌کند. ۲۲ پدرم خدا داوری گناهان تمام مردم را به من واگذار کرده. ۲۳ تا همه به من احترام بگذارند همانطور که به خدا احترام می‌گذارند. اگر به من که فرزند خدا هستم احترام نگذارید، درواقع به خدا که پدر من است احترام نگذاشته‌اید، زیرا اوست که مرا نزد شما فرستاده است. یک انسان معمولی نمی‌تواند چنین اطلاعاتی را درک نماید! بازهم در این آیه می‌خوانیم که عیسی قادر است حیات بخشد (آیه ۲۱)، که فقط خدا قدرت چنین کاری را دارد. همچنین عیسی اختیار داوری کردن دارد که فقط خدا آنقدر برتر و بالاتر است که می‌تواند انسان را داوری کند (آیه ۲۲). علاوه بر آن می‌خوانیم که تمام افتخارات و احتراماتی که پدر دارد به عیسی داده خواهد شد (آیه ۲۳) که این امر خود در عظمت آنها را یکسان می‌سازد.

در ادامه، نام دیگر عیسی عمانوئیل است یعنی «خدا با ما». یهودیان هرگز به هیچکس دیگری غیر از خود خدا این قبیل احترام قائل نیستند. رهبران مذهبی به شدت عصبانی بودند زیرا عیسی به روشنی خود را با خدای پدر برابر دانست (مرقس ۱۴: ۶۵-۶۰: ۶۰).
آنگاه کاهن اعظم در حضور شورای عالی برخاست و از عیسی پرسید: «به این اتهام جواب نمی‌دهی؟ چه داری در دفاع از خودت بگویی؟» ۶۱ عیسی هیچ جواب نداد. پس کاهن اعظم پرسید: «آیا تو مسیح، فرزند خدای متبارک هستی؟» ۶۲ عیسی گفت: «هستم، و یک روز مرا خواهید دید که در دست راست خدا نشسته‌ام و در ابرهای آسمان به زمین باز می‌گردم.» ۶۳ و ۶۴ کاهن اعظم لباس خود را پاره کرد و گفت: «دیگر چه می‌خواهید؟ هنوز هم شاهد لازم دارید؟ خودتان شنیدید که کفر گفت. چه رأی می‌دهید؟» پس به اتفاق آراء او را به مرگ محکوم کردند. ۶۵ آنگاه به آزار و اذیت او پرداختند. بعضی بر صورتش آب دهان می‌انداختند. بعضی دیگر چشمانش را می‌بستند و به صورتش سیلی می‌زدند و با ریشخند می‌گفتند: «اگر پیغمبری، بگو چه کسی تو را زد؟» سربازان نیز او را می‌زدند. آنها می‌خواستند او را به جرم بی‌احترامی به خدا (خود را خدا دانست) به صلیب

شروعی تازه

بکشند! (یوحنا ۱۰: ۳۱-۳۳: ۳۱ باز سران قوم سنگ‌ها برداشتند تا او را بکشند. ۳۲ عیسی فرمود: «به امر خدا برای کمک به مردم، معجزه‌های بسیار کرده‌ام. برای کدام یک از آن معجزه‌ها می‌خواهید مرا بکشید؟» ۳۳ جواب دادند: «ما به خاطر کفری که می‌گویی می‌خواهیم تو را بکشیم، نه برای کارهای خوب. چون تو یک انسانی ولی ادعای خدایی می‌کنی.»).

در این باره فکر کنید - اگر او فقط یک دیوانه بود، به او توجهی نمی‌کردند. اما از قدرت و اقتدار او در وحشت بودند: در حقیقت همان عبارتی که او در توصیف خودش در آیه‌ای که خواندیم که می‌گوید من هستم بر موقعیت الهی او شهادت می‌دهد.

زمانی که عیسی می‌گوید «من هستم» به عهد عتیق اشاره می‌کند. در عهد عتیق خدا به موسی دستور داد که به اسرائیلیان بگوید که «من هستم» تو فرستاده است. (یعنی خدا خودش تو را فرستاد) (خروج ۳: ۱۵-۱۲: ۱۲: خدا فرمود: «من با تو خواهم بود و وقتی بنی‌اسرائیل را از مصر بیرون آوردی، در همین کوه مرا عبادت خواهید کرد. این نشانه‌ای خواهد بود که من تو را فرستاده‌ام.» ۱۳ موسی عرض کرد: «اگر پیش بنی‌اسرائیل بروم و به ایشان بگویم که خدای اجدادشان، مرا برای نجات ایشان فرستاده است، و آنها از من بپرسند: «نام او چیست؟» به آنها چه جواب دهم؟» ۱۴ خدا فرمود: «هستم آنکه هستم! به ایشان بگو «هستم» مرا نزد شما فرستاده است. ۱۵ بلی، به ایشان بگو: خداوند یعنی خدای اجداد شما، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب مرا پیش شما فرستاده است. این نام جاودانه من است و تمام نسل‌ها مرا به این نام خواهند شناخت.»). این آیه همچنین می‌گوید «به آنها بگو که یهوه تو را فرستاده است. یهوه «خداوند» معنی می‌دهد. عیسی همین آیه را در مورد خود به کار برد! فراتر از آن، عیسی حتی شهادت آن را داشت که بگوید او پیش از ابراهیم وجود داشته است که ابراهیم حتی ۲۰۰۰ سال قبل از تولد عیسی زندگی می‌کرد! (یوحنا ۸: ۵۸-۵۹: ۵۸ عیسی به ایشان فرمود: «این حقیقت محض است که قبل از اینکه حتی ابراهیم به این جهان بیاید، من وجود داشتم.» ۵۹ سران قوم که دیگر طاقت شنیدن سخنان او را نداشتند، سنگ برداشتند تا او را بکشند. ولی عیسی از کنار ایشان گذشت و از خانه خدا بیرون رفت و از نظرها پنهان شد.).

عیسی با پا فشاری عبارت «من هستم» را برای توصیف خود به کار برد: من نان حیات هستم (یوحنا ۶: ۳۵: عیسی جواب داد: «من نان حیات هستم. هر که نزد من آید، دیگر گرسنه نخواهد شد و کسانی که به من ایمان آورند، هرگز تشنه نخواهند گردید.»)؛ من نور

شروعی تازه

جهان هستم (یوحنا ۸: ۱۲): عیسی در یکی از تعالیم خود، به مردم فرمود: «من نور جهان هستم، هر که مرا پیروی کند، در تاریکی نخواهد ماند، زیرا نور حیات بخش راهش را روشن می‌کند.»؛ من در هستم (یوحنا ۱۰: ۷-۹: ۷ پس برای ایشان توضیح داد و فرمود: «مطمئن باشید که من آن دری هستم که گوسفندان از آن وارد می‌شوند. ۸ دیگران که پیش از من آمدند، همه دزد و راهزن بودند. به همین جهت، گوسفندان واقعی به سخنان ایشان گوش ندادند. ۹ بلی، من در هستم. کسانی که از این در وارد می‌شوند، نجات پیدا می‌کنند و در داخل و بیرون می‌گردند و چراگاه سبز و خرم می‌یابند.»؛ من شبان نیکو هستم (یوحنا ۱۰: ۱۱: من شبان خوب و دلسوزم. شبان خوب از جان خود می‌گذرد تا گوسفندان را از چنگال گرگ‌ها نجات دهد.)؛ من تاک حقیقی هستم (یوحنا ۱۵: ۱: من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است.). کلمات من هستم که در این باره به کار رفته‌اند کلمات عادی مانند «من گرسنه هستم» نیست. ترجمه از زبان عبری و یونانی - کلماتی پر از قدرت آسمانی است - به قدری پر قدرند که عملاً باعث شدند انسان‌ها بر زمین اقتدا! (یوحنا ۱۸: ۴-۶: عیسی با اینکه می‌دانست چه سرنوشتی در انتظار اوست، جلو رفت و از ایشان پرسید: «چه کسی را می‌خواهید؟» ۵ جواب دادند: «عیسای ناصری!» عیسی فرمود: «من خودم هستم!» وقتی عیسی این را می‌گفت یهودا نیز آنجا ایستاده بود. ۶ به محض اینکه گفت من خودم هستم، همه عقب عقب رفتند و بر زمین افتادند.).

حیرت‌انگیز است که بیش از ۳۰۰ نبوت درباره عیسی در عهد عتیق آمده است (به طور مثال اشعیا ۹: ۶: زیرا فرزندی برای ما به دنیا آمده! پسری به ما بخشیده شده! او بر ما سلطنت خواهد کرد. نام او «عجیب»، «مشیر»، «خدای قدیر»، «پدر جاودانی» و «سرور سلامتی» خواهد بود. - اشعیا ۱۱: ۵-۱: ۱ درخت خاندان داود بریده شده است؛ اما یک روز کنده آن جوانه خواهد زد! بلی، از ریشه آن «شاخه‌ای» تازه خواهد روید. ۲ روح خداوند بر آن «شاخه» قرار خواهد گرفت، یعنی روح حکمت و فهم، روح مشورت و قوت، و روح شناخت و ترس از خداوند. ۳ تمام خوشی او در اطاعت از خداوند خواهد بود. او بر اساس آنچه دیده یا شنیده می‌شود داوری نخواهد کرد؛ ۴ بلکه از حق فقرا و مظلومان دفاع خواهد کرد و از بدکارانی که بر ایشان ظلم می‌کنند انتقام خواهد گرفت. ۵ او با عدالت و صداقت حکومت خواهد کرد. - اشعیا ۵۳: ۱ اما چه کم هستند کسانی که این حقیقت را باور می‌کنند! چه کم‌اند کسانی که خداوند این حقیقت را به آنان آشکار ساخته است! ۲ در نظر خدا او مانند درخت سبزی بود که در زمین خشک و شوره زار روئیده و

شروعی تازه

ریشه دوانده باشد؛ اما در نظر ما او زیبایی و جلوه‌ای نداشت که مشتاقش باشیم. ۳ ما او را خوار شمردیم و رد کردیم، اما او درد و غم را تحمل کرد. همه ما از او رو برگردانیدیم. او خوار شد و ما هیچ اهمیت ندادیم. ۴ این دردهای ما بود که او به جان گرفته بود، این رنج‌های ما بود که او بر خود حمل می‌کرد؛ اما ما گمان کردیم این درد و رنج مجازاتی است که خدا بر او فرستاده است. ۵ برای گناهان ما بود که او مجروح شد و برای شرارت ما بود که او را زدند. او تنبیه شد تا ما سلامتی کامل داشته باشیم. از زخم‌های او ما شفا یافتیم. ۶ ما همچون گوسفندانی که آواره شده باشند، همراه شده بودیم؛ راه خدا را ترک کرده به راه‌های خود رفته بودیم. با وجود این، خداوند تقصیرها و گناهان همه ما را به حساب او گذاشت! ۷ او با بی‌رحمی رفتار کردند، اما او تحمل کرد و زبان به شکایت نگشود. او را مانند بره به کشتارگاه بردند؛ و او همچون گوسفندی که نزد پشم برنده‌اش بی‌زبان است، خاموش ایستاد و سخنی نگفت. ۸ به ناحق او را به مرگ محکوم کرده، کشتند و مردم نفهمیدند که او برای گناهان آنها بود که کشته می‌شد بلی، او به جای مردم مجازات شد. ۹ هنگامی که خواستند او را همراه خطاکاران دفن کنند، او را در قبر مردی ثروتمند گذاشتند؛ اما هیچ خطایی از او سر نزده بود و هیچ حرف نادرستی از دهانش بیرون نیامده بود. ۱۰ خداوند می‌فرماید: «این خواست من بود که او رنج بکشد و بمیرد. او جان‌ش را قربانی کرد تا آمرزش گناهان به ارمغان آورد، بنابراین صاحب فرزندان بی‌شمار خواهد شد. او زندگی را از سر خواهد گرفت و اراده من به دست او اجرا خواهد شد. ۱۱ هنگامی که ببیند عذابی که کشیده چه ثمری به بار آورده، راضی و خشنود خواهد شد. خدمتگزار عادل من بار گناهان بسیاری از مردم را به دوش خواهد گرفت و من به خاطر او آنها را خواهم بخشید. ۱۲ به او مقامی بزرگ و قدرتی عظیم خواهم داد، زیرا او خود را فدا کرد، از خطاکاران محسوب شد، بار گناهان بسیاری را بر دوش گرفت و برای خطاکاران شفاعت کرد.» - میکاه ۵: ۴-۲: ۲ خداوند می‌فرماید: «ای بیت لحم افراشته، هر چند که در یهوذا روستای کوچکی بیش نیستی با وجود این از تو کسی برای من ظهور خواهد کرد که از ازل بوده است و او قوم من اسرائیل را رهبری خواهد نمود.» ۳ خدا قوم خود را به دست دشمن تسلیم خواهد کرد تا زمانی که زن حامله فرزند خود را به دنیا آورد. آنگاه بقیه قوم اسرائیل که در اسارت هستند باز خواهند گشت و به برادران خود ملحق خواهند شد، ۴ وقتی او بیاید با قوت و جلال خداوند، خدای خود گله خود را خواهد چرانید. قوم او در امنیت زندگی خواهند کرد.»

شروعی تازه

فراموش نکنید که این آیات در زمانی بین ۴۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از آنکه عیسی در جسم انسانی بر زمین آمد نوشته شده‌اند. و از آنجا که بیشتر این نبوت‌ها با صد در صد دقت و درستی صورت گرفته است، (و بعضی از این نبوت‌ها در آینده صورت خواهد گرفت)، می‌دانیم که می‌توانیم به کتاب مقدس به طور حقیقت خالص خداوند اطمینان کنیم.

عیسی شایسته است

کتاب مقدس می‌گوید که در عیسی، خدای کامل به شکل انسان ساکن است (کولسیان ۲: ۹-۱۰: ۹ در مسیح طبیعت و ذات الاهی، به طور کامل، در یک بدن انسانی ظاهر شده است. ۱۰ بنابراین، وقتی مسیح را دارید، همه چیز دارید و وجود شما از حضور خدا لبریز است. مسیح در واقع حاکم بر تمامی ریاست‌ها و قدرتهاست). به این امر فکر کنید که خدا با تمام قدرت و شکوهش در عیسی زندگی کرد. اگر عیسی آسمانی نبود قادر نبود آن همه فشار و مسئولیت را تحمل کند. این آیه همچنین می‌گوید که به عنوان خدا، عیسی خیلی بالاتر از حاکمان و قدرت‌هاست (آیه ۱۰).

عیسی خدای زنده و نجات‌دهنده است (اول تیموتائوس ۴: ۱۰: ما سخت تلاش می‌کنیم و زحمت می‌کشیم تا مردم به این حقیقت ایمان بیاورند، زیرا امید ما به خدای زنده است که نجات‌دهنده همه می‌باشد، خصوصا آنانی که راه نجات او را پذیرفته‌اند. - دوم پطرس ۱: ۱: از طرف من، شمعون پطرس، خدمتگزار و رسول عیسای مسیح، به همه شما که با ما ایمانی یکسان دارید. دعا می‌کنم که رحمت و آرامش در اثر شناخت خدا و خداوندمان عیسی، به فراوانی به شما عطا شود). جالب است که هم خدای پدر و هم عیسی به عنوان نجات‌دهنده نامبرده می‌شوند (اشعیا ۴۳: ۱۱: من خداوند هستم و غیر از من نجات‌دهنده ای نیست. - تیتوس ۲: ۱۴-۱۳: ۱۳ اگر چنین زندگی کنیم، می‌توانیم با امید و اشتیاق، منتظر روز مبارکی باشیم که در آن، خدای بزرگ و نجات‌دهنده‌مان عیسای مسیح با شکوه و جلال ظاهر خواهد شد. ۱۴ او جان خود را در راه گناهان ما فدا کرد تا ما را از آن وضع گناه آلودمان آزاد سازد، و از ما قومی خاص برای خود به وجود آورد، قومی که دلی پاک داشته، مشتاق خدمت به مردم باشند). هردو «صخره» نامیده شده‌اند. (اول سموئیل ۲: ۲: هیچکس مثل خداوند مقدس نیست، غیر از او خدایی نیست، مثل خدای ما پناهگاهی نیست. - اول پطرس ۲: ۸-۵: ۵ تا شما نیز مانند سنگ‌های زنده در دست خدا، در بنای آن عمارت و عبادتگاه روحانی به کار روید. مهم‌تر اینکه شما در این عبادتگاه، کاهن مقدس نیز می‌باشید. پس قربانی‌های مقبول و مورد پسند خدا را توسط عیسای مسیح تقدیم کنید.

شروعی تازه

۶ در کتاب آسمانی آمده است که خدا مسیح را خواهد فرستاد تا در خانه او، سنگ زاویه گرانها باشد، و هر که به او ایمان بیاورد، نومید و پشیمان نشود. ۷ این «سنگ» برای شما که ایمان دارید، بسیار گرانیهاست، اما برای بی‌ایمانان همان سنگی است که درباره‌اش گفته شده: «سنگی که معماران دور افکندند، سنگ اصلی ساختمان گردید.» ۸ همچنین، در کتاب آسمانی آمده است: «او سنگی است که پای بعضی به آن می‌خورد و می‌افتند، و تخته سنگی است که بعضی از آن سقوط می‌کنند.» حق‌شان است که بیفتند و سقوط کنند، زیرا از کلام خدا اطاعت نمی‌نمایند. این آیه در اول پطرس در واقع اشاره به اشعیا ۸:۱۴ (من پناهگاه هستم، اما نه برای یهودا و اسرائیل. برای آنان من سنگی لغزش‌دهنده و دامی پنهان خواهم بود) دارد، زمانی که درباره خدای پدر صحبت می‌کند. اما پولس رسول به صخره عهد عتیق به عنوان مسیح اشاره دارد که در اول قرن‌های ۱۰:۳-۴ (در بیابان، خدا معجزه‌وار برای ایشان نان تدارک می‌دید. آنان آبی را می‌نوشتند که مسیح عطا می‌کرد، زیرا مسیح در واقع همان صخره‌ای بود که خدا در بیابان از آن برای قوم اسرائیل آب بیرون آورد.) ما زیبایی و عظمت عیسی مسیح را به عنوان خدای متعالی در کولسیان ۱:۱۵-۲۰ (مسیح چهره دیدنی خدای نادیده است. او فرزند خداست و بر تمام موجودات برتری دارد. ۱۶ در واقع، تمام هستی به وسیله عیسی مسیح به وجود آمد، یعنی هر آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ عالم روحانی با فرمانروایان و تاج و تخت ایشان، و فرماندهان و بزرگان‌شان، همه به وسیله مسیح و برای جلال او آفریده شدند. ۱۷ پیش از آنکه چیزی به وجود آید، او وجود داشت، و قدرت اوست که عالم هستی را حفظ می‌کند. ۱۸ او سر این بدن یعنی کلیساست، کلیسایی که از مجموع مومنین او تشکیل شده است. او نخستین فردی است که پس از مرگ زنده شد و ثابت کرد که در هر چیز مقام نخست را دارد؛ ۱۹ زیرا خدا اراده فرمود که الوهیت کامل او در وجود فرزندش قرار گیرد. ۲۰ در اثر کاری که مسیح در حق ما انجام داد، خدا راهی مهیا کرد تا همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، به سوی خود باز آورد؛ جانبازی مسیح بر روی صلیب و خونی که او در راه ما ریخت، همه را با خدا صلح داده است.) مشاهده می‌کنیم. عیسی شاه شاهان و رب‌الارباب است (اول تیموتائوس ۶: ۱۵: زیرا خدای متبارک و قادر کل و واحد، شاه شاهان و سرور سروران، در زمان معین مسیح را خواهد فرستاد.) در حقیقت خدای پدر عملاً پسر خود عیسی را خدا می‌داند (عبرانیان ۱: ۱۲-۶: ۶ همچنین، در جای دیگر، هنگامی که فرزند ارشد او به جهان می‌آمد، فرمود: «همه فرشتگان خدا او را پرستش

شروعی تازه

نمایند!» ۷ خدا درباره فرشتگان می‌فرماید: «همچون باد، به سرعت پیغام می‌برند، و چون شعله‌های آتش، با شور و حرارت خدمت می‌کنند.» ۸ اما درباره فرزندش می‌گوید: «ای خدا، سلطنت تو تا ابد برقرار است؛ اساس حکومت تو، بر عدل و راستی است؛ ۹ راستی را دوست می‌داری، و از ناراستی تنفر داری. بنابراین، خدا، یعنی خدای تو، بیش از هر کس دیگر تو را از شادی لبریز کرده است.» ۱۰ خدا همچنین او را «خداوند» نامیده است. از این جهت در کتاب آسمانی آمده است: «خداوند، تو در ابتدا زمین را آفریدی، و آسمان‌ها ساخته دست‌های توست. ۱۱ آنها نیست و نابود خواهند شد، اما تو تا ابد باقی هستی. آنها همچون لباسی کهنه، پوسیده و مندرس خواهند شد؛ ۱۲ روزی آنها را در هم خواهی پیچید و تغییر خواهی داد. اما تو هرگز تغییر نخواهی یافت و سال‌های عمر تو پایان نخواهد پذیرفت.» کتاب مقدس به ما می‌گوید که «عیسی همیشه همان است و تا ابد زنده است» و تاکید می‌کند که او ابدی است و وجودی خلق شده نیست. او مستقیم از آسمان آمد (اول قرن‌تین ۱۵: ۴۷: آدم اول از خاک زمین آفریده شد، اما آدم دوم یعنی مسیح، از آسمان آمد).

عیسی تا ابد کاهن اعظم ماست (عبرانیان ۷: ۲۸-۲۴: ۲۴ اما عیسی، از آنجا که تا ابد زنده است، برای همیشه کاهن می‌باشد و نیازی به جانشین ندارد. ۲۵ بنابراین، قادر است همه آنانی را که بوسیله او به حضور خدا می‌آیند، بطور کامل نجات بخشد؛ و چون همیشه زنده است، پیوسته در حضور خدا برای ما وساطت می‌کند و این حقیقت را یادآور می‌گردد که تاوان گناهان ما را به بهای خون خود پرداخته است. ۲۶ این درست همان کاهن اعظمی است که ما نیاز داریم؛ زیرا او پاک و بی‌عیب و بی‌گناه و از گناهکاران جدا می‌باشد و در آسمان از مقامی پُر افتخار برخوردار است. ۲۷ او هرگز احتیاج ندارد مانند سایر کاهنان، هر روز ابتدا برای گناهان خود و بعد برای گناهان قوم، قربانی کند؛ زیرا وقتی بر روی صلیب، خود را در راه ما قربانی کرد، برای همیشه به تمام قربانی‌ها پایان داد. ۲۸ کاهنان اعظم که مطابق شریعت موسی به این مقام می‌رسند، افرادی ضعیف می‌باشند که نمی‌توانند خود را از گناه دور نگاه دارند. اما مدت‌ها بعد از اعطای شریعت، خدا فرزند خود را که برای همیشه کامل می‌باشد، در مقام کاهن اعظم تعیین کرد و در این خصوص سوگند یاد کرد). کاهن اعظم در عهد عتیق یک میانجی و واسطه بود که واسطه بین انسان و خدا قرار می‌گرفت. اکنون عیسی آن کاهن اعظم است. باز هم می‌گوییم یکی از حقایق عمیق و اسرارآمیز انجیل این است که عیسی انسان کامل است، اما او همچنان

شروعی تازه

خدای کامل است. به عنوان خدا، او بر دنیا قدرت و اقتدار دارد. به عنوان یک انسان او قادر است «درخواست ما را» به حضور خدا برد (رومیان ۸: ۳۴). پس دیگر چه کسی می‌تواند ما را محکوم نماید؟ آیا مسیح؟ نه! چون اوست که در راه ما مرد و زنده شد و اکنون در بالاترین مقام، در کنار خدا نشسته است و برای ما شفاعت می‌کند).

قسمت‌های قبلی در عبرانیان ۷ نیز به ما می‌گوید که عیسی قدوس و بی‌گناه و عاری از هر گناه است. فقط خدا این چنین پاک است. خدای پدر قبل از آفرینش جهان عیسی را بر گزید تا قربانی گناهان ما گردد تا ما بتوانیم حیات ابدی داشته باشیم (اول پطرس ۱: ۱۸-۲۰). خدا برای نجات شما بهایی پرداخت، تا شما را از قید روش پوچ و باطل زندگی که از اجداد خود به ارث برده بودید، آزاد سازد؛ بهایی که خدا برای آزادی از این اسارت پرداخت، طلا و نقره نبود، ۱۹ بلکه خون گرانبهای مسیح بود که همچون بره‌ای بی‌گناه و بی‌عیب قربانی شد. ۲۰ برای این منظور، خدا او را پیش از آفرینش جهان تعیین کرد، اما در این زمان‌های آخر او را به جهان فرستاد تا شما را رستگار سازد). او باز خرید کننده بی‌گناه ماست. او شفا دهنده، و محافظ جان‌های ماست (اول پطرس ۲: ۲۵-۲۲: ۲۲ هرگز از او گناهی سر نزد، و دروغی از دهان او بیرون نیامد. ۲۳ وقتی به او ناسزا می‌گفتند، پاسخی نمی‌داد؛ و زمانی که او را عذاب می‌دادند، تهدید به انتقام نمی‌کرد، بلکه زندگی خود را به خدایی واگذار کرد که داور عادل و با انصاف می‌باشد. ۲۴ او بر روی صلیب، بار گناهان ما را بر دوش گرفت تا ما بتوانیم از چنگ گناه‌هایی یافته، زندگی پاکی داشته باشیم. زخم‌های او نیز دوی دردهای ما گردید. ۲۵ شما مانند گوسفندانی بودید که راه‌شان را گم کرده‌اند. اما اکنون نزد شبان‌تان بازگشته‌اید، شبانی که نگهبان جان شماست و شما را از خطرات حفظ می‌کند. - اول یوحنا ۳: ۵: اما می‌دانید که مسیح انسان شد تا بتواند گناهان ما را پاک سازد؛ و این را نیز می‌دانید که او کاملاً پاک و بی‌گناه بود، چون هرگز کاری برخلاف خواست خدا انجام نداد). در عظمت و شکوه کامل او، سرانجام هر زانویی در حضور او خم خواهد شد. این بسته به انتخاب ما دارد که زانوهایمان را از ترس یا از روی محبت در مقابلش خم نماییم (فیلیپیان ۲: ۱۱-۶: ۶ او با اینکه ماهیت خدایی داشت، اما نخواست از اختیار و حق خدایی خود استفاده کند؛ ۷ بلکه قدرت و جلال خود را کنار گذاشت و به شکل یک بنده درآمد، و شبیه انسان‌ها شد؛ ۸ و حتی بیش از این نیز خود را فروتن ساخت، تا جایی که حاضر شد مانند یک تبهکار، بر روی صلیب اعدام شود. ۹ به همین جهت، خدا او را بی‌نهایت سرافراز کرد و نامی به او بخشید که از هر نام

شروعی تازه

دیگری والا تر است، ۱۰ تا به نام «عیسی»، هر آنچه در آسمان و بر زمین و زیر زمین است، به زانو درآید، ۱۱ و برای جلال خدای پدر، همه به زبان خود اعتراف کنند که عیسی مسیح، خداوند است).

در حالی که عیسی نجات‌دهنده پر محبت ماست، بره مهربان و خادمی است که رنج می‌برد، در عین حال او داور اعظم نیز می‌باشد (دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۰: زیرا همه ما در مقابل تخت داوری مسیح خواهیم ایستاد و هر یک از ما نتیجه اعمالی را که در این زندگی انجام داده است، خواهد دید، چه نیک، چه بد)، و بر همه جا حاکم است. او سزاوار ستایش ابدی است - و فقط خدا شایسته اینگونه ستایش پایدار است (رومیان ۹: ۵: مردان بزرگ خدا، اجداد شما بودند. مسیح نیز که اکنون بر همه چیز حاکم است، از لحاظ طبیعت بشری خود، مانند شما یهودی بود. خدا را تا ابد سپاس باد!). عیسی هم چنین اولین کسی است که با بدنی روحانی جلال یافته از مرگ برخاست (مکاشفه ۱: ۵: و از جانب عیسی مسیح که تمام حقیقت را به طور کامل بر ما آشکار می‌فرماید. مسیح نخستین کسی است که پس از مرگ زنده شد و هرگز نخواهد مرد، و برتر از تمام پادشاهان این جهان است. سپاس و ستایش بر او که ما را محبت می‌نماید و با خون خود ما را شست و از گناهانمان طاهر ساخت).

او بالاتر از هر رهبر و قدرتی است و همه چیز در دنیا تحت فرمان و اختیار او قرار دارد (افسیان ۱: ۲۱: مقامی که برتر از منزلت هر پادشاه و رئیس و سلطان و رهبر این دنیاست. بلی، مقام او بسیار شکوهمندتر از هر مقام دیگری، چه در این دنیا و چه در دنیای آینده می‌باشد). او فرمانده تمام حکام و پادشاهان است و در پایان زمان او بر دشمن یک بار و برای همیشه پیروز خواهد شد. (مکاشفه ۱۹: ۱۶-۱۱: ۱۱ سپس دیدم که آسمان گشوده شد. در آنجا اسبی سفید بود که سوارش «امین و حق» نام داشت، زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می‌کند. ۱۲ چشمان او مانند شعله‌های آتش بود و بر سرش تاج‌های فراوانی قرار داشت. بر پیشانی‌اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش معنی آن را می‌دانست. ۱۳ او جامه خون‌آلودی در برداشت و لقیش «کلمه خدا» بود. ۱۴ لشکرهای آسمانی که لباس‌های کتان سفید و پاک بر تن داشتند، سوار بر اسب‌های سفید، به دنبال او می‌آمدند. ۱۵ از دهان او شمشیر تیزی بیرون می‌آمد تا با آن قوم‌های بی‌ایمان را سرکوب کند. او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد نمود و با پای‌های خود، شراب خشم خدای توانا را در چرخشت خواهد فشرد. ۱۶ بر لباس و ران او نیز این

شروعی تازه

لقب نوشته شده بود: «شاه شاهان و سرور سروران». هیچ شخص، مذهب یا عقیده‌ای در این دنیا با او قابل مقایسه نیست!

برای همین است که عیسی تنها راه به سوی خداست (یوحنا ۱۴: ۶-۹: ۶ عیسی به او فرمود: «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچ کس نمی‌تواند به خدا برسد مگر بوسیله من. ۷ «اگر می‌دانستید من کیستم، آنگاه می‌دانستید پدرم کیست. اما از حالا به بعد، او را می‌شناسید و او را دیده‌اید.» ۸ فیلیپ گفت: «خداوند، پدر را به ما نشان دهید که همین برای ما کافی است.» ۹ عیسی جواب داد: «فیلیپ، آیا بعد از تمام این مدتی که با شما بوده‌ام، هنوز هم نمی‌دانی من کیستم؟ هر که مرا ببیند، خدای پدر را دیده است. پس دیگر چرا می‌خواهی او را ببینی؟».

نام عظیم و پر قدرت عیسی را ستایش کنید.

فصل هشتم :

روح القدس کیست؟

روح القدس احتمالا ناآشنا ترین شخص در تثلیث الهی است که درباره او بسیار اشتباه شده است. بخشی از مشکل این است که اغلب در کلیساها درباره روح القدس تدریس نشده است، از این رو ابهام زیادی در اطراف او وجود دارد. گاهی اوقات روح القدس را به گونه‌ای نادرست به کار برده‌اند و این می‌تواند فضای ناراحت‌کننده‌ای برای آنان که در جستجوی خدا هستند ایجاد نماید.

معمولا مردم از آنچه که نمی‌فهمند دوری می‌کنند، بنابراین، گرایش طبیعی می‌تواند به این صورت باشد که آن را نادیده گرفته یا کنار بگذارند. اما از آنجا که آیات کلام به ویژه در عهد جدید بسیار درباره او سخن گفته است، لازم است طی مراحل درباره او تحقیق کرده، او را ملاقات نماییم تا به نیروی او برای یک زندگی پیروزمندانه مسیحی دسترسی داشته باشیم. کلام خدا می‌گوید اگر می‌خواهیم رابطه موفق و حیاتی با خداوند داشته باشیم، باید از نزدیک روح القدس را بشناسیم و با او صمیمی باشیم (رومیان ۸: ۵-۵: آنانی که عنان زندگی خود را به دست طبیعت کهنه‌شان می‌دهند، چیزی جز ارضای شهوات خود نمی‌جویند. اما آنانی که تابع روح خدا هستند، اعمالی را به جا می‌آورند که خدا را خشنود می‌سازد. ۶ اگر از روح خدا پیروی کنیم، حیات و آرامش نصیب‌مان می‌گردد؛ اما اگر از طبیعت کهنه خود پیروی کنیم، چیزی جز مرگ و هلاکت به دست نخواهیم آورد. ۷ زیرا طبیعت گناه‌آلود ما، بر ضد خداست و هرگز از احکام خدا اطاعت نکرده و نخواهد کرد. ۸ از این رو، آنانی که عنان زندگی‌شان در دست طبیعت کهنه گناه‌آلودشان است و هنوز در پی خواهش‌های ناپاک سابق خود هستند، نمی‌توانند خدا را راضی کنند).

یک نکته بسیار مهم که در درس خود باید به آن توجه داشته باشیم این است که نباید روح القدس را مرکز یا موضوع اصلی تمرکز خود قرار دهیم و یا آن را بالا ببریم. گروهی چنین می‌کنند و سرانجام با پدیده‌ای مانند «جنبش خنده»، حالتی که مردم در کلیسا روی زمین به اطراف می‌غلطند، روبرو می‌گردند. همچنین شاهد بوده‌ام که عده‌ای در یک گروه‌مایی که «با صدای بلند به زبان‌ها صحبت می‌کنند»، اما هیچ ترتیب یا اتحادی وجود

شروعی تازه

ندارد. این عمل عموماً خدا را تقدیس نمی‌کند. وقتی که روح خدا به این صورت با نادرستی به کار می‌رود، در عمل مردم را از عیسی دور می‌نماید.

در سوی دیگر این دیدگاه کسانی هستند که از روح القدس می‌ترسند و او را ساکت می‌کنند. این افراد ممکن است در حالی که جلسه عبادتی کلیسا انجام می‌گیرد، احساس به خصوصی در خود بیابند که برای دعا به سوی محراب بروند یا در لحظه‌ای به ویژه پس از یک سرود پرستشی، درنگ کنند. اما آنها آن احساس را نیز خفه می‌کنند، زیرا می‌ترسند که کنترل احساسات خود را از دست بدهند. نتیجه تاسف‌آور این است که بسیاری از کلیساها امروزه به طور اتوماتیک مراسم کلیسایی اجرا می‌کنند که فقط کار کلیسا را انجام دهند و این کار یکنواخت هر هفته ادامه دارد، بدون آنکه لذت، آرامش یا اتحاد واقعی که از روح القدس می‌آید احساس شود.

پس، بگذارید پی ببریم که این شخص مهربان و دلنشین کیست.

روح القدس خودش خداوند است

می‌بینیم که در آغاز قبل از شروع زمان یا شکل گرفتن زمین، روح القدس تمام سطح آب‌ها را فرا گرفته بود (پیدایش ۱: ۲-۱: ۱ در آغاز، هنگامی که خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید، ۲ زمین، خالی و بی‌شکل بود، و روح خدا روی توده‌های تاریک بخار حرکت می‌کرد). در ترجمه‌های دیگر کلمه «فراگرفتن» به «حرکت کرد» نیز خوانده شده است. جالب این است که کلمه «حرکت کرد» تقریباً ۷۴ مرتبه در کلام خدا به کار رفته است، اما فقط یک لغت عبری به این معنی در تمام آیات وجود دارد. ریشه این کلمه را کاف، که به معنی «به فکر فرورفتن»، «در استراحت بودن»، «در اهتزاز بودن»، «حرکت کردن» یا «تکان دادن» می‌باشد.

کتاب مقدس به ما می‌گوید که روح القدس در خلقت جهان با پدر و پسر شرکت دارد (پیدایش ۱: ۲۶: سرانجام خدا فرمود: «انسان را شبیه خود بسازیم، تا بر حیوانات زمین و ماهیان دریا و پرندگان آسمان فرمانروایی کند.» - ایوب ۳۳: ۴: زیرا روح خدا مرا آفریده است و نفس قادر مطلق به من زندگی بخشیده است). در این آیه از پیدایش کلمه «ما» همان خدای تثلیث است که درباره خودشان صحبت می‌کند! این امر مشخص می‌سازد که روح القدس ابدی است: که نه تنها در هنگام آفرینش فعالیت داشت، بلکه می‌دانیم که فقط خدا می‌تواند چیزی را از نیستی به وجود آورد.

شروعی تازه

روح القدس همچنین قادر است حیات بخشد که بیان کننده خدا بودن یا الوهیت اوست، زیرا فقط خدا قادر است خلق نماید و حیات را نگاه دارد (تثنیه ۳۲: ۳۹: «بدانید که تنها من خدا هستم و خدای دیگری غیر از من نیست. می میرانم و زنده می سازم، مجروح می کنم و شفا می بخشم، و کسی نمی تواند از دست من برهاند.» - اول سموئیل ۲: ۶: خداوند می میراند و زنده می کند، به گور فرو می براند و بر می خیزاند). همچنین قدرت ویژه روح را در سرتاسر آیات مشاهده می کنیم، مانند برخیزاندن یا زنده کردن مرده (رومیان ۸: ۱۱: و اگر روح خدایی که عیسای مسیح را پس از مرگ زنده کرد، در وجود شما باشد، همان خدا بدن های فانی شما را نیز پس از مرگ به وسیله همین روح که در وجود شماست، زنده خواهد کرد).

آیات بی شماری درباره خدا، عیسی و روح القدس وجود دارند که صفات ذاتی و قدرت یکسان آنها را نشان می دهند، عیسی و روح القدس اسامی و نقش های بی شمار و مشابهی را دارا هستند. حتی همانطور که روح القدس در کار خلقت سهیم است، این حقیقت درباره مسیح نیز صحت دارد (کولسیان ۱: ۲۰-۱۵: ۱۵ مسیح چهره دیدنی خدای نادیده است. او فرزند خداست و بر تمام موجودات برتری دارد. ۱۶ در واقع، تمام هستی به وسیله عیسای مسیح به وجود آمد، یعنی هر آنچه در آسمان و بر زمین است، دیدنی و نادیدنی؛ عالم روحانی با فرمانروایان و تاج و تخت ایشان، و فرماندهان و بزرگان شان، همه به وسیله مسیح و برای جلال او آفریده شدند. ۱۷ پیش از آنکه چیزی به وجود آید، او وجود داشت، و قدرت اوست که عالم هستی را حفظ می کند. ۱۸ او سر این بدن یعنی کلیساست، کلیسایی که از مجموع مومنین او تشکیل شده است. او نخستین فردی است که پس از مرگ زنده شد و ثابت کرد که در هر چیز مقام نخست را دارد؛ ۱۹ زیرا خدا اراده فرمود که الوهیت کامل او در وجود فرزندش قرار گیرد. ۲۰ در اثر کاری که مسیح در حق ما انجام داد، خدا راهی مهیا کرد تا همه چیز را، چه در آسمان و چه بر زمین، به سوی خود باز آورد؛ جانبازی مسیح بر روی صلیب و خونی که او در راه ما ریخت، همه را با خدا صلح داده است). این به موقعیت خدایی و ابدیت (موقعیتی که دارای آغاز و پایانی نیست) در مورد خدای پدر، پسر و روح القدس اعتبار می بخشد، زیرا فقط خدا قادر است بیافریند.

فراموش نکنید که در درس های قبل گفتیم که نسبت دادن قدرت، اقتدار و اختیار و عظمت یکسان به هر کسی غیر از خدا کفرگویی است. در حقیقت، در اعمال رسولان ۵: ۳-۴ (اعمال ۵: ۳-۴: ۳ پطرس گفت: «حنانیا، شیطان قلب تو را از طمع پر کرده است. وقتی

شروعی تازه

گفتی این تمام قیمت زمین است، در واقع به روح القدس دروغ گفתי. ۴ زمین مال خودت بود که بفروشی یا نفروشی. بعد از فروش هم دست خودت بود که چقدر بدهی یا ندهی. چرا این کار را کردی؟ تو به ما دروغ نگفتی، بلکه به خدا دروغ گفתי.» روح القدس، خدا نامیده می‌شود. در این آیه پطرس به حنانیا می‌گوید که او به روح القدس دروغ گفت - و در همین جمله می‌گوید «تو به خدا دروغ گفתי».

روح القدس یک شخص است.

از آنجا که روح القدس روح است، ما او را مانند یک شخص نمی‌بینیم. اما در واقعیت می‌توانیم همانطور که خدای پدر را با بصیرت می‌بینیم، او را نیز با بصیرت ببینیم زیرا او نیز روح است (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴). اما زمانی می‌آید، و در واقع همین الان است، که پرستندگان واقعی، «پدر» را به روح و راستی پرستش خواهند کرد. «پدر» طالب چنین پرستندگانی هست. ۲۴ زیرا خدا روح است، و هر که بخواهد او را بپرستد، باید به روح و راستی بپرستد.» شاید ما فقط بر پدر و عیسی تمرکز نماییم، اما این از شخصیت یک سوم تثلیث می‌کاهد و به شدت ایمان ما را ضعیف و ناتوان می‌سازد. واقعیت این است که ما به شدت به روح القدس نیاز داریم. زیرا او حقیقت، آرامش، هدایت، عقیده و قدرت را به زندگی‌مان منتقل می‌نماید. احتمالا این تنها راهی است که می‌توانیم طبق خواسته و فراخوانی عیسی زندگی کنیم.

فقط با قدرت خدا می‌توانیم زندگی پاکی داشته باشیم. بنابراین، پس از آنکه مسیح تاوان گناه ما را پرداخت و پس از آن به آسمان رفت، روح خود را به پیروانش منتقل ساخت تا بتوانند قدرت، راهنمایی، حکمت و شهادت و نیروی یک زندگی پاک و عادلانه را داشته باشند.

در عهد عتیق هنوز روح القدس فعال بود، اما معمولاً قدرتش در افراد مشخص، در زمان معینی و واقعه‌ای خاص آشکار می‌شد. در فرهنگ یهود از خدا تصویری مانند یک پدر یا یک دوست نداشتند، بلکه خدایی، خیلی دوردست و کاملاً جداگانه، کاملاً مقدس و غیر قابل دسترسی بود.

در عهد جدید درباره اعمال خارق‌العاده خدا وقتی که روح شخصا آمد و در درون پیروانش ساکن شد، پی می‌بریم این واقعه پنتیکاست نام دارد. بخش اول کلمه که پنت می‌باشد، لغتی یونانی است به معنی «پنجاه» و این واقعه پنجاه روز پس از عید پسخ (Passover) یا «عید عبور» اتفاق افتاد که در حقیقت یک روز قبل از مصلوب شدن عیسی بود (اعمال ۲:

شروعی تازه

۲۱-۱: هفت هفته پس از مرگ و زنده شدن مسیح، روز «پنطیکاست» فرا رسید. به این روز، «عید پنجاهم» می‌گفتند، یعنی پنجاه روز بعد از عید پصح. در این روز یهودیان نوبت غله خود را به خانه خدا می‌آوردند. آن روز، وقتی ایمانداران دور هم جمع شده بودند، ۲ ناگهان صدایی شبیه صدای وزش باد از آسمان آمد و خانه‌ای را که در آن جمع بودند، پر کرد. ۳ سپس چیزی شبیه زبانه‌های آتش ظاهر شده، پخش شد و بر سر همه قرار گرفت. ۴ آنگاه همه از روح‌القدس پر شدند و برای اولین بار شروع به سخن گفتن به زبان‌هایی کردند که با آنها آشنایی نداشتند، زیرا روح خدا این قدرت را به ایشان داد. ۵ آن روزها، یهودیان دیندار برای مراسم عید از تمام سرزمین‌ها به اورشلیم آمده بودند. ۶ پس وقتی صدا از آن خانه به گوش رسید، گروهی با سرعت آمدند تا ببینند چه شده است. وقتی شنیدند شاگردان عیسی به زبان ایشان سخن می‌گویند، مات و مبهوت ماندند! ۷ آنان با تعجب به یکدیگر می‌گفتند: «این چگونه ممکن است؟ با اینکه این اشخاص از اهالی جلیل هستند، ۸ ولی به زبان‌های محلی ما تکلم می‌کنند به زبان همان سرزمین‌هایی که ما در آنجا به دنیا آمده‌ایم! ۹ ما که از پارت‌ها، مادها، ایلامی‌ها، اهالی بین النهرین، یهودیه، کپدوکیه، پونتوس، آسیا، ۱۰ و ۱۱ فریجیه و پمفلیه، مصر، قسمت قیروانی زبان لیبی، کریت، عربستان هستیم و حتی کسانی که از روم آمده‌اند هم یهودی و هم آنانی که یهودی شده‌اند همه ما می‌شنویم که این اشخاص به زبان خود ما از اعمال عجیب خدا سخن می‌گویند!» ۱۲ همه در حالی که مبهوت بودند، از یکدیگر می‌پرسیدند: «این چه واقعه‌ای است؟» ۱۳ بعضی نیز مسخره کرده، می‌گفتند: «اینها مست هستند!» ۱۴ آنگاه پطرس با یازده رسول دیگر از جا برخاست و با صدای بلند به ایشان گفت: «ای اهالی اورشلیم، ای زائرینی که در این شهر به سر می‌برید، گوش کنید! ۱۵ بعضی از شما می‌گویید که ما مست هستیم! این حقیقت ندارد! چون اکنون ساعت نه صبح است و هنگام شرابخواری و مستی نیست! ۱۶ آنچه امروز صبح شاهد آن هستید، یوئیل نبی قرن‌ها قبل پیشگویی کرده بود. ۱۷ خدا از زبان او فرمود: «در روزهای آخر، تمام مردم را از روح خود پر خواهم ساخت تا پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رویاها و پیران شما خواب‌ها ببینند. ۱۸ بله، تمام خدمتگزارانم را، چه مرد و چه زن، از روح خود پر خواهم کرد، و ایشان نبوت نموده، از جانب من سخن خواهند گفت. ۱۹ در آسمان و زمین علامات عجیب ظاهر خواهم نمود؛ بر زمین خون جاری خواهد شد، از هوا آتش خواهد بارید و دود غلیظ برخاوه‌د خاست. ۲۰ پیش از آن روز بزرگ و پر شکوه خداوند، خورشید تاریک

شروعی تازه

شده، ماه به رنگ خون در خواهد آمد. ۲۱ اما هر که خداوند را به کمک بطلبید، خداوند او را نجات خواهد داد).

فکر کنید که خدا (پدر) نزدیک ما بیاید، مانند ما زندگی کند و برای ما بمیرد (خدا ی پسر، عیسی) و اینکه حتی او در درون ما ساکن شود (خدا ی روح القدس). غیر قابل تصور بود! آنچه که امروزه به آن فکر نمی‌کنیم در آن زمان قابل درک نبود.

جالب است بدانیم که پنتیکاست در اصل یکی از اعیاد در عهد عتیق بود. پنجاه روز (عملاً ۴۹ روز - هفت هفته کامل) پس از عید پسخ بود که یهودیان «عید خرمن یا محصول» را که همچنین «عید هفته‌ها» نامیده می‌شد جشن می‌گرفتند. در این جشن قوم خدا نوبر غله خود را به حضور خداوند تقدیم کرده از او برای به دست آوردن محصول سپاسگزاری می‌کردند (تثنیه ۱۶: ۹-۱۰: ۹ هفت هفته پس از شروع فصل درو، ۱۰ عید دیگری در حضور خداوند، خدای تان خواهید داشت که عید هفته‌ها خوانده می‌شود. در این عید هدیه داوطلبانه‌ای مطابق برکتی که خداوند به شما داده است نزد خداوند بیاورید).

عید خرمن یا محصول تنها جشن عهد عتیق است که امروزه هنوز آن را به جا می‌آورند. زیرا بیشتر جشن‌ها در اطراف قربانی‌هایی از قبیل ریختن خون حیوانات برای گناه، دور می‌زند که عیسی با قربانی کردن خود روی صلیب آن را از میان برداشت. اما به هرحال یهودیانی که به عیسای مسیح به عنوان نجات‌دهنده عقیده ندارند، امروزه ممکن است هنوز این عیدهای کهن را برگزار می‌کنند، زیرا به آمدن مسایا یا ماشیح، اعتقاد ندارند. در حال حاضر جشن خرمن‌ها یا پنتیکاست جشنی است که با عهد جدید مطابقت دارد. چون روح القدس کسی است که «محصول» زندگی مناسب را برای ما می‌آورد و اوست که به ما کمک می‌کند تا «محصول» جان‌ها را برای مسیح به دست آوریم. و جشن پنتیکاست فرصتی می‌دهد که از به دست آوردن برکت و کار خداوند در زندگی‌مان از او سپاسگزار باشیم.

عملکردهای روح القدس

روح القدس عطایای بسیار مهم و عالی را به کسانی که زندگی خود را به عیسی تسلیم کنند، می‌بخشد. پس از دریافت هدیه نجات، روح القدس تأثیر اصلی را در زندگی روحانی، فکری، احساسی و جسمانی ما می‌گذارد. مسئولیت روح القدس این است که تا زمانی که ما در اتحاد با مسیح باقی بمانیم همواره راهنمایی کند، هدایت نماید، قدرت بخشد و راه را به ما نشان دهد. کلمات «اطمینان کردن» و «باقی ماندن» در اینجا نشان از صداقت، ثابت

شروعی تازه

قدم بودن، و تعهد صمیمانه است که ما با خدا داریم اگر می‌خواهیم قدرت و برکت او را دریافت نماییم.

در یوحنا ۹:۱۱-۱۴ (یوحنا ۱۴: ۱۱-۹: ۹ عیسی جواب داد: «فیلیپ، آیا بعد از تمام این مدتی که با شما بوده‌ام، هنوز هم نمی‌دانی من کیستم؟ هر که مرا ببیند، خدای پدر را دیده است. پس دیگر چرا می‌خواهی او را ببینی؟ ۱۰ آیا ایمان نداری که من در خدای پدر هستم و او در من است؟ سخنانی که می‌گویم، از خودم نیست بلکه از پدر من خداست که در من ساکن است؛ و اوست که این کارها را می‌کند. ۱۱ فقط ایمان داشته باش که من در خدای پدر هستم و او در من است؛ و گرنه به خاطر این معجزات بزرگ که از من دیده‌ای، به من ایمان آور.) عیسی می‌گوید که او و پدر یک هستند. در اینجا می‌گوید که آنها مساوی هستند! نه تنها مساوی هستند، بلکه روح نیز با پدر و پسر یک هست. به همین دلیل می‌گوییم: «در نام پدر، پسر و روح‌القدس». از آنجایی که فقط خدا می‌تواند در هماهنگی و اتحاد با خودش باشد، این موقعیت خداوندی را به روح‌القدس نسبت می‌دهد یعنی در قدرت و جلال با پدر و پسر همانند است.

عالی‌ترین هدیه‌ای که روح‌القدس به ما می‌دهد، تولد روحانی است (یوحنا ۳: ۸-۵: ۵ عیسی جواب داد: «آنچه می‌گویم عین حقیقت است. تا کسی از آب و روح تولد نیابد، نمی‌تواند وارد ملکوت خدا شود. ۶ زندگی جسمانی را انسان تولید می‌کند، ولی زندگی روحانی را روح خدا از بالا می‌بخشد. ۷ پس تعجب نکن که گفتم باید تولد تازه پیدا کنی. ۸ درست همانگونه که صدای باد را می‌شنوی ولی نمی‌توانی بگویی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود، در مورد تولد تازه نیز انسان نمی‌تواند پی ببرد که روح خدا آن را چگونه عطا می‌کند.» - تیتوس ۳: ۵-۴: ۴ اما زمانی رسید که مهربانی و لطف نجات‌دهنده ما خدا آشکار شد، ۵ و ما را نجات داد. او نه به خاطر خوبی و پاکی ما، بلکه فقط در اثر رحمت و دلسوزی که نسبت به ما داشت، ما را از گناهان مان شست و طاهر ساخت و به وسیله روح‌القدس، به ما تولدی تازه و حیاتی نو بخشید. ۶ در اثر کاری که نجات‌دهنده ما عیسی مسیح انجام داد، خدا روح‌القدس را به فراوانی به ما عطا فرمود.) همچنین به ما حیات ابدی می‌بخشد (یوحنا ۶: ۴۳: فقط روح خدا به انسان زندگی جاوید می‌دهد. کسانی که فقط یک بار متولد شده‌اند، با آن تولد جسمانی، هرگز این هدیه را دریافت نخواهند کرد. ولی اکنون به شما گفتم که چگونه این زندگی روحانی و واقعی را می‌توانید به دست آورید.) بگذارید به یوحنا ۱۷:۱۴ (یوحنا ۱۴: ۱۷: این پشتیبان و تسلی‌بخش همان

شروعی تازه

روح القدس است که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد کرد. مردم دنیا به او دسترسی ندارند، چون نه در جستجوی او هستند و نه او را می‌شناسند. ولی شما در جستجوی او هستید و او را می‌شناسید، چون او همیشه با شماست و در وجودتان خواهد بود. نگاهی بیافکنیم. توجه کنید که عیسی می‌گوید «شما او را می‌شناسید (روح القدس را) زیرا اکنون او با شما زندگی می‌کند». اما عیسی نمی‌گوید «در» شما زندگی می‌کند. به یاد داشته باشید که روح القدس هنوز شما در زندگی مسیحیان آزاد نشده بود تا بعد از مرگ، تدفین و رستاخیز مسیح و نهایتاً در پنتیکاست بود که به زندگی مسیحیان وارد شد (یوحنا ۷: ۳۹). منظور عیسی از نهرهای آب زنده، همان روح القدس بود که به کسانی داده می‌شود که به عیسی ایمان آورند. ولی روح القدس هنوز به کسی عطا نشده بود، چون عیسی هنوز به جلال خود در آسمان بازنگشته بود).

فراموش نکنید که روح القدس در لحظه نجات به درون ما وارد شده ما را از نظر روحانی تعمید می‌دهد. در آن زمان روح القدس ما را با وجود خود پر می‌سازد (اعمال ۱: ۸-۵: ۵) «یحیی شما را با آب تعمید داد ولی تا چند روز دیگر شما با روح القدس تعمید خواهید یافت.» ۶ هنگامی که عیسی با شاگردان بود آنان از او پرسیدند: «خداوند، آیا در همین زمان است که حکومت از دست رفته اسرائیل را باز برقرار خواهی کرد؟» ۷ جواب داد: «این زمان‌ها را پدرم خدا تعیین می‌کند و دانستن آنها کار شما نیست. ۸ ولی آنچه لازم است بدانید این است که وقتی روح القدس بر شما نازل شود، قدرت خواهید یافت تا در «اورشلیم»، در سراسر «یهودیه»، «سامره»، و تا دورترین نقطه دنیا درباره من شهادت دهید.» در این آئین، ما از نظر جسمانی و روحانی در عیسای مسیح تعمید می‌یابیم. این شهادت عمومی و بیرونی از نجات ما و دریافت هدیه حیات ابدی است (اعمال ۲: ۳۸). پطرس جواب داد: «هر یک از شما باید از گناهان‌تان دست کشیده، به سوی خدا باز گردید و به نام عیسی تعمید بگیرید تا خدا گناهان‌تان را ببخشد. آنگاه خدا به شما نیز این هدیه، یعنی روح القدس را عطا خواهد فرمود. - یوحنا ۶: ۲۷. اینقدر در فکر چیزهای زودگذر این دنیا نباشید، بلکه نیروی خود را در راه کسب زندگی جاوید صرف کنید. این زندگی جاوید را من به شما می‌بخشم، زیرا پدر من، خدا، مرا برای همین به این جهان فرستاده است).

نگاهی دوباره به یوحنا ۱۴: ۱۷ بیافکنیم (یوحنا ۱۴: ۱۷). این پشتیبان و تسلی‌بخش همان روح القدس است که شما را با تمام حقایق آشنا خواهد کرد. مردم دنیا به او دسترسی ندارند، چون نه در جستجوی او هستند و نه او را می‌شناسند. ولی شما در جستجوی او

شروعی تازه

هستید و او را می‌شناسید، چون او همیشه با شماست و در وجودتان خواهد بود. سومین جمله در یک آیه می‌گوید که روح «حالا اینجا با آنها» بود. زیرا او در عیسی زندگی می‌کرد که به طور جسمانی با شاگردانش بود. اما این قسمت ادامه داده و می‌گوید او «در روح» بعدا در آنها خواهد بود. این گواه بیشتری است که عیسی و روح یک بودند زیرا هنگامی که عیسی می‌گوید که او با ماست، پس روح‌القدس نیز با ماست.

فراتر از آن، یوحنا ۱۴: ۱۸ می‌گوید که عیسی «نزد ما» خواهد آمد (یوحنا ۱۴: ۱۸). در طوفان‌های زندگی، شما را یتیم و بی‌سرپرست نخواهم گذاشت و به کمک شما خواهم آمد. به یاد داشته باشید که عیسی به صورت عملی و جسمانی تا «آمدن دوباره» در آینده نزد ما خواهد آمد. بنابراین او درباره «آمدن نزد ایمانداران» به شکل و فرم روح‌القدس صحبت می‌کرد.

در واقع، عیسی به ما می‌گوید که او مخصوصا زمین را ترک کرد تا اینکه روح‌القدس بتواند نزد ما بیاید (یوحنا ۱۶: ۷). رفتن من به نفع شماست، چون اگر بروم، آن روح تسلی‌بخش نزد شما نخواهد آمد. ولی اگر بروم او خواهد آمد، زیرا خودم او را نزد شما خواهم فرستاد. به این خاطر بود که عیسی به عنوان یک انسان نمی‌توانست به تمام دنیا دسترسی یابد، اما روح خدا می‌تواند شخصا در هر کس که تصمیم بگیرد عیسی را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده بپذیرد، زندگی کند و از همه جالب‌تر اینکه عیسی می‌گوید «شما و من» - پیروانش - با پدر، پسر و روح‌القدس یک خواهیم بود! (یوحنا ۱۴: ۲۰). وقتی زندگی را از سر گیرم، خواهید دانست که من در خدای پدر هستم و شما در من هستید و من نیز در شما هستم).

صفات دیگر روح پر قدرت خدا

روح‌القدس از ما دفاع می‌کند. چیزی که بسیار با ارزش است این است که عنوان «دفاع کردن» همچنین از صفات عیسی به شمار می‌رود (اول یوحنا ۲: ۱). فرزندان عزیزم، اینها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید. اما اگر گناهی از شما سر زند، کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشایش ما را از او درخواست نماید. این شخص عیسای مسیح است که مظهر راستی و عدالت است. مدافع کسی است که از آنهايي که ضعیف‌ترند یا کم‌تجربه هستند دفاع می‌کند. ما که طبیعت گناه‌آلودی داشته، در برابر شیطان ضعیف و آسیب‌پذیر هستیم شديداً به نیرویی برتر برای حمایت احتیاج داریم. به کسی نیاز داریم که محدود به ضعف‌های انسانی نباشد. و برای ما بجنگد و از ما محافظت نماید.

شروعی تازه

علاوه بر این، روح القدس، روح حقیقت نامیده می‌شود، و اوست که ما را به تمام واقعیت رهبری می‌کند (یوحنا ۱۶: ۱۳). ولی وقتی روح القدس که سرچشمه همه راستی‌ها است بیاید، تمام حقیقت را به شما آشکار خواهد ساخت. زیرا نه از جانب خود، بلکه هر چه از من شنیده است خواهد گفت. او از آینده نیز شما را با خبر خواهد ساخت). عیسی نیز حقیقت نام دارد (یوحنا ۱۴: ۶: عیسی به او فرمود: «راه منم، راستی منم، زندگی منم. هیچکس نمی‌تواند به خدا برسد مگر به وسیله من.»). کتاب مقدس می‌گوید که خدا نمی‌تواند دروغ بگوید برای آنکه او حقیقت است (عبرانیان ۶: ۱۸: به این ترتیب، خدا به ما، هم وعده کمک داده است و هم در مورد آن قسم خورده است، پس ما می‌توانیم در خصوص این دو عامل، یعنی وعده و قسم، یقین داشته باشیم، زیرا محال است که خدا دروغ بگوید. اکنون، تمام کسانی که برای رستگاری به خدا پناه می‌آورند، با دریافت چنین اطمینانی، جرأتی تازه می‌یابند، و می‌توانند اطمینان کامل داشته باشند که خدا مطابق وعده‌اش، نجات‌شان خواهد داد). اغلب اوقات وقتی که کلمه «حقیقت» را می‌شنویم درباره «راست گفتن» فکر می‌کنیم، چیزی که ممکن است ما در زمان لازم انجام دهیم یا ندهیم. اما اعضای تثلیث حقیقت هستند. آنها حقیقت واقعی بوده، و تمام اوقات حقیقت را می‌گویند. نقش بسیار عالی دیگر روح القدس این است که برای ما دعا می‌کند و برای ما شفاعت می‌کند (رومیان ۸: ۲۶-۲۷: ۲۶ به این وسیله، یعنی به وسیله ایمان ما، روح خدا ما را در مشکلات زندگی و در دعا‌های مان یاری می‌دهد، زیرا ما حتی نمی‌دانیم چگونه و برای چه باید دعا کنیم. اما روح خدا با چنان احساس عمیقی از جانب ما دعا می‌کند که با کلمات قابل توصیف نیست؛ ۲۷ و خدا که از دل ما با خبر است، می‌داند که روح القدس چه می‌گوید، زیرا آنچه که او به جای ما دعا می‌کند، طبق خواست خداست). عیسی نیز چنین کاری برای ما می‌کند (عبرانیان ۷: ۲۴-۲۵: ۲۴ اما عیسی، از آنجا که تا ابد زنده است، برای همیشه کاهن می‌باشد و نیازی به جانشین ندارد. ۲۵ بنابراین، قادر است همه آنانی را که به وسیله او به حضور خدا می‌آیند، به طور کامل نجات بخشد؛ و چون همیشه زنده است، پیوسته در حضور خدا برای ما وساطت می‌کند و این حقیقت را یادآور می‌گردد که تاوان گناهان ما را به بهای خون خود پرداخته است). در پایان، روح القدس آموزگار ما نیز هست (اول یوحنا ۲: ۲۶-۲۷: ۲۶ این مطالب را درباره این اشخاص می‌نویسم تا بدانید که ایشان می‌خواهند شما را گمراه کنند. ۲۷ اما می‌دانم که روح خدا در شماست و به همین جهت نیازی ندارید کسی به شما بیاموزد که چه بکنید، زیرا روح خدا همه چیز را به شما

شروعی تازه

تعلیم خواهد داد؛ هر چه او می‌گوید حقیقت محض است و دروغ در آن یافت نمی‌شود. پس، همانگونه که به شما تعلیم داده است، همیشه در مسیح بمانید و هرگز از او دور نشوید. و جالب است که عیسی نیز آموزگار ماست در (یوحنا ۱۳: ۱۳: شما مرا استاد و خداوند می‌خوانید، و درست می‌گویید چون همینطور نیز هست).

بنابراین، شخصیت عالی روح القدس را چنین بیان می‌کنیم:

او سومین شخصیت خدای تثلیث است (پدر، پسر و روح القدس). او در کار آفرینش جهان شریک است. او ما را به گناهان مان ملزم می‌کند.

او چشمان روحانی افراد بی‌ایمان را می‌گشاید. او ما را متقاعد می‌سازد که به نجات احتیاج داریم. او حقیقت کلام خدا را تایید می‌کند. هنگامی که ما واقعا و صمیمانه زندگی خود را به عیسای مسیح واگذار کنیم، او نجات ما را تضمین نموده و رابطه ما را با خداوند محکم می‌سازد.

روح القدس هم چنین:

- به ما ایمان می‌بخشد.
 - قدرت لازم را به ما می‌دهد تا طبق خواسته خداوند زندگی نماییم.
 - به بردگی ما در برابر خواسته‌های نادرست پایان می‌دهد.
 - طبق توصیفی که در غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳ شده است، میوه‌های روح در ما ایجاد می‌کند (غلاطیان ۵: ۲۲-۲۳: ۲۲ اما هرگاه روح خدا زندگی ما را هدایت فرماید، این ثمرات را در زندگی ما به وجود خواهد آورد: محبت، شادی، آرامش، بردباری، مهربانی، نیکوکاری، وفاداری، فروتنی و خویشتنداری. ۲۳ هیچیک از این صفات پسندیده، تضادی با احکام مذهبی و شریعت یهود ندارند).
 - مشاوره عالی، با حکمت و با محبت است.
 - در زمان نیازمندی به ما کمک نموده به ما دلداری و تسکین می‌دهد.
- ما فقط در صورتی می‌توانیم زندگی پارسایی داشته باشیم که بر رابطه خود با عیسی تمرکز کنیم. این رابطه را با دعای روزانه، فراگیری کلام خدا، اعتراف به گناهان که از روی صمیمیت و قلبی توبه‌کار باشد می‌توانیم نگاه داریم و با ایمانداران واقعی دیگر در مشارکت باشیم. اما قدرت این چنین زندگی کردن فقط از جانب روح القدس می‌آید. وظیفه ما این است که به او اجازه دهیم تغییرات لازم را در ما به وجود آورد و از راهنمایی و هدایت او اطاعت کنیم. روح القدس آرزو دارد که ما آزادی را که خدا برای ما می‌خواهد تجربه نماییم.

شروعی تازه

او می‌خواهد که ما بیشتر به شباهت عیسی در آییم، تا بتوانیم خدای پدر را جلال دهیم. و روح‌القدس آرزو دارد که ما در انجام نقش مسیحی خود کوشا بوده و دیگران را به پادشاهی خداوند وارد کنیم.

روح‌القدس تنها کسی است که به زندگی مسیحی ما قدرت حیاتی می‌بخشد!

فصل نهم :

شیطان کیست؟

بیشتر مردم درباره شیطان کنجکاو دارند. عموماً تصور می‌کنند که شیطان «شخص بد» و خدا «شخص خوب» است. گروهی هم به وجود او شک می‌کنند، یا فکر می‌کنند او شخصیت کوچک قرمزی در کارتون است که چنگالی در دست دارد. اما تا آنکه حقیقت را درباره او در کتاب مقدس نخوانیم احتمالاً اطلاع صحیحی درباره شیطان نداریم. او بسیار واقعی است، بسیار شریر و خطرناک است.

شاید تعجب کنید که شیطان در آغاز در آسمان بود (اشعیا ۱۴: ۱۷-۱۲: ۱۲ ای ستاره درخشان صبح، چگونه از آسمان افتادی! ای که بر قوم‌های جهان مسلط بودی، چگونه بر زمین افکنده شدی! ۱۳ در دل خود می‌گفتی: «تا به آسمان بالا خواهم رفت، تخت سلطنتم را بالای ستارگان خدا خواهم نهاد و بر قله کوهی در شمال که خدایان بر آن اجتماع می‌کنند جلوس خواهم کرد. ۱۴ به بالای ابرها خواهم رفت و مانند خدای متعال خواهم شد.» ۱۵ اما تو به دنیای مردگان که در قعر زمین است، سرنگون شدی. ۱۶ اینک وقتی مردگان تو را می‌بینند به تو خیره شده، می‌پرسند: «آیا این همان کسی است که زمین و قدرت‌های جهان را می‌لرزاند؟ ۱۷ آیا این همان کسی است که دنیا را ویران می‌کرد و شهرها را از بین می‌برد و بر اسیران خود رحم نمی‌کرد؟» - حزقیال ۲۸: ۱۷-۱۲: ۱۲ ای انسان خاکی، برای پادشاه صور گریه کن. به او بگو که خداوند می‌فرماید: «تو مظهر کمال حکمت و زیبایی بودی ۱۳ و در عدن که باغ خدا بود، قرار داشتی. خود را با انواع سنگ‌های گرانبها از قبیل عقیق سرخ، یاقوت زرد، الماس، زبرجد، جزع، یشم، یاقوت کبود، یاقوت سرخ و زمرد تزیین می‌کردی. زیورهای تو همه از طلا بود. تمام اینها در آن روزی که به وجود آمدی به تو داده شد. ۱۴ تو را به عنوان فرشته نگهبان انتخاب کردم. تو در کوه مقدس من بودی و در میان سنگ‌های درخشان راه می‌رفتی. ۱۵ «از روزی که آفریده شدی در تمام کارهایت کامل و بی‌نقص بودی تا اینکه شرارت در تو راه یافت. ۱۶ تجارت زیاد تو با دیگران باعث شد تو ظالم و گناهکار شوی. به این سبب تو را از کوه خود بیرون انداختم. ای فرشته نگهبان، من تو را از میان سنگ‌های درخشان بیرون انداختم، هلاک ساختم. ۱۷ دل تو از زیباییات مغرور شد، و شکوه جلالت باعث شد حکمت به

شروعی تازه

حماقت تبدیل شود. به همین علت تو را بر زمین انداختم و در برابر چشمان پادشاهان، درماندهات کردم). هرچند که این بخش‌ها درباره پادشاهان عهد عتیق است، بیشتر دانشمندان کتاب مقدس آنها را به شیطان نیز نسبت می‌دهند.

شیطان یکی از زیباترین مخلوقات خداوند بود. او فرشته‌ای بسیار قدرت‌مند بود. نام دیگر او لوسیفر بود که به معنی «روشنایی» یا «ستاره روشن صبح» است. اما، در این گزارش‌ها می‌خوانیم که او از زیبایی خود مغرور شد و تصمیم گرفت با خدای متعالی نبرد کند. غرورش سبب شد که از یک فرشته زیبا و دوست‌داشتنی تغییر کرده و «پدر دروغگویان» و «مار باستانی» نامیده شود! (یوحنا ۸: ۴۴؛ شما فرزندان پدر واقعی‌تان شیطان می‌باشید و دوست دارید اعمال بد او را انجام دهید. شیطان از همان اول قاتل بود و از حقیقت نفرت داشت. در وجود او ذره‌ای حقیقت پیدا نمی‌شود، چون ذاتا دروغگو و پدر تمام دروغگوهاست. - مکاشفه ۱۲: ۹؛ بله، این اژدهای بزرگ، یعنی آن مار قدیمی که اسمش ابلیس یا شیطان است و همان کسی است که تمام مردم دنیا را فریب می‌دهد، با تمام دار و دسته‌اش بر زمین افکنده شد).

در واقع، یکی از راه‌هایی که او سعی می‌کند به زندگی انسان‌ها دسترسی یابد، این است که خود را به شکل فرشته نور آشکار می‌کند. او می‌داند که اگر ما دریابیم که چقدر شریر و واقعا ترسناک است کاری به او نخواهیم داشت. و انسان‌هایی که از شیطان پیروی می‌کنند اغلب نیت‌های خود را نیز آشکار نمی‌کنند (دوم قرن‌تین ۱۱: ۱۵-۱۲: ۱۲ اما به این روش خود ادامه خواهیم داد و کمک‌های مالی شما را نخواهم پذیرفت، تا آنانی که ادعا می‌کنند که همانند ما خدا را خدمت می‌کنند، امکان چنین ادعایی را نداشته باشند. ۱۳ این قبیل افراد هرگز از جانب خدا فرستاده نشده‌اند. ایشان فریبکارانی هستند که از سادگی شما سوء استفاده کرده، خود را رسولان مسیح معرفی کرده‌اند. ۱۴ اما جای تعجب نیست. چون اگر شیطان می‌تواند خود را به صورت فرشته نور درآورد، ۱۵ خدمتکارانش نیز می‌توانند خود را به شکل خدمتگزاران خدا درآورند. اما سرانجام، ایشان به سزای اعمال زشت خود خواهند رسید). به هرحال، این امر اغلب تشخیص بین خوب و بد را دشوار می‌سازد. به همین دلیل ما به شدت به قدرت و هدایت روح القدس و کلام خدا در این مورد نیازمندیم. تشخیص یعنی شناخت حقیقت از دورغ، صداقت و یا فریب.

عیسی به ما می‌گوید که او سقوط شیطان را از آسمان دید (لوقا ۱۰: ۱۷-۱۸: ۱۷ پس از مدتی هفتاد شاگرد برگشتند و با خوشحالی به عیسی خبر داده، گفتند: «خداوند، حتی

شروعی تازه

ارواح پلید نیز به نام تو، از ما اطاعت می‌کنند! ۱۸ عیسی فرمود: «بلی، من شیطان را دیدم که همچون برق، از آسمان به زیر افتاد!». و از آن زمان، شیطان اصل و بنیاد بدی و پلیدی است که سبب نابودی و ویرانگری زمین شده است (اول یوحنا ۳: ۸). اما کسی که در گناه به سر می‌برد، نشان می‌دهد که فرزند شیطان است، زیرا شیطان از همان ابتدا که خود را به گناه آلوده ساخت، تا به حال گناه می‌کند. اما فرزند خدا آمد تا اعمال شیطان را باطل سازد. در واقع، عیسی به خاطر همین هدف که مردم را از چنگال شیطان آزاد سازد به زمین آمد (کولسیان ۱: ۱۴-۱۳: ۱۳) او ما را از دنیای تاریک شیطان نجات داد و به ملکوت فرزند عزیزش منتقل ساخت، ۱۴ همان فرزندی که ما را به قیمت خون خود آزاد کرد و گناهانمان را بخشید).

به راستی، پطرس رسول یکی از اهداف اصلی خدا را برای زندگی ما عملاً آشکار می‌سازد: اما شما «مسیحیان» نژادی برگزیده هستید، ملتی مقدس، قومی که به خدا تعلق دارد، تا بتوانید مقاصد عالی او را (عیسی) اعلام دارید. عیسی، کسی که شما را از تاریکی (قلمرو شیطان) خارج نمود و به نور جلال خویش (پادشاهی خداوند) وارد کرد (دوم پطرس ۱: ۹). نام شیطان به معنی دشمن است که یعنی «بر علیه» چیزی یا کسی می‌باشد. از زمانی که از بهشت رانده شد، بر علیه خدا و هر آنچه که خدا خلق کرده است می‌باشد. او می‌داند که مستقیماً نمی‌تواند بر علیه خدا بجنگد، از این رو به جای آن با قوم خدا می‌ستیزد و به آنها شب و روز اتهام می‌زند (زکریا ۳: ۱-۲: ۱ سپس خداوند در رؤیا، یهوشع، کاهن اعظم را به من نشان داد که در حضور فرشته خداوند ایستاده بود. شیطان نیز آنجا در سمت راست فرشته ایستاده بود و تهمت‌های زیادی به یهوشع می‌زد. ۲ فرشته خداوند به شیطان گفت: «ای شیطان، خداوند تو را محکوم کند. خداوند که اورشلیم را برای خود برگزیده است تو را محکوم کند. یهوشع مانند چوب نیم سوخته‌ای است که از میان آتش بیرون کشیده شده باشد.» - مکاشفه ۱۲: ۱۰: آنگاه در آسمان صدایی بلند شنیدم که اعلام می‌کرد: «زمان نجات و قدرت و سلطنت خدا و حکومت بر حق مسیح او رسیده است! چون مدعی برادران ما که روز و شب در پیشگاه خدای ما به برادران ما تهمت می‌زد، سقوط کرد.»، هر چند که بیشتر شرارت‌هایی که در دنیا مشاهده می‌کنیم در اثر خودخواهی انسان‌هاست، بسیاری از وقایع و شرایط در اثر اعمال شیطان به صورتی نامطلوب‌تر و بدتر در می‌آیند.

چرا شیطان بسیار موفق است؟

شیطان از خدا و قوم خدا نفرت دارد و نقشه شریراشه این است که هرچیز و هر کس را که خدا دوست دارد، بکشد، صدمه زند و نابود نماید (یوحنا ۱۰: ۱۰). کار دزد اینست که بدزدد، بکشد و نابود کند؛ اما من آمده‌ام تا به شما حیات واقعی را به فراوانی عطا نمایم. او به طور کلی از نوع بشر بیزار است زیرا ما به شباهت خداوند آفریده شده‌ایم. اما او از آنهایی که عیسی را دوست دارند نفرت خاصی دارد.

او از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند که ما را از راه خدا دور سازد. احمقانه است که انکار نماییم که او بسیار قدرتمندتر از ماست. و به عنوان استاد خدعه و فریب‌هنگامی که مردم باور کنند که او وجود ندارد، بسیار خوشحال می‌شود. ما باید باور کنیم که شیطان وجود واقعی دارد.

یکی از راه‌هایی که شیطان در پیش می‌گیرد این است که در ذهن ما شک و تردید نسبت به خدا و حقیقت خدا ایجاد می‌کند. این امر را در داستان مشهور آدم و حوا مشاهده می‌کنیم. خدا به آنها گفت که از درخت نیک و بد نخورید، اما مار (شیطان) در فکر حوا رخنه کرد که اگر نخورد به خیلی چیزها پی نخواهد برد زیرا خدا از روی خود خواهی این دستور را به حوا داده است. بنابراین حوا به جای حرف خدا، حرف شیطان را باور کرد که نتیجه آن بسیار ویرانگر بود (پیدایش ۳: ۱-۲۴). مار از همه حیواناتی که خداوند به وجود آورد، زیرک‌تر بود. روزی مار نزد زن آمده، به او گفت: «آیا حقیقت دارد که خدا شما را از خوردن میوه تمام درختان باغ منع کرده است؟» و ۳ و ۲ زن در جواب گفت: «ما اجازه داریم از میوه همه درختان بخوریم، به جز میوه درختی که در وسط باغ است. خدا امر فرموده است که از میوه آن درخت نخوریم و حتی آن را لمس نکنیم وگرنه می‌میریم.» ۴ مار گفت: «مطمئن باش نخواهید مُرد! ۵ بلکه خدا خوب می‌داند زمانی که از میوه آن درخت بخورید، چشمان شما باز می‌شود و مانند خدا می‌شوید و می‌توانید خوب را از بد تشخیص دهید.» ۶ آن درخت در نظر زن، زیبا آمد و با خود اندیشید: «میوه این درخت دلیز، می‌تواند، خوش طعم باشد و به من دانایی ببخشد.» پس از میوه درخت چید و خورد و به شوهرش هم داد و او نیز خورد. ۷ آنگاه چشمان هر دو باز شد و از برهنگی خود آگاه شدند؛ پس با برگ‌های درختِ انجیر پوششی برای خود درست کردند. ۸ عصر همان روز، آدم و زنش، صدای خداوند را که در باغ راه می‌رفت شنیدند و خود را لابلای درختان پنهان کردند. ۹ خداوند آدم را ندا داد: «ای آدم، چرا خود را پنهان می‌کنی؟» ۱۰ آدم

شروعی تازه

جواب داد: «صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم، زیرا برهنه بودم؛ پس خود را پنهان کردم.» ۱۱ خداوند فرمود: «چه کسی به تو گفت که برهنه‌ای؟ آیا از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری؟» ۱۲ آدم جواب داد: «این زن که یار من ساختی، از آن میوه به من داد و من هم خوردم.» ۱۳ آنگاه خداوند از زن پرسید: «این چه کاری بود که کردی؟» زن گفت: «مار مرا فریب داد.» ۱۴ پس خداوند به مار فرمود: «به سبب انجام این کار، از تمام حیوانات وحشی و اهلی زمین ملعون‌تر خواهی بود. تا زنده‌ای روی شکمت خواهی خزید و خاک خواهی خورد. ۱۵ بین تو و زن، و نیز بین نسل تو و نسل زن، خصومت می‌گذارم. نسل زن سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه وی را خواهی زد.» ۱۶ آنگاه خداوند به زن فرمود: «درد زایمان تو را زیاد می‌کنم و تو با درد فرزندان خواهی زایید. مشتاق شوهرت خواهی بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.» ۱۷ سپس خداوند به آدم فرمود: «چون گفته زنت را پذیرفتی و از میوه آن درختی خوردی که به تو گفته بودم از آن نخوری، زمین زیر لعنت قرار خواهد گرفت و تو تمام ایام عمرت با رنج و زحمت از آن کسب معاش خواهی کرد. ۱۸ از زمین خار و خاشاک برایت خواهد رویید و گیاهان صحرا را خواهی خورد. ۱۹ تا آخر عمر به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد و سرانجام به همان خاکی باز خواهی گشت که از آن گرفته شدی؛ زیرا تو از خاک سرشته شدی و به خاک هم برخواهی گشت.» ۲۰ آدم، زن خود را حوا (یعنی «زندگی») نامید، چون او می‌بایست مادر همه زندگان شود. ۲۱ خداوند لباس‌هایی از پوست حیوان تهیه کرد و آدم و همسرش را پوشانید. ۲۲ سپس خداوند فرمود: «حال که آدم مانند ما شده است و خوب و بد را می‌شناسد، نباید گذاشت از میوه «درخت حیات» نیز بخورد و تا ابد زنده بماند.» ۲۳ پس خداوند او را از باغ عدن بیرون راند تا برود و در زمینی که از خاک آن سرشته شده بود، کار کند. ۲۴ بدین ترتیب او آدم را بیرون کرد و در سمت شرقی باغ عدن فرشتگانی قرار داد تا با شمشیر آتشی که به هر طرف می‌چرخید، راه «درخت حیات» را محافظت کنند).

طبق این گزارش می‌بینیم که شیطان قادر است در ذهن ما رخنه کند، هر چند که قادر نیست «افکار ما را بخواند». او رفتار ما را در نظر می‌گیرد و از ضعف‌های ما با خبر است. تعجب‌آور است که هنوز شیطان از این شیوه عملکرد استفاده می‌کند و حتی امروزه شک در ما ایجاد می‌نماید و سبب می‌شود که میلیون‌ها نفر از خداوند فاصله بگیرند.

قدرت محدود شیطان

شیطان اجازه دارد که به حضور خداوند برود. و نیز اجازه دارد که قوم خدا را که «ایمانداران» هستند وسوسه نماید (ایوب ۱: ۱۲-۱: ۱ در سرزمین عوص مردی زندگی می کرد به نام ایوب. او مردی بود درستکار و خداترس که از گناه دوری می ورزید. ۳۲ ایوب هفت پسر و سه دختر داشت و صاحب هفت هزار گوسفند، سه هزار شتر، پانصد جفت گاو، پانصد الاغ ماده و نوکران بسیار بود. او ثروتمندترین مرد سراسر آن ناحیه به شمار می رفت. ۴ هر یک از پسران ایوب به نوبت در خانه خود جشنی برپا می کردند و همه برادران و خواهران خود را دعوت می نمودند تا در آن جشن شرکت کنند. ۵ وقتی روزهای جشن به پایان می رسید، ایوب صبح زود بر می خاست و برای طهارت هر کدام از فرزندان به خداوند قربانی تقدیم می کرد. ایوب این کار را مرتب انجام می داد، تا اگر احياناً پسرانش ندانسته نسبت به خدا گناه کرده باشند، بدین وسیله گناهشان آمرزیده شود. ۶ یک روز که فرشتگان در حضور خداوند حاضر شده بودند، شیطان نیز همراه ایشان بود. ۷ خداوند از شیطان پرسید: «کجا بودی؟» شیطان پاسخ داد: «دور زمین می گشتم و در آن سیر می کردم». ۸ آنگاه خداوند از او پرسید: «آیا بنده من ایوب را دیدی؟ بر زمین، کسی همچون او پیدا نمی شود. او مردی درستکار و خداترس است و از گناه دوری می ورزد». ۹ شیطان گفت: «اگر خداترسی برای او سودی نمی داشت این کار را نمی کرد. ۱۰ ایوب و خانواده و اموالش را از هر گزند محفوط داشته ای. دسترنج او را برکت داده ای و ثروت زیاد به او بخشیده ای. ۱۱ دارایی اش را از او بگیر، آنگاه خواهی دید که آشکارا به تو کفر خواهد گفت!» ۱۲ خداوند در پاسخ شیطان گفت: «برو و هر کاری که می خواهی با دارایی اش بکن، فقط آسیبی به خود او نرسان.» پس شیطان از بارگاه خداوند بیرون رفت. اما خدا را شکر که مسیحیان تحت محافظت عیسی هستند و او دعا می کند که ایمانداران در این آزمایش ها موفق شوند (لوقا ۲۲: ۳۱-۳۲: ۳۱ «ای شمعون، ای شمعون، شیطان می خواست همگی شما را بیازماید و همانند گندم، غربال کند؛ ۳۲ اما من برای تو دعا کردم تا ایمانت از بین نرود. پس وقتی توبه کردی و به سوی من بازگشتی، ایمان برادرانت را تقویت و استوار کن!»). اما به هر حال، اگر شما از طریق نجات در عیسای مسیح، با خدا رابطه ای ندارید، نمی توانید انتظار داشته باشید که از شیطان محافظت می شوید. روح غیر ایمانداران (کسانی که نجات ندارند) در واقع می تواند تحت تسلط شیطان قرار گیرد. به این

شروعی تازه

صورت که شیطان می‌تواند عملاً افکار و اراده انسان را در کنترل خود گیرد (لوقا ۲۲: ۳: در همین زمان، شیطان وارد وجود یهودا اسخریوطی یکی از دوازده شاگرد عیسی شد). غیر ممکن است که ایمانداران حقیقتی تحت سلطه شیطان قرار گیرند زیرا روح‌القدس در آنها ساکن است و شیطان نمی‌تواند با خدا در مشارکت باشد. اما می‌تواند دردسر و ناراحتی به وجود آورده، آنها را تحت فشار قرار دهد (اعمال ۱۰: ۳۸: بدون شک می‌دانید که خدا عیسی ناصری را مسیح تعیین کرد و با روح‌القدس و قدرت خود به این دنیا فرستاد. او به همه جا می‌رفت، کارهای نیک انجام می‌داد و تمام کسانی را که اسیر ارواح ناپاک بودند شفا می‌داد، زیرا خدا با او بود. - اول تسالونیکیان ۲: ۱۸: به همین منظور بسیار مایل بودیم نزد شما بیاییم، و من، پولس، بارها سعی کردم بیایم، اما شیطان مانع شد. - اول پطرس ۵: ۸-۹: ۸ هشیار و مراقب باشید، زیرا دشمن شما، شیطان، همچون شیری گرسنه، غرآن به هر سو می‌گردد تا طعمه‌ای بیابد و آن را بلعد. ۹ پس در برابر حملات او، به خداوند تکیه کنید و استوار بایستید؛ بدانید که این زحمات فقط به سراغ شما نیامده، بلکه مسیحیان در تمام دنیا با چنین مصائبی مواجه می‌باشند). خداوند ممکن است اجازه دهد شیطان و دستیارانش سختی‌هایی در زندگی ما به وجود آورند که سبب شود ما بیشتر به خدا توکل کنیم و شخصیت ما را بنا سازد (دوم قرنتیان ۱۲: ۷: اما برای آنکه از این مکاشفات خارق‌العاده و مشاهدات روحانی، احساس غرور به من دست ندهد، خدا اجازه داد که عارضه‌ای همچون خار در بدنم به وجود آید. او اجازه داد فرستاده شیطان مرا رنج دهد و بدین وسیله مانع غرور من گردد).

بعضی از نشانه‌های تسلط شیطانی به صورت ناهنجاری‌های روانی ظاهر می‌شود (مرقس ۵: ۱-۱۵: ۱ به این ترتیب به آن طرف دریاچه، به سرزمین جدی‌ها رسیدند. ۲ هنگامی که عیسی پا به ساحل می‌گذاشت، شخصی که گرفتار روح ناپاک بود از قبرستان بیرون آمد و به سوی او دوید. ۳ این مرد همیشه در قبرستان به سر می‌برد، و هیچکس نمی‌توانست حتی با زنجیر نیز او را ببندد، ۴ چون بارها او را به زنجیر کشیده و دست و پایش را نیز در کنده بسته بودند، ولی زنجیرها را پاره کرده و کنده‌ها را هم شکسته بود. او به قدری نیرومند بود که کسی نمی‌توانست او را رام کند. ۵ روز و شب در کوهستان و قبرستان نعره می‌کشید و خود را به سنگ‌های تیز می‌زد و زخمی می‌کرد. ۶ وقتی عیسی را از دور دید، دوان دوان خود را به او رساند و در مقابلش به خاک افتاد. ۷ عیسی به روح ناپاکی که در آن مرد بود فرمان داد: «ای روح ناپاک از این مرد خارج شو!» ۸ روح ناپاک از

شروعی تازه

دهان آن مرد فریادی بلند برآورد و گفت: «ای عیسی، ای فرزند خدای متعال، برای چه به سراغ ما آمده‌ای؟ تو را بخدا مرا عذاب نده!» ۹ عیسی از او پرسید: «نام تو چیست؟» روح ناپاک از زبان مرد جواب داد: «نام من قُشون است، چون ما عده زیادی هستیم که داخل این مرد شده‌ایم.» ۱۰ ارواح پلید شروع به خواهش و تمنا کردند که از آن سرزمین بیرون‌شان نکنند. ۱۱ اتفاقاً یک گله خوک در بلندی کنار دریاچه می‌چریدند. ۱۲ پس ارواح پلید از او استدعا کرده، گفتند: «ما را داخل خوک‌ها بفرست!» ۱۳ عیسی خواهش آنها را پذیرفت؛ پس همه روح‌های ناپاک از آن مرد بیرون آمدند و داخل خوک‌ها شدند و تمام آن گله بزرگ که حدود دو هزار خوک بود، از سراسیمی تپه به دریاچه ریختند و خفه شدند. ۱۴ خوک‌چران‌ها به شهر و دهات اطراف فرار کردند و به هر جا که می‌رسیدند، به مردم خبر می‌دادند، مردم با عجله می‌آمدند تا ماجرا را ببینند. ۱۵ طولی نکشید که عده زیادی دور عیسی جمع شدند. ولی وقتی آن دیوانه را که روح ناپاک داشت، دیدند که آرام نشسته، لباسی پوشیده و کاملاً عاقل شده است، ترسیدند. کتاب مقدس همچنین گزارشی از اعمال و فعالیت‌های شیطان به صورت عملیات خشونت‌آمیز ذکر کرده است (لوقا ۸: ۲۶-۲۹: ۲۶ به این ترتیب به آن سوی دریاچه، به سرزمین جدری‌ها رسیدند که مقابل ایالت جلیل بود. ۲۷ وقتی عیسی از قایق پیاده شد، مردی که مدت‌ها دیوانه بود از شهر به سوی او آمد. او نه لباس می‌پوشید و نه در خانه می‌ماند بلکه در قبرستان‌ها زندگی می‌کرد. ۲۸ به محض اینکه عیسی را دید، نعره زد و پیش پای‌های او بر زمین افتاد و با صدای بلند گفت: «ای عیسی، فرزند خدای متعال، با من چه کار داری؟ التماس می‌کنم مرا عذاب ندهی!» ۲۹ زیرا عیسی به روح پلید دستور می‌داد که از وجود آن مرد بیرون بیاید. این روح پلید بارها به آن مرد حمله کرده بود و حتی موقعی که دست‌ها و پای‌های او را با زنجیر می‌بستند، به آسانی زنجیرها را می‌گسیخت و سر به بیابان می‌گذاشت. او به طور کامل در چنگال ارواح پلید اسیر بود). و بیماری‌ها یا نواقص بدنی در (لوقا ۱۳: ۱۱) در آنجا زنی حضور داشت که مدت هجده سال، روحی پلید او را علیل ساخته بود به طوریکه پشتش خمیده شده، به هیچ وجه نمی‌توانست راست بایستد. - متی ۱۲: ۲۲: سپس، دیوانه‌ای را نزد عیسی آوردند که هم کور بود و هم لال. عیسی او را شفا بخشید، به طوری که او توانست هم سخن بگوید و هم ببیند. بدون تردید این امر به این معنی نیست که اگر کسی مریض می‌شود، یا با خشونت رفتار می‌کند، یا ناراحتی روانی دارد، تحت نفوذ شیطان است! اما بدون شک ضعف‌های جسمانی می‌تواند به نفوذ شیطان کمک کند.

شروعی تازه

شیطان سپاه عظیمی از فرشتگان سقوط کرده دارد. لقب دیگر شیطان بلزیاب (Beelzebub) که به معنی «رئیس ارواح خبیث» یا «شاه ارواح شریر» می‌باشد (متی ۱۲: ۲۴). ولی هنگامی که خبر این معجزه به گوش فریسیان رسید، گفتند: «عیسی به این دلیل می‌تواند ارواح ناپاک را از مردم بیرون کند زیرا خودش شیطان و رئیس دیوهاست.» البته این آیه به‌خصوص درباره نفرتی است که فریسی‌ها نسبت به عیسی داشتند و منظورشان این بود که قدرت خدا از شیطان است و این آیه را به کار بردند که بگویند شیطان «شاه دیوان» نام دارد.

چون شیطان وجود خلق شده‌ایست، نمی‌تواند در آن واحد همه جا باشد. فقط خدا است که «حاضر مطلق» است، یعنی در یک زمان همه جا حاضر است. بنابراین شیطان از دستیاران خود استفاده کرده و کارهای پلیدش را انجام می‌دهد. در حقیقت، ارواح شریر دارای قلمرویی هستند یا به عبارتی یک منطقه جغرافیایی در اختیار دارند (دانیال ۱۰: ۱۳). اما فرشته‌ای که بر مملکت پارس حکمرانی می‌کند بیست و یک روز با من مقاومت کرد و مانع آمدن من شد. سرانجام میکائیل که یکی از فرشتگان اعظم است، به یاری من آمد. - افسسیان ۶: ۱۰-۱۲: ۱۰ در خاتمه از شما می‌خواهم که از قدرت عظیم خداوند در درون خود، نیرو بگیرید و زور آور شوید! ۱۱ خود را با تمام سلاح‌های خدا مجهز کنید تا بتوانید در برابر وسوسه‌ها و نیرنگ‌های شیطان ایستادگی نمایید. ۱۲ بدانید که جنگ ما با انسان‌ها نیست، انسان‌هایی که گوشت و خون دارند؛ بلکه ما با موجودات نامرئی می‌جنگیم که بر دنیای نامرئی حکومت می‌کنند، یعنی بر موجودات شیطانی و فرمانروایان شرور تاریکی. بلی، جنگ ما با اینهاست، با لشکرهایی از ارواح شرور که در دنیای ارواح زندگی می‌کنند).

شیطان «خدای این جهان» و یا «حاکم این دنیا» نامیده می‌شود (لوقا ۴: ۵-۶: ۵). سپس شیطان او را به قله کوهی برد و در یک آن، تمام ممالک جهان را به او نشان داد، ۷ و گفت: «اگر فقط زانو بزنی و مرا سجد کنی، تمام این مملکت‌ها را با شکوه و جلال‌شان، به تو خواهم بخشید؛ چون همه آنها از آن من است و به هر که بخواهم واگذار می‌کنم.» - یوحنا ۱۲: ۳۱: چون وقت آن رسیده است که خدا مردم دنیا را داوری کند و فرمانروای این دنیا، یعنی شیطان را از قدرت بیندازد. - دوم قرنتیان ۴: ۳-۴: ۳ اما اگر پیغام نجاتی که اعلام می‌کنیم، مبهم است و درک آن دشوار می‌باشد، فقط برای آنانی چنین است که به سوی هلاکت می‌روند. ۴ شیطان که حاکم این دنیای پر از گناه است، چشمان این

شروعی تازه

اشخاص بی‌ایمان را بسته است تا نتوانند نور پُر جلال انجیل را ببینند و معنی پیغام ما را درباره جلال مسیح که چهره قابل رویت خدای نادیده است، درک کنند. - اول یوحنا ۵: ۱۹: می‌دانیم که ما فرزندان خدا هستیم و بقیه مردم دنیا، تحت قدرت و سلطه شیطان قرار دارند. کلمه «دنیا» در این متن عبارت است از امور عادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دنیای فیزیکی و جسمانی که انسان در آن زیست می‌کند. به همین دلیل شرارت‌های زیادی در میان مردمی که به عیسی ایمان ندارند مشاهده می‌شود زیرا افکارشان عملاً در کنترل شیطان است (افسیسیان ۲: ۱-۲: ۱ روزگاری شما نیز به علت خطایا و گناهان‌تان، زیر لعنت خدا قرار داشتید و محکوم به مرگ ابدی بودید. ۲ شما هم مانند دیگران غرق در گناه بودید و شیطان را اطاعت می‌کردید، شیطانی که رئیس نیروهای پلید است و هم اکنون در قلب مخالفین خدا عمل می‌کند).

حتی مسیحیان قبل از ایمان و پذیرفتن مسیح از شیطان اطاعت می‌کردند. اما تصمیم جدی و مهمی گرفتند دشمن روح خود را ترک کرده و به عیسی روی آوردند که روح آنها را دوست دارد. این مسئله بسیار اهمیت دارد که بدانیم که این به عهده ماست که انتخاب بکنیم چه کسی را خدمت نماییم. توجه کنید که آیات زیر فقط از خدایان دروغین و «خدا» - یا این یا آن صحبت می‌کند (یوشع ۲۴: ۱۵: امروز تصمیم خود را بگیرید. آیا می‌خواهید از خداوند پیروی کنید یا از بت‌هایی که اجداد شما در آن سوی رود فرات می‌پرستیدند، و یا از بت‌های اموری‌هایی که در سرزمین‌شان ساکنید؟ ولی این را بدانید که من و خانواده‌ام خداوند را عبادت خواهیم نمود).

چه کسی را خدمت می‌کنید؟

درست همانطور که خدا حقیقت است و نمی‌تواند دروغ بگوید، شیطان یک دروغگو است و در عمق وجودش یک قاتل و جنایتکار است. و درست همانطور که مردم می‌توانند انتخاب کنند که از خدا تقلید کرده و شخصیت او را از خود منعکس سازند، همچنین می‌توانند از شیطان تقلید کنند و شخصیت او را نشان دهند (دوم تیموتائوس ۲: ۲۶-۲۵: ۲۵ و با مخالفین و گمراهان با فروتنی و ادب گفتگو نماید؛ شاید به این ترتیب به یاری خداوند، آنها از عقاید نادرست خود بازگردند و به حقیقت ایمان آورند. ۲۶ در اینصورت می‌توانند از خواب غفلت بیدار شوند و از دام شیطان خود را رها سازند، زیرا شیطان ایشان را اسیر کرده، وادار می‌سازد که اراده او را به جا آورند. این انتخاب شخصی هر کسی است که زندگی خود را تقدیم چه کسی بکند. حقیقت این است که شما ممکن است عیسی را

شروعی تازه

برگزینید و یا دنباله‌روی دشمن روح و جان خود باشید (متی ۱۲: ۳۰: هر کس به من کمک نمی‌کند، به من ضرر می‌رساند).

کتاب مقدس به روشنی می‌گوید که آن چیزی که شخص ایماندار را از شخص بی‌ایمان متمایز می‌سازد روش عمده زندگی پارسایانه یا گناه آلود او می‌باشد (اول یوحنا ۳: ۱۰-۹: ۹ هر که به خانواده خدا ملحق می‌شود و فرزند خدا می‌گردد، به راه گناه نمی‌رود، زیرا او از طبیعت و حیات الهی برخوردار می‌شود. بنابراین، دیگر نمی‌تواند گناه کند، زیرا در او زندگی تازه‌ای شکل گرفته است که از خدا جریان می‌یابد. ۱۰ پس به این ترتیب می‌توان گفت که چه کسی فرزند خداست و چه کسی فرزند شیطان است. هر که زندگی گناه‌آلودی داشته باشد و ممنوع خود را نیز دوست نداشته باشد، فرزند خدا نیست). بدون شک اشتباهاتی از ما مسیحیان سر می‌زند، اما فراموش نکنید که پارسایی و نیکویی ما از جانب مسیح می‌آید و نه در اثر کوشش خودمان. اما شما خود به تنهایی می‌توانید انتخاب کنید که بر طبق انگیزه‌ها، و افکار و اعمال‌تان در کدام طرف زندگی کنید.

شاید با خود می‌اندیشید که «من از عیسی پیروی نمی‌کنم، اما شیطان را پرستش نخواهم کرد!» ولی ما نمی‌توانیم بی‌طرف باشیم. یا در تاریکی به سر می‌بریم یا در روشنایی - با شیطان زندگی می‌کنیم یا برای مسیح (اعمال ۲۶: ۱۸-۱۵: ۱۵ «پرسیدم: آقا شما کیستید؟» خداوند فرمود: من عیسی هستم، همان که تو او را اینقدر آزار می‌دهی. ۱۶ حال، برخیز! چون به تو ظاهر شده‌ام تا تو را انتخاب کنم که خدمتگزار و شاهد من باشی. تو باید واقعه امروز و اموری را که در آینده به تو نشان خواهم داد، به مردم اعلام کنی. ۱۷ و من از تو در برابر قوم خود و قوم‌های بیگانه حمایت خواهم کرد. بلی، می‌خواهم تو را نزد غیر یهودیان بفرستم، ۱۸ تا چشمان ایشان را بگشایی تا به حالت واقعی خود پی ببرند و از گناه دست کشیده، از ظلمت شیطان خارج شوند و در نور خدا زندگی کنند. و من گناهان ایشان را خواهم بخشید و آنان را به خاطر ایمانی که به من دارند، در برکات مقدسین سهیم خواهم ساخت). تنها انگیزه و هدف شیطان این است که ما را به بردگی بکشاند و نابودمان سازد. فقط مسیح می‌تواند ما را آزاد کند. زیرا او تنها کسی است که علاقه و قدرت چنین کاری را دارد.

گزینش ما در دوست داشتن عیسی یا طرد کردن او مورد داوری خداوند قرار می‌گیرد. منطقه بینابین قرار ندارد. ما نمی‌توانیم یک کمی مسیحی باشیم. در واقع خداوند از این رفتار ریاکارانه نفرت دارد. او ترجیح می‌دهد که شما به طور رو راست و صادقانه او را انکار

شروعی تازه

کنید تا تظاهر به مسیحیت نمایید! (مکاشفه ۳: ۱۶-۱۵: ۱۵ من تو را خوب می‌شناسم؛ می‌دانم که نه سرد هستی و نه گرم. کاش یکی از این دو بودی! ۱۶ اما چون نه سرد هستی و نه گرم، تو را از دهان خود قی کرده، بیرون خواهم ریخت).

ایمانداران جدید به خصوص در مقابل حملات شیطان ضعیف و بی‌دفاع هستند (لوقا ۸: ۱۲: گذرگاه مزرعه که بعضی از تخم‌ها در آنجا افتاد، دل سخت کسانی را نشان می‌دهد که کلام خدا را می‌شنوند، اما بعد شیطان آمده، کلام را می‌رباید و می‌برد و نمی‌گذارد ایمان بیاورند و نجات پیدا کنند) و از این رو ضروری است که پس از دریافت نجات در مورد تعلیم و اصول عقاید مسیحیت آموزش ببینند. ایمانداران جدید احتیاج دارند که با ایمانداران با تجربه، که در ایمان محکم‌تر هستند در مشارکت باشند تا بتوانند حملات شیطان را تشخیص داده، بیاموزند که چگونه دعا کنند، چگونه بر خواسته‌های گذشته خود تسلط یابند و چگونه کلام خدا را مطالعه کنند.

چگونه باید با شیطان برخورد کنیم؟

عقیده شخصی من این است که ما نباید به هیچ وجه با شیطان گفتگو کنیم. شاهد بوده‌ام که بعضی از مسیحیان با شیطان وارد گفتگو می‌شوند، بر سر شیطان داد می‌زنند، و دستور می‌دهند که از آنها اطاعت کند! در واقع به کتاب مقدس مراجعه کرده و کلمه «داد زدن و جیغ زدن» را جستجو کردم. پی بردم که در مورد داد زدن فقط یک بار گفته شده است که در بین مردم اتفاق افتاد. و «جیغ زدن» فقط یک بار آمده است، و آن در مورد ارواح شیطانی است که بر علیه عیسی شوریدند و در مورد یکی دو نفر که تحت تاثیر ارواح شیطانی بودند!

به جای آنکه با شیطان دست به گریبان شوم، ترجیح می‌دهم به خداوند روی آورم و از او درخواست کنم که از من محافظت نماید و با شیطان نبرد کند. حتی میکائیل فرشته مقرب خدا از خدا خواست که با شیطان روبرو شود! (یهودا ۱: ۹: در حالیکه «میکائیل»، رئیس فرشتگان، وقتی با شیطان بر سر جسد موسی بحث می‌کرد، به خود اجازه نداد به او تهمت بزند و اهانت کند؛ بلکه فقط گفت: «خداوند تو را توبیخ فرماید!»).

در پایان باید به طور قطع از هرچه که با امور اسرارآمیز سرکار دارد از قبیل فالگیری، بازی‌های تخته‌ای، طالع‌بینی، جلسه احضار ارواح و واسطه‌ها دوری نماییم (تثنیه ۱۸: ۹-۱۴: وقتی وارد سرزمین موعود شدید، مواظب باشید که از آداب و رسوم نفرت‌انگیز قوم‌هایی که در آنجا زندگی می‌کنند پیروی نکنید. ۱۰ و ۱۱ مثل آنها بچه‌های خود را

شروعی تازه

روی آتش قربانگاه قربانی نکنید. هیچ یک از شما نباید به جادوگری بپردازد یا غیب‌گویی و رمالی و فالگیری کند و یا ارواح مردگان را احضار نماید. ۱۲ خداوند از تمام کسانی که دست به چنین کارها می‌زنند متنفر است. به خاطر انجام همین کارهاست که خداوند، خدای تان این قوم‌ها را ریشه کن می‌کند. ۱۳ شما باید در حضور خداوند، خدای تان پاک و بی‌عیب باشید. ۱۴ قوم‌هایی که شما سرزمین‌شان را تصرف می‌کنید به غیب‌گویان و فالگیران گوش می‌دهند، ولی خداوند، خدای تان به شما اجازه نمی‌دهد چنین کنید. - اشعیا ۸: ۱۹: وقتی مردم به شما می‌گویند که با فالگیران و جادوگرانی که زیر لب ورد می‌خوانند مشورت کنید، شما در جواب بگویید: «آیا از مردگان درباره زندگان مشورت بخواهیم؟ چرا از خدای خود مشورت نخواهیم؟». اموری که به صورت سرگرمی‌های بی‌خطر جلوه می‌کند در واقع شما را اسیر خود می‌سازد. شیطان طراح نقشه‌های بی‌رحمی است و هیچ چیزی او را متوقف نمی‌سازد. هر چیزی را که لازم است دربارخ شیطان که دشمن ماست، بدانیم در کتاب مقدس وجود دارد. خداوند می‌خواهد تنها کسی باشد که به شما حکمت دهد و راهنمایی کند.

کتاب مقدس به ایمانداران می‌گوید که در برابر شیطان مقاومت کنند، و او فرار می‌کند یعنی با عجله شما را ترک می‌گوید (یعقوب ۴: ۷: بنابراین، خود را با فروتنی به خدا بسپارید، و در برابر شیطان ایستادگی کنید تا از شما دور شود). اما اول، ما باید با فروتنی زندگی خود را تسلیم خداوند کنیم. فقط در آن صورت است که می‌توانیم در مقابل حربه‌های شیطان بایستیم، خداوند طالب تمام وجود ماست که قلب ما، فکر ما، جان ما و بدن ما تحت کنترل محبت‌های او باشد.

وقتی که ما به طور روزانه در رابطه و گفتگو با خداوند به سر می‌بریم، می‌توانیم از گزند شیطان در امان باشیم. البته همانطور که قبلاً اشاره شد، هنوز با مشکلات روبرو هستیم، و حتی احتمالاً مورد حمله این مار فریبکار قرار می‌گیریم! اما زندگی کردن به صورت دلخواه خودمان و سپس دعایی شتاب‌زده که ما را از مشکلات آزاد سازد امنیت واقعی را به ما نمی‌بخشد.

از این رو خداوند به ما اسلحه روحانی بخشیده است که به نبرد روحانی وارد شدیم. این ابزار جنگی، فوق طبیعی هستند و تنها در صورتی تاثیر می‌گذارند که به طور مرتب و با قدرت روح القدس از آنها استفاده شود. پر قدرت‌ترین اسلحه‌ای که ما در ستیز با شیطان به کار می‌بریم، کلام خداست که «شمشیر روح» نام دارد؛ و دعای روزمره.

شروعی تازه

سلاح‌های روحانی دیگری در افسسیان ۶: ۱۳-۱۸ ذکر شده‌اند (افسسیان ۶: ۱۸-۱۳: ۱۳). بنابراین، از یک یک سلاح‌های خدا به هنگام حمله دشمن‌تان، شیطان، استفاده کنید، تا بتوانید حمله‌های او را دفع نمایید و در آخر، بر پای‌های خود محکم بایستید. ۱۴ اما برای این منظور، «کمر بند محکم راستی» را به کمر ببندید و «زره عدالت خدا» را در بر نمایید. ۱۵ «کفش انجیل آرامش‌بخش» را به پا کنید تا به همه جا رفته، پیغام انجیل را به همه اعلام نمایید. ۱۶ «سپر ایمان» را نیز بردارید تا در مقابل تیرهای آتشین شیطان محفوظ بمانید. ۱۷ «کلاه خود نجات» را بر سر بگذارید و «شمشیر روح» را که همان کلام خداست، به دست گیرید. ۱۸ همیشه دعا کنید! در دعا از خدا آن چیزهایی را بخواهید که مطابق خواست روح‌القدس است. مسایل و نیازهای خود را به او بگویید، و برای همه ایمانداران با اشتیاق زیاد و جدیت دعا کنید، توجه کنید که این قسمت نمی‌گوید که بیرون بروید و بجنگید، یا سر دشمن داد بزنید، یا دشمن را پایین بیاورید. به ما دستور داده شده که محکم بایستیم. تنها اسلحه دفاعی که نام برده شده، کتاب مقدس است که می‌توانیم بخوانیم و هنگامی که مورد حمله شیطان قرار می‌گیریم درباره آیات کلام صحبت کنیم.

فکر می‌کنیم معجزه‌ای دیدم

در روزهایی که به آمدن جسمانی و قابل رویت عیسی مسیح برای دومین بار نزدیک می‌شود، مردم احساس می‌کنند که به پایان زمان نزدیک می‌شوند. آفات طبیعی و شرارت‌های بزرگتری روی می‌دهد. حتی آنان که ادعا می‌کنند پیرو مسیح هستند، او را طرد خواهند کرد. این نشانی از یک فریب گسترده و همه‌گیر دارد. مردم در جستجوی پاسخی هستند و هرگونه فکر و عقیده و شیوه‌ای که ترس و ناامنی آنها را از بین ببرد، می‌پذیرند. و این خود آخرین حمله شیطان است.

روزهای آخر، وقوع معجزات افزایش می‌یابد که ما باید درباره فعالیت‌ها و اقدامات فوق طبیعی بسیار دقت کنیم (دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰-۹: ۹). این مرد خبیث به وسیله قدرت شیطان ظهور خواهد کرد و آلت دست او خواهد بود؛ او با کارهای عجیب و حیرت‌انگیز خود همه را فریب داده، معجزات بزرگ انجام خواهد داد. ۱۰ کسانی که فریب او را می‌خورند، آنانی هستند که راه راست را رد کرده و راه جهنم را در پیش گرفته‌اند. ایشان حقیقت را دوست ندارند و آن را نمی‌پذیرند تا نجات یابند. - مکاشفه ۱۶: ۱۴: این روح‌های ناپاک که می‌توانند معجزه نیز بکنند، به سراغ تمام فرمانروایان جهان رفتند تا در آن روز

شروعی تازه

عظیم داوری خدا، آنها را به ضد خداوند وارد جنگ کند. این آیات درباره ضد مسیح صحبت می‌کنند - درباره کسی که در پایان زمان آمده و همه را در مسیر خود فریب داده و نابود می‌سازد و از شیطان قدرت می‌گیرد. اما آگاه باشید که شیطان و دستیارانش حتی حالا می‌توانند معجزه کنند.

تکرار می‌کنم، اگر معجزه‌ای می‌بینیم دلیل بر این نیست که از جانب خداست (مکاشفه ۱۹: ۲۰؛ اما جاندار خبیث با پیامبر دروغینش گرفتار آمدند و هر دو زنده زنده به دریاچه آتش که با گوگرد می‌سوزد انداخته شدند؛ بله، همان پیامبری که در حضور جاندار معجزات خیره‌کننده انجام می‌داد تا تمام کسانی را که علامت جاندار را داشتند و مجسمه‌اش را می‌پرستیدند، فریب دهد). شیطان از این شیوه‌های ساختگی استفاده می‌کند که مردم را از خدا دور سازد. در واقع، حتی خدا به او قدرت می‌دهد که کسی را از مرگ برخیزاند (مکاشفه ۱۳: ۱۵-۱۱؛ سپس، جانور عجیب دیگری دیدم که از داخل زمین بیرون آمد. این جانور دو شاخ داشت، مانند شاخ‌های بره، و صدای وحشتناکش مثل صدای اژدها بود. ۱۲ او تمام قدرت آن جانور اول را که از زخم کشنده خود خوب شده بود، به کار می‌گرفت و از تمام دنیا می‌خواست که جانور اول را بپرستند. ۱۳ او پیش چشمان همه دست به معجزات باور نکردنی می‌زد و از آسمان آتش به زمین می‌آورد! ۱۴ او در حضور جانور اول قدرت می‌یافت تا این کارهای عجیب را انجام داده، مردم دنیا را فریب دهد و ایشان را وادار سازد مجسمه بزرگی از جانور اول بسازند، همان جانوری که از زخم شمشیر جان سالم به در برده بود. ۱۵ حتی او توانست به آن مجسمه جان ببخشد تا بتواند سخن گوید، و همه کسانی که او را نمی‌پرستند، به مرگ محکوم کند). خبر بسیار خوب این است که سرانجام شیطان و ارواح شریرش برای همیشه به دریاچه گوگرد و آتش افکنده می‌شوند (مکاشفه ۲۰: ۷-۱۰؛ ۷ پس از پایان آن هزار سال، شیطان از زندان آزاد خواهد شد. ۸ او بیرون خواهد رفت تا قوم‌های جهان یعنی جوج و ماجوج را فریب داده، برای جنگ متحد سازد. آنان سپاه عظیمی را تشکیل خواهند داد که تعدادشان همچون ماسه‌های ساحل دریا بی‌شمار خواهد بود. ۹ ایشان در دشت وسیعی، خلق خدا و شهر محبوب اورشلیم را از هر سو محاصره خواهند کرد. اما آتش از آسمان، از سوی خدا خواهد بارید و همه را خواهد سوزاند. ۱۰ سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود، به دریاچه آتش افکنده خواهد شد. دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می‌سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه روز، تا به ابد، در آنجا عذاب می‌کشند). اما، با نهایت تاسف آنهایی که در

شروعی تازه

زمان حیات‌شان نجات خداوند را از طریق عیسای مسیح نپذیرند، در این دریاچه سوزان که در اصل برای تنبیه شیطان و دستیارانش بود، به شیطان می‌پیوندند (متی ۲۵: ۴۱؛ سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند، خواهم گفت: ای لعنت شده‌ها از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است).

وقتی که مُردیم دیگر نمی‌توانیم تصمیم خود را عوض کنیم که به سوی خدا یا شیطان برویم. یا این که در بهشت یا جهنم زندگی کنیم. این انتخاب فقط در زمان حیات‌مان صورت می‌گیرد. از این رو بسیار اهمیت و ضرورت دارد که مسیحیان طبق هدایت روح‌القدس، از ایمان خود با هر کس صحبت کنند. شیطان و جهنم واقعیت دارند. ما تا ابد زنده هستیم. اما باید سرنوشت ابدی خود را انتخاب کنیم. و تنها خدا، از طریق عیسای مسیح می‌تواند راه ما را هموار و مستقیم سازد تا بتوانیم پیروزی کسب کرده و برای همیشه با خداوند به سر بریم (امثال ۳: ۵-۶؛ ۵ با تمام دل خود به خداوند اعتماد کن و بر عقل خود تکیه منما. ۶ در هر کاری که انجام می‌دهی خدا را در نظر داشته باش و او در تمام کارهایت تو را موفق خواهد ساخت. - امثال ۴: ۱۰-۱۳؛ ۱۰ پسر من گوش کن و آنچه به تو می‌گویم بپذیر تا عمری طولانی داشته باشی. ۱۱ من به تو حکمت آموختم و تو را به سوی راستی هدایت نمودم. ۱۲ وقتی راه روی مانعی بر سر رهاست نخواهد بود و چون بدوی پایت نخواهد لغزید. ۱۳ آنچه را که آموخته‌ای حفظ کن و آن را از دست نده؛ آن را نگه دار، زیرا حیات توست).

با تصمیم خدمت به عیسای مسیح در تمام عمر خود، با شیطان مبارزه کنید.

فصل دهم:

تعمید

تعمید نشان ظاهری تغییرات روحانی است که در قلب ما صورت می‌گیرد پس از آن که نجات را از خداوند مسیح دریافت می‌کنیم. معمولاً پس از طی مراحل به انجام تعمید می‌رسیم. در ابتدا، به این امر آگاه می‌شویم که در مقابل خداوند گناه کرده‌ایم و به بخشش او نیازمندیم. پس از آن توبه است که به طور عمدی انتخاب می‌کنیم که از راهی که در پیش داشتیم برگردیم و به خدا روی آوریم. مرحله بعدی این است که باید تعمید بگیریم (متی ۳: ۶؛ ایشان به گناهان خود اعتراف کرده، به دست یحیی در رود اردن غسل تعمید می‌یافتند. - لوقا ۳: ۳؛ یحیی پس از دریافت پیغام خدا، رسالت خود را آغاز کرد. او در مناطق اطراف رود اردن می‌گشت و مردم را ارشاد می‌نمود و می‌گفت که توبه کنند و تعمید بگیرند تا خدا گناهان‌شان را ببامزد).

تعمید یکی از فرامین معدودی است که خداوند به پیروان خود داد و دارای اهمیت عمیق روحانی است. این «آیین، نمای عمومی توبه درونی و تمایل ما به دوست داشتن خدا است» (مرقس ۱: ۴؛ این شخص همان یحیی پیامبر بود که در بیابان زندگی می‌کرد و به مردم می‌گفت: «توبه کنید و غسل تعمید بگیرید تا به همه نشان دهید که از گناهان‌تان دست کشیده‌اید. آنگاه خدا از سر تقصیرات‌تان خواهد گذشت و شما را خواهد بخشید.»). تعمید سمبل و نماینده «مرگ»، «تدفین» و «رستاخیز» است که ما به عنوان شاگردان عیسی تجربه می‌کنیم. این مرحله ممکن است که وحشتناک به نظر برسد، اما کتاب مقدس این مرحله را به عنوان دوباره دنیا آمدن یا در عمل تولد تازه بیان می‌کند، است. به این صورت تعمید را چنین در نظر می‌آوریم که نماینده «مُردن» در زندگی کهنه یا قدیم، «فرو رفتن در آب»، و «برخاستن»، «از آب بیرون آمدن» در زندگی جدیدمان در مسیح است (رومان ۶: ۱-۱۴؛ خوب، اکنون چه باید کرد؟ آیا باید به زندگی گذشته و گناه‌آلود خود ادامه دهیم تا خدا نیز لطف و بخشش بیشتری به ما نشان دهد؟ ۲و ۳ هرگز! مگر نمی‌دانید که وقتی به مسیح ایمان آوردیم و غسل تعمید گرفتیم، جزئی از وجود پاک او شدیم و با مرگ او، طبیعت گناه‌آلود ما نیز مرد؟ پس، حال، که قدرت گناه در ما نابود شده است، چگونه می‌توانیم باز به زندگی گناه‌آلود سابق خود ادامه دهیم؟ ۴ هنگامی که مسیح مرد،

شروعی تازه

طبیعت کهنه ما هم که گناه را دوست می‌داشت، با او در آب تعمید دفن شد؛ و زمانی که خدای پدر با قدرت پر جلال خود، مسیح را به زندگی بازگرداند، ما نیز در آن زندگی تازه و عالی شریک شدیم. ۵ بنابراین، ما جزئی از وجود مسیح شده‌ایم. به عبارت دیگر، هنگامی که مسیح بر روی صلیب مرد، در واقع ما نیز با او مردیم؛ و اکنون که او پس از مرگ زنده شده است، ما نیز در زندگی تازه او شریک هستیم و مانند او پس از مرگ زنده خواهیم شد. ۶ آن خواسته‌های پیشین و ناپاک ما با مسیح بر روی صلیب می‌خکوب شد. آن قسمت از وجود ما که خواهان گناه بود، درهم شکسته شد، به طوری که بدن ما که قبلاً اسیر گناه بود، اکنون دیگر در چنگال گناه نیست و از اسارت و بردگی گناه آزاد است. ۷ زیرا وقتی نسبت به گناه می‌میریم، از کشش و قدرت آن آزاد می‌شویم؛ ۸ و از آنجا که طبیعت کهنه و گناهکار ما با مسیح مرد، می‌دانیم که باید در زندگی جدید مسیح نیز شریک باشیم. ۹ مسیح پس از مرگ زنده شد و دیگر هرگز نخواهد مرد و مرگ بر او تسلطی ندارد. ۱۰ مسیح مرد تا قدرت گناه را در هم بکوبد و اکنون تا ابد زنده است تا با خدا رابطه ابدی داشته باشد. ۱۱ به همین ترتیب، شما هم طبیعت کهنه و گناهکار خود را برای گناه مرده بدانید، اما به وسیله عیسای مسیح خود را برای خدا زنده تصور کنید. ۱۲ خلاصه دیگر اجازه ندهید که گناه بر این بدن فانی شما حکمرانی کند و به هیچ وجه تسلیم خواهش‌های گناه‌آلود نشوید. ۱۳ اجازه ندهید هیچ عضوی از بدن شما وسیله‌ای باشد برای گناه کردن، بلکه خود را کاملاً به خدا بسپارید و سراسر وجود خود را به او تقدیم کنید؛ زیرا شما از مرگ به زندگی بازگشته‌اید و باید وسیله‌ای مفید در دست خداوند باشید تا هدف‌های نیکوی او را تحقق بخشید. ۱۴ پس گناه دیگر ارباب شما نباشد، زیرا اکنون دیگر در قید شریعت نیستید تا گناه شما را اسیر خود سازد بلکه به فیض و لطف خدا از قید آن آزاد شده‌اید. - رومیان ۷: ۴: در مورد شما نیز همین امر صادق است، به این ترتیب که شریعت یهود در گذشته همچون شوهر و صاحب اختیار شما بود. اما شما همراه مسیح بر روی صلیب مردید، از اینرو از قید «ازدواج و تعلق به شریعت یهود» آزاد شده‌اید و شریعت دیگر بر شما تسلط و حکمرانی ندارد. سپس همانطور که مسیح زنده شد، شما هم زنده شدید و اکنون شخص جدیدی هستید. حال، می‌توان گفت که شما با آن کسی که از مردگان برخاست و زنده شد، «ازدواج کرده‌اید»، و از این رو می‌توانید برای خدمت خدا مفید باشید و ثمر بیاورید).

شروعی تازه

گناه و خودخواهی چنان در وجود ما آمیخته است که لازم است «آن را بکشیم» تا تازگی حیاتی را که عیسی عطا می‌کند دریافت نماییم (دوم قرن‌تیاں ۵: ۱۷: کسی که از آن مسیح می‌گردد، تبدیل به شخص جدیدی می‌شود. او دیگر آن انسان قبلی نیست؛ او زندگی کاملاً تازه‌ای را آغاز کرده است. - کولسیان ۳: ۵: پس به گناهان این دنیا نزدیک نشوید؛ هوس‌های ناپاک را که در وجودتان کمین می‌کنند، نابود سازید؛ هرگز خود را با گناهانی چون بی‌عفتی، ناپاکی، شهوترانی و هوس‌های ننگین دیگر آلوده نکنید. به چیزهای خوش ظاهر این دنیا نیز طمع نورزید، چون طمع نوعی بت‌پرستی است.). البته، هرچند که ما حیاتی جدید از خدا دریافت می‌کنیم به این معنی نیست که از این به بعد تمام انتخاب‌های ما خوب و کامل باشد! طبیعت کهنه ما - بخشی از ما که همیشه در تضاد با خداست - با ما خواهد بود تا وقتی که در ابدیت با او به سر بریم.

اما به هر حال، حیات نو امکان‌پذیر است! هنگامی که تولد تازه می‌یابیم، خداوند همان قدرتی که عیسی را از مرگ برخیزاند، - یعنی قدرت خدا که روح‌القدس است - به ما منتقل می‌نماید (اعمال ۲: ۳۸: پطرس جواب داد: «هر یک از شما باید از گناهان‌تان دست کشیده، به سوی خدا باز گردید و به نام عیسی تعمید بگیرید تا خدا گناهان‌تان را ببخشد. آنگاه خدا به شما نیز این هدیه، یعنی روح‌القدس را عطا خواهد فرمود.). ما حقیقتاً قادریم افکار جدید، احساسات، اعمال و گفتار جدید به دست آوریم زیرا به عنوان مسیحیان، حالا روح‌القدس در ما ساکن است. ما به شدت به چنین نیروئی در خود نیازمندیم، زیرا همواره با طبیعت کهنه خود، تاثیر و نفوذ دنیای خارج، و شیطان همواره در جدال هستیم. حتی عیسی قبل از آنکه در بیابان با شیطان روبرو شود، تعمید یافت (مرقس ۱: ۹-۱۳: ۹ یکی از همان روزها، عیسی از شهر ناصره، واقع در ایالت جلیل، نزد یحیی رفت و از او در رود اردن تعمید گرفت. ۱۰ هنگامی که عیسی از آب بیرون می‌آمد، دید که آسمان باز شد و روح‌القدس به شکل کبوتری فرود آمد و بر او قرار گرفت، ۱۱ و ندایی از آسمان در رسید و گفت: «تو فرزند عزیز من هستی که از تو بسیار خشنودم.» ۱۲ و ۱۳ بلافاصله پس از این رویداد، روح خدا، عیسی را به بیابان برد. در آنجا چهل روز تنها ماند. فقط حیوانات وحشی با او بودند. در این مدت شیطان او را وسوسه می‌کرد، اما فرشتگان از او مراقبت می‌نمودند.).

زمانی که توسط تعمید با عیسی متحد می‌شویم، به تدریج نیرویی در خود می‌یابیم و علاقه‌مند می‌شویم که خدا را بر علیه شیطان برگزیده، اطاعت را در مقابل شورش کردن، و

شروعی تازه

حیات روحانی را بر مرگ در روح انتخاب نماییم (غلاطیان ۳: ۲۷: همه ما که تعمید گرفته‌ایم، جزئی از وجود مسیح شده‌ایم و مسیح را پوشیده‌ایم). آگاهی عمیق‌تری کسب می‌نماییم، قدرت بیشتری برای نبرد با گناه احساس می‌کنیم، و حکمت و نیرویی به دست می‌آوریم که شیوه زندگی کهنه را کنار بگذاریم. حتی قادر خواهیم بود که بر ترس از مرگ غلبه نماییم (عبرانیان ۲: ۱۵-۱۰: ۱۰ و این درست و به جا بود که خدا، همان خدایی که همه چیز را برای جلال خود آفرید، اجازه دهد که عیسی عذاب ببیند، زیرا با این کار، بسیاری از فرزندان خدا را به سوی جلال آسمان هدایت می‌نماید. در واقع، عذابی که عیسی کشید، باعث شد او پیشوایی کامل گردد، پیشوایی که می‌تواند ایشان را به سوی نجات رهبری نماید. ۱۱ حال که ما به وسیله عیسی، مقدس شده‌ایم، پدر او، پدر ما نیز محسوب می‌شود. به همین علت، عیسی عار ندارد که ما را برادران خود بخواند؛ ۱۲ چنانکه در کتاب زبور نیز فرموده است: «درباره پدرم خدا، با برادرانم سخن خواهیم گفت، و همگی با هم او را حمد و سپاس خواهیم گفت.» ۱۳ در جای دیگر نیز فرموده است: «من با برادران خود، بر خدا توکل خواهم نمود.» همچنین در جای دیگر گفته است: «ببینید، این من و این هم فرزندانیکه خدا به ما عطا فرموده است.» ۱۴ از آنجا که این فرزندان خدا، انسان هستند و دارای گوشت و خون می‌باشند، او نیز گوشت و خون شد و به شکل انسان درآمد؛ زیرا فقط با انسان شدن می‌توانست جان‌ش را در راه ما فدا کند و بمیرد، و با مرگ خود، قدرت شیطان را نابود سازد، شیطانی که صاحب اختیار مرگ بود. ۱۵ تنها از این راه بود که می‌توانست آنانی را که در تمام عمرشان در وحشت مرگ به سر می‌بردند و اسیر ترس بودند، رهایی بخشد).

علاوه بر آن، ما «شریک میراث» عیسی می‌شویم. یعنی هر آنچه خدا به عیسی وعده داده است به ما نیز تعلق می‌گیرد (غلاطیان ۳: ۲۶-۲۹: ۲۶ زیرا همگی ما در اثر ایمان به عیسای مسیح فرزندان خدا می‌باشیم؛ ۲۷ و همه ما که تعمید گرفته‌ایم، جزئی از وجود مسیح شده‌ایم و مسیح را پوشیده‌ایم. ۲۸ دیگر فرقی نمی‌کند که یهودی باشیم یا غیر یهودی، غلام باشیم یا آزاد، مرد باشیم یا زن؛ زیرا همه ما مسیحیان در عیسای مسیح یکی هستیم؛ ۲۹ و اکنون که از آن مسیح شده‌ایم، فرزندان واقعی ابراهیم می‌باشیم و در نتیجه، تمام وعده‌هایی که خدا به ابراهیم داد، به ما نیز تعلق می‌گیرد). امید جدیدی به دل‌مان راه می‌یابد، زیرا اکنون قادریم که حیات ارزشمندی را روی زمین داشته باشیم. زمانی که ما توسط تعمید با مسیح «مصلوب شده، دفن شدیم و قیام کردیم» هم چنین

شروعی تازه

امید به آینده را به دست آوردیم که با دریافت بدن‌های رستاخیز شده، پس از مرگ تا ابد با مسیح زنده خواهیم بود (رومیان ۶: ۵-۷: ۵ بنابراین، ما جزئی از وجود مسیح شده‌ایم. به عبارت دیگر، هنگامی که مسیح بر روی صلیب مرد، در واقع ما نیز با او مردیم؛ و اکنون که او پس از مرگ زنده شده است، ما نیز در زندگی تازه او شریک هستیم و مانند او پس از مرگ زنده خواهیم شد. ۶ آن خواسته‌های پیشین و ناپاک ما با مسیح بر روی صلیب میخکوب شد. آن قسمت از وجود ما که خواهان گناه بود، درهم شکسته شد، به طوری که بدن ما که قبلاً اسیر گناه بود، اکنون دیگر در چنگال گناه نیست و از اسارت و بردگی گناه آزاد است. ۷ زیرا وقتی نسبت به گناه می‌میریم، از کشش و قدرت آن آزاد می‌شویم. - اول تسالونیکیان ۵: ۱۰: او جان خود را فدا کرد تا ما بتوانیم تا ابد با او زندگی کنیم، خواه به هنگام بازگشت او زنده باشیم، خواه نباشیم).

ما خانواده هستیم

کتاب مقدس می‌گوید زمانی که ما عیسی را به قلب خود دعوت می‌کنیم و تعمید می‌باییم، فرزندان حقیقی خداوند می‌شویم که با مسیح و کلیسایش وصل شده، متحد هستند و شناسایی می‌شوند. تعمید به خانواده جدید ما که عیسی را دوست دارند، اعلام می‌کند که ما می‌خواهیم زندگی ما با زندگی آنها متحد شود (اول قرنتیان ۱۲: ۱۳: هر یک از ما عضوی از بدن مسیح می‌باشیم. بعضی از ما یهودی هستیم و بعضی غیر یهودی؛ بعضی غلام هستیم و بعضی آزاد. اما روح القدس همه ما را کنار هم قرار داده و به صورت یک بدن درآورده است. در واقع ما به وسیله یک روح، یعنی روح القدس، در بدن مسیح تعمید گرفته‌ایم و خدا به همه ما، از همان روح عطا کرده است. - افسسیان ۴: ۱-۶: ۱ من که به سبب خدمت خداوند اینجا در زندان به سر می‌برم، از شما التماس می‌کنم طوری زندگی و رفتار کنید که شایسته مقام‌تان باشد، مقامی که خدا به شما عطا کرده است. ۲ فروتن و مهربان باشید. نسبت به یکدیگر بردبار باشید و به سبب محبتی که به هم دارید، از خطاها و اشتباهات یکدیگر چشم‌پوشی نمایید. ۳ سعی کنید همواره متفقاً از روح خدا هدایت شوید، تا بتوانید همیشه با هم در صلح و صفا باشید. ۴ ما همه، اعضای یک بدنیم و در همگی ما یک «روح» ساکن است، یعنی روح القدس؛ و همه ما برای رسیدن به یک امید دعوت شده‌ایم، یعنی به آن جلالی که خدا برای ما تدارک دیده است. ۵ برای ما فقط یک خداوند، یک ایمان و یک تعمید وجود دارد. ۶ همه ما یک خدا داریم که پدر همه ما و بالاتر از همه ما و در همه ماست و در تمام ذرات وجود ما زندگی می‌کند).

شروعی تازه

کلمه «اتحاد» در یونانی به معنی «به هم پیوستن»، «کلیو»، «چسبیدن به»، (عملاً با چسب به هم چسباندن)، «پیوستن به» یا «صمیمانه متصل شدن در یک دوستی روحانی». حالا کلیسا خانواده حقیقی ماست زیرا پیوند روحانی حتی بسیار عمیق‌تر از یک پیوند خونی است. به این دلیل ما می‌توانیم مسیحی دیگری را از قومی، قبیله‌ای یا با هر زبانی ملاقات نماییم و با آنها احساس نزدیکی و ارتباط داشته باشیم.

در واقع، عیسی می‌گوید تنها مردمی که طبق اراده پدر رفتار می‌کنند فرزندان قانونی و رسمی او هستند. به این معنی است که ما ابدیت را با خانواده دنیوی خود به سر نخواهیم برد مگر آنکه آنها توبه کرده و زندگی خود را به عیسی تقدیم کنند (اول قرنتیان ۱۲: ۱۳). هر یک از ما عضوی از بدن مسیح می‌باشیم. بعضی از ما یهودی هستیم و بعضی غیر یهودی؛ بعضی غلام هستیم و بعضی آزاد. اما روح‌القدس همه ما را کنار هم قرار داده و به صورت یک بدن درآورده است. در واقع ما به وسیله یک روح، یعنی روح‌القدس، در بدن مسیح تعمید گرفته‌ایم و خدا به همه ما، از همان روح عطا کرده است. - افسسیان ۴: ۶-۱:

۱ من که به سبب خدمت خداوند اینجا در زندان به سر می‌برم، از شما التماس می‌کنم طوری زندگی و رفتار کنید که شایسته مقام‌تان باشد، مقامی که خدا به شما عطا کرده است. ۲ فروتن و مهربان باشید. نسبت به یکدیگر بردبار باشید و به سبب محبتی که به هم دارید، از خطاها و اشتباهات یکدیگر چشم‌پوشی نمایید. ۳ سعی کنید همواره متفقاً از روح خدا هدایت شوید، تا بتوانید همیشه با هم در صلح و صفا باشید. ۴ ما همه، اعضای یک بدنیم و در همگی ما یک «روح» ساکن است، یعنی روح‌القدس؛ و همه ما برای رسیدن به یک امید دعوت شده‌ایم، یعنی به آن جلالی که خدا برای ما تدارک دیده است. ۵ برای ما فقط یک خداوند، یک ایمان و یک تعمید وجود دارد. ۶ همه ما یک خدا داریم که پدر همه ما و بالاتر از همه ما و در همه ماست و در تمام ذرات وجود ما زندگی می‌کند. متی ۱۲: ۵۰-۴۷ و ۴۶ در همان حال که عیسی در آن خانه این سخنان را برای مردم بیان می‌کرد، مادر و برادرانش بیرون منتظر او ایستاده بودند. پس، یک نفر برای عیسی پیام آورد و گفت: «مادر و برادرانت بیرون، منتظر تو می‌باشند.» ۴۸ عیسی گفت: «مادر من کیست؟ برادرانم کیستند؟» ۴۹ سپس به شاگردانش اشاره کرد و گفت: «اینها هستند مادر و برادران من. ۵۰ هر که از پدر آسمانی من اطاعت کند، برادر، خواهر و مادر من است.»). به عبارت دیگر، واقعیت روحانی بر واقعیت جسمانی غلبه می‌کند و تنها خانواده‌ای که در ابدیت در حضور خدا با آنها به سر می‌بریم، کسانی هستند که شاگردان

شروعی تازه

واقعی مسیح هستند (اول تسالونیکیان ۴: ۱۸-۱۳: ۱۳ و اینک برادران عزیز، می‌خواهم که شما از وضعیت ایماندارانی که می‌میرند آگاه باشید، تا وقتی کسی از شما فوت می‌کند، شما نیز مانند آنانی که امیدی به عالم آینده ندارند، در غم و غصه فرو نروید. ۱۴ زیرا ما که ایمان داریم عیسی مرد و پس از مرگ زنده شد، باید یقین داشته باشیم که به هنگام بازگشت او، خدا تمام مسیحیانی را که مرده‌اند، همراه وی به این جهان باز خواهد آورد. ۱۵ این را من از جانب خداوند می‌گویم: ما که هنگام بازگشت مسیح خداوند زنده باشیم، زودتر از مردگان به آسمان خواهیم رفت. ۱۶ زیرا صدای فرمان الهی و آوای تکان‌دهنده رئیس فرشتگان و نوای شیپور خدا شنیده خواهد شد و ناگاه خود خداوند از آسمان به زمین خواهد آمد. آنگاه پیش از همه، مسیحیانی که مرده‌اند زنده خواهند شد تا خداوند را ملاقات کنند. ۱۷ سپس، ما که هنوز زنده‌ایم و روی زمین باقی هستیم، همراه ایشان در ابرها ربوده خواهیم شد تا همگی، خداوند را در هوا ملاقات کنیم و تا ابد با او باشیم. ۱۸ پس با این سخنان، یکدیگر را تشویق کنید و تسلی دهید). امید است که این امر شما را تشویق نماید تا برای خانواده نجات نیافته خود دعا کنید و درباره عیسی با آنها گفتگو کنید.

آب یا آب پاشیدن؟

کلمه اصلی یونانی برای تعمید دادن «بپتیزو» که واقعا به معنی «تماما پر شدن»، «کاملا خیس شدن» یا «با آب یا مایع کاملا پوشاندن» است. یحیای تعمیددهنده اغلب اوقات مردم را در رود اردن و یا جایی که آب فراوان بود تعمید می‌داد (یوحنا ۳: ۲۳: یحیی در این هنگام نزدیک سالیم در محلی به اسم عینون مردم را غسل تعمید می‌داد، چون در آنجا آب زیاد بود و مردم برای تعمید نزد وی می‌آمدند). هنگامی که، نمونه عالی ما عیسی تعمید گرفت، طبق روایت کتاب مقدس «او از آب بیرون آمد» یعنی او تماما در آب فرو رفت (متی ۳: ۱۶-۱۷: ۱۶ پس از تعمید، در همان لحظه که عیسی از آب بیرون می‌آمد، آسمان باز شد و یحیی روح خدا را دید که به شکل کبوتری پایین آمد و بر عیسی قرار گرفت. ۱۷ آنگاه ندایی از آسمان در رسید که «این فرزند عزیز من است که از او خشنودم.» توجه کنید که خدا در این واقعه کاملا از پسرش خشنود بود.

بعضی ایمانداران عقیده دارند که پاشیدن آب روی یک شخص یا فروکردن آنها در آب تعمید دادن است. اما اگر چنین بود، یحیای تعمیددهنده می‌توانست هر جایی تعمید دهد.

شروعی تازه

در حقیقت، کلمه یونانی برای پاشیدن، با آنچه که برای تعمید دادن به کار می‌رود کاملاً تفاوت دارد. کلمه «رهانتیسموس» است که در عهد عتیق، پاشیدن خون را بر جایگاه عبادت توصیف می‌کند (عبرانیان ۹: ۲۲-۱۸: ۱۸ به همین دلیل، حتی پیش از آنکه پیمان قدیم به مرحله اجرا درآید، به نشان جانبازی مسیح، خون پاشیده شد. ۱۹ به این ترتیب که موسی ابتدا تمام احکام خدا را به قوم اسرائیل اعلام کرد؛ سپس خون گوساله‌ها و بزها را گرفت و با آب و گیاه زوفا و پشم قرمز، بر کتاب تورات و بر سر مردم پاشید، ۲۰ و گفت: «این خون، نشان آن عهد و پیمانی است که خدا عطا کرده و می‌خواهد از آن اطاعت نمایید.» ۲۱ سپس به همان صورت، بر خیمه مقدس و تمام وسایلی که در مراسم عبادت به کار می‌رفت، خون پاشید. ۲۲ در واقع می‌توان گفت که مطابق پیمان اول، تقریباً همه چیز به وسیله خون پاک می‌گردد و بدون ریختن خون، هیچ گناهی بخشیده نمی‌شود.) (کتاب عبرانیان در اصل به زبان یونانی است، اما اغلب به عهد عتیق اشاره دارد). در هر حال، «پاشیدن خون یا سیستم قربانی حیوانات» با مصلوب شدن مسیح و دادن خون خود برای پاک شدن و بخشش از گناهان قوم خویش، منسوخ شد (عبرانیان ۱۰: ۱۱-۱۱: ۱۱ مطابق شریعت و روش سابق، کاهنان هر روز در مقابل قربانگاه می‌ایستند و قربانی‌هایی تقدیم می‌کنند که هرگز نمی‌توانند گناهان را برطرف نمایند. ۱۲ اما مسیح خود را فقط یک بار به عنوان قربانی به خدا تقدیم کرد تا گناهان را بیامرزد؛ و پس از آن، در بالاترین مکان عزت و افتخار، به دست راست خدا نشست، ۱۳ و منتظر است تا دشمنانش به زیر پای‌های او افکنده شوند. ۱۴ او با یک قربانی، همه آنانی را که از گناهان‌شان پاک می‌شوند، تا ابد کامل می‌گرداند. ۱۵ روح‌القدس نیز این را تصدیق کرده، می‌فرماید: ۱۶ «اینست آن پیمان جدیدی که در آن روز با خاندان اسرائیل خواهیم بست: احکام خود را در فکر ایشان خواهیم نهاد و در دل ایشان خواهیم نوشت، تا بی آنکه سخنی گفته باشم، بدانند از ایشان چه می‌خواهم، و از من اطاعت کنند.» ۱۷ سپس اضافه کرده، می‌فرماید: «خطایای ایشان را خواهیم بخشید و گناهان‌شان را دیگر به یاد نخواهم آورد.» ۱۸ پس حال که گناهان ما به طور دائمی بخشیده و فراموش شده است، دیگر چه نیازی است که برای آمرزش گناهان، بار دیگر قربانی تقدیم کنیم؟).

در پایان، بعضی عقیده دارند که نوزادان را تعمید دهند (پاشیدن آب). باز هم هیچگونه گزارشی در کتاب مقدس درباره تعمید نوزادان دیده نمی‌شود. نوزادان و کودکان را می‌توان در حضور مردم در کلیسا به خداوند «تقدیم» کرد. دلیل آنکه نوزادان و کودکان در چنین

شروعی تازه

سنى تعميد نمى‌يابند اين است كه كتاب مقدس اعلام مى‌دارد كه ما بايد پيش از تعميد يافتن، توبه كرده و به ايمان خود به مسيح اعتراف كنيم.

اين امر نشان‌دهنده اين است كه براى تعميد بايد به سطح مشخصى از آگاهى رسيده باشيم كه آن را «سن شناخت و مسئوليت» مى‌نامند كه معمولاً حدود ۸ تا ۱۰ سالگى اتفاق مى‌افتد و بستگى به رشد فكرى هر كودك دارد. به طور يقين نوزادان با طبيعى گناه‌آلود متولد مى‌شوند، اما مى‌توانند تصميم به اطاعت بگيرند. نوزادان قادر به كنترل خود از انجام گناه و يا توبه نيستند تا زمانى كه بزرگتر شوند. از اين رو تعميد نوزادان در كتاب مقدس يافت نمى‌شود.

من مى‌دانم كه بسيارى از مردم كه زمان نوزادى با پاشيدن آب تعميد يافته‌اند، يا به علت بيمارى قادر نبودند كه در آب فرو روند، تعميد را در قلب‌شان پذيرفته‌اند. اين افراد وقتى به سن تشخيص و بلوغ مى‌رسند با شركت در كلاس‌هاى فراگيرى عقايد دينى و تأييد ايمان (confirmation classes)، تعميد خود را نيز تأييد مى‌نمايند. من در اين باره قصد بحث و مجادله ندارم. بلكه فقط درباره آنچه كه در كتاب مقدس در مورد تعميد يافتن ذكر شده است، يادآورى مى‌كنم.

اطاعت نشانه محبت است

هنگامى كه از دستورات خداوند در مورد تعميد اطاعت مى‌كنيم، محبت خود را نسبت به او نشان مى‌دهيم. اطاعت كردن نوعى «بله» گفتن است به عيسى، كه بيشتر مانند «بله» گفتن عروس به شوهر آينده‌اش مى‌باشد. اين به عيسى مى‌گويد كه ما كاملاً به او تعلق داريم و مى‌خواهيم از زندگى گذشته خود دست برداريم و هويت جديد خود را در خدا در آغوش گيريم. وقتى كه از خدا اطاعت مى‌كنيم هميشه بركت مى‌يابيم.

عيسى مى‌گويد: صليب خود را بردار و به دنبال من بيا (لوقا ۹: ۲۳-۲۴). سپس به همه فرمود: «هر كه مى‌خواهد مرا پيروي كند، بايد از خواسته‌ها و آسايش خود چشم پيوشد و هر روز، زحمات و سختى‌ها را همچون صليب بر دوش بكشد و به دنبال من بيايد. ۲۴ هر كه در راه من جانفش را از دست بدهد، حيات جاودان را خواهد يافت، اما هر كه بكوشد جانفش را حفظ كند، حيات جاودان را از دست خواهد داد». او مى‌خواهد كه ما كاملاً تسليم او باشيم - (او را با تمام قلب، فكر، جان و نيروى خود دوست بداريم) (تثنيه ۶: ۹-۴: ۴) بنى اسرائيل گوش كنيد: تنها خدايى كه وجود دارد، خداوند ماست. ۵ شما بايد او را با تمامى دل و جان و توانايى خود دوست بداريد. ۶ اين قوانينى كه امروز به شما مى‌دهم

شروعی تازه

باید دایم در فکرتان باشد. ۷ آنها را به فرزندان خود بیاموزید و همیشه درباره آنها صحبت کنید خواه در خانه باشید خواه در بیرون، خواه هنگام خواب باشد خواه اول صبح. ۸ آنها را روی انگشت و پیشانی خود ببندید؛ ۹ آنها را بر سر در منازل خود و بر دروازه‌های‌تان بنویسید. - متی ۲۲: ۳۷-۴۰ عیسی جواب داد: «خداوند را که خدای توست، با تمام قلب و جان و عقل خود دوست داشته باش. ۳۸ و ۳۹ این اولین و مهم‌ترین دستور خداست. دومین دستور مهم نیز مانند اولی است: همسایه خود را دوست بدار، به همان اندازه که خود را دوست می‌داری. ۴۰ تمام احکام خدا و گفتار انبیاء در این دو حکم خلاصه می‌شود و اگر شما این دو را انجام دهید، در واقع همه را انجام داده‌اید.» وقتی که ما صرف نظر از نتایج و پیامدها، انتخاب می‌کنیم که او را دوست بداریم و از او اطاعت کنیم، او خشنود می‌شود.

تعمید راه نیکوی دیگری است
که تعهد ما را به عیسی نشان می‌دهد

فصل یازدهم:

ده یک

احتمالا پول مشکل ترین موضوعی است که می توان درباره اش صحبت کرد. پول بیشتر از تقریبا هر چیز دیگری در زندگی موجب اضطراب می شود. مسئله مالی عملا در رأس لیست اختلافات مردم قرار دارد و روابط بیشماری را نابود کرده است. بنابراین به طور طبیعی هنگامی که خدا از ما می خواهد که هدیه ای بدهیم - به معنی بخشی از درآمد حاصل از کار خود را به او برگردانیم - با بهانه های مختلفی از خود دفاع می کنیم! چرا پول چنین عواطف عمیقی را در ما به جوش می آورد.

عیسی در کتاب مقدس تقریبا بیشتر از هر چیز دیگری، درباره پول صحبت کرد. عیسی می دانست که ما در مورد تقسیم کردن، دادن، خرج کردن، و بخشیدن پول مان برای او و دیگران که بیشتر از ما نیازمند هستند، اوقات سختی خواهیم داشت. برای این است که پول نماینده خون، عرق و اشک و کار و زحمت ماست. در حقیقت پول نمایانگری عمری است که ما صرف کرده ایم تا برای زندگی خود تأمیننی فراهم کنیم.

پول سبب راحتی و آسایش ما می شود و نوعی احساس امنیت به ما می بخشد. اما می تواند به راه نادرست به کار رفته و بیش از اندازه مورد توجه قرار گیرد. هر زمان که ما اجازه دهیم که ارزش خودمان به دارائی ما سنجیده شود، به خطر می افتیم، زیرا پول غیر قابل پیش بینی است. می توانیم ثروت خود را در اثر بیماری، آسیب یا صدمه یا بلای ناگهانی در یک لحظه از دست بدهیم.

دقیقا به همین دلیل خداوند می خواهد که بخشی از دارائی خود را به او بدهیم. او می - خواهد آرامش و امنیت ما شود زیرا می داند که او تنها کسی است که در این دنیا پایدار است. همه چیز به غیر از خدا تغییر می کند و از همه مهم تر، او مایل است تنها کسی باشد که ارزش واقعی را به زندگی ما انتقال می دهد.

ده یک چیست؟

کلمه ده یک یعنی «یک دهم». این یک دستور است بر طبق کلام خدا که در اوایل عهد عتیق آغاز شد (پیدایش ۲۸: ۲۲) و این ستون که به عنوان یاد بود بر پا کردم، مکانی خواهد بود برای عبادت تو و ده یک هر چه را که به من بدهی به تو باز خواهم داد).

شروعی تازه

خداوند، خودش ده یک را پایه‌گذاری کرد که قومش بتوانند سپاسگزاری خود را نسبت به آنچه که برای آنها کرده است، نشان دهند (اعداد ۱۸: ۲۹-۲۵: ۲۶ و ۲۵ همچنین خداوند به موسی فرمود به لاوی‌ها بگوید: «یک دهم عشریه‌هایی را که از بنی اسرائیل دریافت می‌کنید به صورت هدیه مخصوص به خداوند تقدیم کنید. ۲۷ خداوند، این هدیه مخصوص را به عنوان هدیه نویر محصولات غله و شراب شما، منظور خواهد نمود. ۲۸ و ۲۹ این یک دهم عشریه‌ها که به عنوان سهم خداوند تقدیم می‌شود باید از بهترین قسمت عشریه‌ها باشد. آن را به هارون کاهن بدهید). و قوم اسرائیل بایستی بخشی از آنچه که خدا به آنها داده بود به او برگردانند تا بدانند که خودکفا نیستند.

دادن یک دهم از کار و محصول‌شان به خداوند، راهی بود که مردم را از غرور و خودخواهی باز می‌داشت. به آنها می‌آموخت که به خدا احترام بگذارند زیرا عملاً خدا مالک زمین و آسمان است و بنابراین، او شایسته احترام است (تثنیه ۱۴: ۲۳-۲۲: ۲۲ از تمامی محصولاتان هر ساله باید یک دهم را کنار بگذارید. ۲۳ این عشریه را بیاورید تا در محلی که خداوند، خدای‌تان به عنوان عبادتگاه خود انتخاب خواهد کرد در حضورش بخورید. این شامل عشریه‌های غله، شراب تازه، روغن زیتون و نخست‌زاده گله‌ها و رمه‌های‌تان می‌باشد. منظور از این کار این است که بیاموزید همیشه خداوند را در زندگی خود احترام کنید. - لاویان ۲۷: ۳۰: ده یک محصول زمین، چه از غله و چه از میوه، از آن خداوند است و مقدس می‌باشد).

به همین طریق، امروزه دادن ده یک به ما برکت می‌دهد. حقیقت این است که خدا به پول ما نیازی ندارد! اما وقتی که ما با علاقمندی آنچه را که محکم در دست داریم و پنهان می‌کنیم، به او برگردانیم، کنترل شدید خود را در زمینه اموال‌مان کاهش می‌دهیم. هنگامی که ده یک را می‌پردازیم، در اصل اعتراف می‌کنیم که هر چه داریم از جانب خداست، و به آنچه برای ما فراهم می‌کند اعتماد داریم و می‌دانیم که او شایسته بهترین «محصول» کار و زندگی ماست.

اما من نمی‌خواهم این کار را بکنم!

من با کسانی که به کلیسا می‌آیند، کتاب مقدس می‌خوانند و دعا می‌کنند اما حاضر نیستند ده یک را بپردازند، صحبت کرده‌ام. طرز فکر و برخورد واقعی که در پشت این شورش بر علیه خدا قرار دارد، غرور، ترس و یا طمع است. عده‌ای می‌گویند که ما به اندازه کفایت برای زندگی خود نداریم، چطور می‌توانیم پولی به خدا بدهیم؟ و اظهار می‌دارند: من به

شروعی تازه

سختی این پول را ساختم و بدون شک حاضر نیستم که آن را به فقرا و یا به کلیسا بدهم! یا ممکن است بگویند: ده یک رسمی قدیمی و از عهد عتیق است و هیچ ارتباطی به شرایط زندگی امروزی ما ندارد».

در هر حال، این‌ها بهانه‌هایی است که مردم می‌توانند از آنچه خدا مقرر داشته است اجتناب کنند. کتاب مقدس به روشنی توضیح می‌دهد که نتایج اطاعت و نافرمانی از خدا چیست. از انتخاب خود یا نتیجه مثبت می‌گیریم و یا منفی. اشتباه نکنید - خدا درباره اشخاص طمع‌کار بسیار گفته است (افسیسیان ۵: ۵؛ این حقیقت چون روز روشن است که ملکوت خدا و مسیح، جای اشخاص بی‌عفت، ناپاک و طمعکار نیست؛ بلی، کسی که به مال و ناموس دیگران طمع دارد، بت پرست است، زیرا مال این دنیا را بیشتر از خدا دوست دارد و می‌پرستد. - کولسیان ۳: ۵؛ پس به گناهان این دنیا نزدیک نشوید؛ هوس‌های ناپاک را که در وجودتان کمین می‌کنند، نابود سازید؛ هرگز خود را با گناهانی چون بی‌عفتی، ناپاکی، شهوترانی و هوس‌های ننگین دیگر آلوده نکنید. به چیزهای خوش ظاهر این دنیا نیز طمع نورزید، چون طمع نوعی بت پرستی است. - دوم تیموتائوس ۳: ۵-۱؛ این را نیز باید بدانی که در زمان‌های آخر، مسیحی بودن بسیار دشوار خواهد بود ۲ زیرا مردم، خودپرست، پول دوست، مغرور و متکبر خواهند بود؛ و خدا را مسخره کرده، نسبت به والدین نامطیع و ناسپاس خواهند شد و دست به هر عمل زشتی خواهند زد. ۳ مردم، سنگدل و بی‌رحم، تهمت‌زن، ناپرهیزگار، خشن و متنفر از خوبی خواهند بود، و کسانی را که می‌خواهند زندگی پاکی داشته باشند، به باد تمسخر خواهند گرفت؛ ۴ در آن زمان، خیانت در دوستی امری عادی به نظر خواهد آمد؛ انسان‌ها خود رأی، تندخو و مغرور خواهند بود، و عیش و عشرت را بیشتر از خدا دوست خواهند داشت؛ ۵ به ظاهر افرادی مومن، اما در باطن بی‌ایمان خواهند بود. فریب اینگونه اشخاص خوش ظاهر را نخور). در واقع در کلام خدا حرص و طمع هم‌ردیف قتل و جنایت و نفرت آمده است (رومیان ۱: ۳۲-۲۹؛ زندگی آنان پر است از هر نوع شرارت و بدی، طمع و نفرت و حسادت، قتل و جدال، دروغ و کینه و سخن‌چینی. ۳۰ غیبت از زبان‌شان دور نمی‌شود. ایشان دشمنان خدا هستند. با غرور و گستاخی، خودستایی می‌کنند. همیشه به دنبال راه‌های تازه می‌گردند تا بیشتر گناه ورزند. هرگز مطیع والدین خود نمی‌شوند. ۳۱ بی‌احساسند و بدقول و بی‌عاطفه و بی‌رحم. ۳۲ با اینکه می‌دانند خدا برای چنین اعمالی، مجازات مرگ

شروعی تازه

تعیین کرده است، نه فقط خودشان مرتکب آنها می‌گردند، بلکه دیگران را نیز به انجام این کارها تشویق می‌کنند).

علاوه بر آن، افرادی که حاضر نیستند ده یک را بپردازند، پی نمی‌برند که چه خوشی و آزادی در پرداختن آنچه که متعلق به خداوند و شایسته اوست، وجود دارد. بیشتر ترس ما از هدر دادن دارائی‌هایمان و یا از دست دادن پول‌مان کاهش می‌یابد اگر به امور اقتصادی خود طبق دستور خداوند رسیدگی کنیم.

ده یک و هدایا

عیسی خود به ما می‌گوید که ده یک را بپردازیم (متی ۲۳: ۲۳). وای به حال شما ای علمای دینی و فریسیان ریاکار! شما حتی ده یک محصول نعنای و شوید و زیره باغچه‌تان را زکات می‌دهید، اما از طرف دیگر مهم‌ترین احکام خدا را که نیکویی، گذشت و صداقت است فراموش کرده‌اید. شما باید ده یک را بدهید، ولی احکام مهم‌تر خدا را نیز فراموش نکنید). تنها تفاوت بین عهد قدیم و جدید در مورد ده یک این است که بخشیدن آنقدر درباره «یک دهم» پول‌مان نیست، بلکه درباره «بخشی» از آن است. اگر زیاد دارید، زیاد بپردازید و اگر کم دارید، مطابق توانایی خود بپردازید (دوم قرنتیان ۸: ۱۵-۱: ۱). حال ای ایمانداران، می‌خواهم شما را آگاه سازم که فیض و لطفی که خدا به کلیساهای مقدونیه عطا فرموده، چه ثمرات خوبی به بار آورده است. ۲ ایمانداران مقدونیه با اینکه دچار زحمات شدیدی شده‌اند، همواره شادند؛ و با اینکه در نهایت تنگدستی به سر می‌برند، بسیار سخاوتمند و گشاده‌دست هستند. ۳ من خود شاهد هستم که کمک‌های ایشان، بیش از حد توانایی‌شان بود. آنان با تمایل و رضایت کامل، ۴ از ما خواستند که کمک‌های مالی‌شان را برای مسیحیان اورشلیم ببریم، تا در شادی کمک به ایمانداران شریک شوند. ۵ کاری که آنان انجام دادند، بیش از انتظار ما بود. ایشان در ابتدا قول دادند که خواست خداوند را به جا آورند، و سپس اعلام آمادگی کردند که هر خدمتی از آنان بخواهیم، انجام دهند. ۶ به این سبب از تیتوس خواش کردیم که باز به دیدن شما بیاید تا تشویق‌تان کند که شما نیز سهمی در این خدمت نیکوکارانه به عهده بگیرید، چون او خود قبلاً این کار را در میان شما آغاز کرده بود. ۷ شما در بسیاری از مسایل، از دیگران جلوترید: ایمان‌تان بیشتر است، سخنرانان بیشتری دارید، معلومات‌تان عمیق‌تر است، اشتیاق‌تان برای خدمت بیشتر است و نسبت به ما نیز محبت زیادی دارید. پس می‌خواهم در این خدمت نیکوکارانه یعنی هدیه دادن نیز، از دیگران جلوتر باشید. ۸ این یک دستور نیست

شروعی تازه

و نمی‌گوییم که حتماً این کار را بکنید. بلکه اشتیاق کلیساهای دیگر را نمونه می‌آورم، تا شما نیز بتوانید نشان دهید که محبت‌تان واقعی است و فقط حرف نیست. ۹ زیرا خود می‌دانید که خداوند ما عیسای مسیح چقدر بخشنده و مهربان است؛ او با اینکه در آن مقام آسمانی‌اش ثروتمند بود، برای کمک به شما به این جهان آمد و فقیر شد، تا با فقر خود شما را ثروتمند سازد. ۱۰ پس حال نظر من اینست که کاری را که سال گذشته آغاز کردید، اکنون به پایان برسانید. زیرا شما نه فقط نخستین کسانی بودید که موضوع کمک به دیگران را مطرح نمودید، بلکه پیشقدم شدید و آن را نیز عملی کردید. ۱۱ پس با همان شور و شوقی که این خدمت را شروع کردید، آن را تکمیل کنید، و از آنچه دارید تا آنجا که می‌توانید کمک کنید. کاری را که در ابتدا با اشتیاق فراوان پیشنهاد کردید، اکنون به مرحله عمل درآورید. ۱۲ مقدار کمک مهم نیست، بلکه علاقه و توجه شما به این امر برای خدا اهمیت دارد. درضمن، او انتظار ندارد که شما بیش از توانایی خود هدیه بدهید، بلکه تا آن حد که می‌توانید. ۱۳ البته منظورم این نیست که دیگران به قیمت ناراحتی و زحمت شما، در رفاه باشند! ۱۴ بلکه به گونه‌ای به یکدیگر کمک کنید که همه به یک اندازه و یکسان داشته باشید. در حال حاضر شما اضافی دارید؛ بنابراین، می‌توانید به ایشان کمک کنید. در آینده نیز اگر شما احتیاج داشته باشید، آنان نیاز شما را برآورده خواهند کرد. به این ترتیب، هر کس به اندازه احتیاج خود خواهد داشت. ۱۵ به یاد آورید کلام خدا را که در این باره می‌فرماید: «آن که زیاد جمع کرد، زیادی نداشت، و آن که کم جمع کرد، کمبود نداشت.» پس شما نیز باید شریک نیازهای دیگران بشوید. می‌توانید به طور هفتگی یا ماهانه ده یک را بپردازید.

گذشته از آن، دادن ده یک تنها امری طبق کتاب مقدس نیست، بلکه کاری است بسیار منطقی. کلیسا و کارکنان کلیسا برای اداره امور کلیسا نیاز به پول دارند. علاوه بر آن، این طرح خداوند است که قوم او برای کسانی که برای پادشاهی خداوند خدمت می‌کنند از نظر مالی کمک نمایند (اول قرن‌تین ۹: ۱۴-۱۳: ۱۳ بی‌شک به یاد دارید که خدا به خدمتگزاران خانه‌اش اجازه داد که خوراک خود را از هدایایی که مردم به خانه او می‌آورند، تأمین نمایند، و خدمتگزاران قربانگاه نیز از قربانی‌های مردم سهمی ببرند. ۱۴ به همین ترتیب، خداوند فرموده است هر که پیام انجیل را اعلام می‌کند، هزینه زندگی‌اش باید توسط مسیحیان تأمین شود. - غلاطیان ۶: ۶: آنانی که از کلام خدا تعلیم می‌بینند، موظفند به معلم خود پاداش خوبی بدهند).

شروعی تازه

برای من، دلیل مهم و اصلی که ده یک را پردازم این است که عیسی را دوست دارم. این افتخار و امتیازی است که آنچه را که او با سخاوتمندی به من داده است، به او برگردانم که خیلی بیشتر از برکت مالی است گذشته از آن کتاب مقدس به ما می گوید که طرز رفتار و فکری که ما در هنگام دادن ده یک داریم، به اندازه مقدار پولی که می دهیم برای خداوند اهمیت دارد (دوم قرنتیان ۹: ۱۵-۵: ۵ پس لازم دیدم که از این برادران خواهش کنم که پیش از من بیایند و هدایایی را که وعده داده بودید، آماده سازند. به این ترتیب، هنگام آمدن من، کمک های تان آماده خواهد بود، و این نشان خواهد داد که شما نه از روی اجبار، بلکه از روی میل هدیه داده اید. ۶ فراموش نکنید که هر که کم بکارد، کم نیز درو خواهد کرد؛ و هر که زیاد بکارد، زیاد درو خواهد کرد. پس اگر کم بدهید، کم نیز دریافت خواهید کرد. ۷ کسی را مجبور نکنید که بیش از آنچه قلباً در نظر دارد، بدهد بلکه بگذارید همانقدر که مایل است، بدهد زیرا خدا کسی را دوست دارد که از روی میل کمک می کند. ۸ اما خدا قادر است هر نعمتی را بیش از نیازتان به شما عطا فرماید، تا نه فقط احتیاجات خودتان برآورده شود، بلکه از مازاد آن بتوانید برای خدمات نیکوکارانه و کمک به دیگران استفاده کنید. ۹ چنانکه کتاب آسمانی می فرماید: «مرد خدا با گشاده دستی نیازمندان را دستگیری می کند و محبت و نیکوکاری او همواره مایه مباهات او خواهد بود.» ۱۰ اما خدا که برای کشاورز بذر آماده می کند تا بکارد و درو کند و بخورد، به شما نیز بذر فراوان عطا خواهد کرد تا بکارید، و محصول تان را فزونی خواهد داد تا بتوانید از آن هر چه بیشتر برای کمک به دیگران استفاده کنید. ۱۱ بلی، خدا به فراوانی به شما عطا خواهد کرد تا شما نیز با سخاوت به دیگران کمک کنید. و آنگاه که هدایای شما را به آنانی که نیازمندند برسانیم، به خاطر نیکوکاری شما، خدا را سپاس خواهند گفت. ۱۲ بنابراین، از هدایای شما دو نتیجه نیکو حاصل می شود: یکی آنکه احتیاجات مومنین برطرف می گردد، و دیگر آنکه باعث می شود به سبب آن، خدا را شکر کنند. ۱۳ کسانی که به آنان کمک می کنید، نه فقط برای هدایای سخاوتمندانه ای که به ایشان و همگان می دهید، شاد می شوند بلکه خدا را نیز سپاس می گویند، چون این کار شما ثابت می کند که اعمال تان به اندازه اعتقادات تان، نیکو و صحیح است.). خداوند بخشنده شادمان را دوست دارد! هدیه، بخشی است که با ده یک تفاوت دارد. هدیه را در هر زمانی می توانید بدهید. همیشه نیازمندی های دیگری در کلیسا وجود دارد، یا هر زمان که خدا شما را هدایت می کند که به کسی کمک کنید. این پول اضافه ای است که برای خدمات مرسلین مسیحی، افراد

شروعی تازه

مستمند، و یا سایر ایمانداران که در نیازمندی هستند، می‌تواند صرف شود (ایشان به سبب لطف بی‌پایان و عجیب خدا که در شما جلوه‌گر شده، با اشتیاق و محبتی عمیق برای شما دعا می‌کنند. ۱۵ خدا را شکر برای هدیه‌اش عیسی‌ای مسیح، هدیه‌ای عالی که با کلمات قابل وصف نیست! ۱۴- تثنیه ۱۶: ۹-۱۰: ۹ هفت هفته پس از شروع فصل درو، ۱۰ عید دیگری در حضور خداوند، خدای تان خواهید داشت که عید هفته‌ها خوانده می‌شود. در این عید هدیه داوطلبانه‌ای مطابق برکتی که خداوند به شما داده است نزد خداوند بیاورید).

هنگامی که بیشتر کاملاً به خدا اعتماد می‌کنم، احساس می‌کنم سخاوتمندتر می‌شوم و خداوند هرگز مرا تنها نگذاشته است. من از دوست داشتن و اطاعت کردن از خدا در این زمینه بسیار برکت یافته‌ام. وقتی که کنترل امور مالی را به خداوند می‌سپارم، خوشی، آرامش و رضایت دریافت می‌کنم. من «برای دریافت کردن بخشش نمی‌کنم»، اما در اقتصاد الهی، اطمینان داریم که زمانی که طبق خواسته او زندگی می‌کنیم، برکت و نیکویی به ما بر می‌گردد.

خلاصه کلام این است: ده یک و هدایای ما بایستی با روحی پر محبت و علاقمندی داده شود تا واقعاً به خداوند احترام بگذاریم. حقیقت این است که خداوند نمی‌خواهد ما بخشنده ناراحت و ناراضی باشیم، یا از روی وظیفه ببخشیم (لوقا ۱۱: ۴۲: وای بر شما ای فریسی‌ها که هر چند با دقت کامل، یک دهم تمام درآمدها را در راه خدا می‌دهید، اما عدالت و محبت خدا را به کلی فراموش کرده‌اید. یک دهم درآمد را البته باید داد، اما عدالت و محبت را نیز نباید فراموش کرد). او طالب «باقیمانده» آنچه داریم نیست، بلکه می‌خواهد بهترین بخش محصول خود را به او برگردانیم (تثنیه ۱۷: ۱: هرگز گاو یا گوسفند مریض و معیوب، برای خداوند، خدای تان قربانی نکنید. خداوند از این کار متنفر است).

اصول و قوانین خدا در مورد دادن و گرفتن

کتاب مقدس می‌گوید که راه‌ها و افکار خدا خیلی فراتر از ما است (اشعیا ۵۵: ۹-۸: ۸ خداوند می‌فرماید: «فکرهای من فکرهای شما نیست، و راه‌های من هم راه‌های شما نیست. ۹ به همان اندازه که آسمان بلندتر از زمین است، راه‌های من نیز از راه‌های شما و فکرهای من از فکرهای شما بلندتر و برتر است.»). ارزش‌های اخلاقی خداوند پاک و خالص هستند. بنابراین راه‌های او برای انجام کارهایش اغلب بر عکس آنچه که ما می‌اندیشیم به نظر می‌رسد (امثال ۱۹: ۲۵: مسخره کننده را تنبیه کن تا مایه عبرت جاهلان شود. اشتباهات شخص فهمیده را به او گوشزد نما تا فهمیده‌تر شود). در هیچ موردی این امر بیشتر از

شروعی تازه

هنگام بخشیدن دیده نمی‌شود. وقتی که به نظر نمی‌رسد چیزی برای دادن داریم به نظرمان امری احمقانه است که خدا از ما می‌خواهد هدیه بدهیم. اما هنگامی که طبق فرمان او رفتار می‌کنیم و با از خود گذشتگی هدیه می‌دهیم آن خوشی را که در کتاب مقدس بیان شده تجربه خواهیم کرد. (اعمال ۲۰: ۳۵-۳۳: «می‌بینید که من هرگز نه طمع پول داشتم و نه طمع لباس، ۳۴ بلکه با این دست‌ها همیشه کار می‌کردم تا خرج خود و همراهانم را تأمین کنم. ۳۵ از لحاظ کار سخت و کمک به فقرا نیز پیوسته برای شما نمونه بودم، چون کلمات عیسی‌ای خداوند را به خاطر داشتم که فرمود: دادن بهتر از گرفتن است.»)

قلب ما که سرچشمه تمایلات ما است، گفتار، اعمال و افکار ما را تعیین می‌نماید. عیسی می‌گوید: «آنچه در دل شخص باشد از سخنانش آشکار می‌گردد» (لوقا ۶: ۴۵: شخص نیک، چون خوش قلب است، اعمالش نیز نیک است. شخص بد، چون بد باطن است، اعمالش نیز بد است. آنچه در دل شخص باشد، از سخنانش آشکار می‌گردد!). به همین صورت، نشان واقعی شرایط درونی ما در علاقه ما و توانایی ما منعکس می‌شود وقتی که به دیگران بدون خودخواهی یاری می‌رسانیم و به خداوند احترام بگذاریم. نیت قلبی ما مهم‌ترین جنبه زندگی است و چیزی است که بسیار مورد نظر خداوند است (امثال ۴: ۲۳: مواظب افکارت باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می‌گیرد. - متی ۱۵: ۲۰-۱۶: ۱۶ عیسی گفت: «آیا شما نیز درک نمی‌کنید؟! ۱۷ آیا متوجه نیستید که آنچه انسان می‌خورد، وارد معده‌اش شده، و بعد از بدن دفع می‌گردد؟ ۱۸ اما سخنان بد از دل بد بیرون می‌آید و گوینده را نجس می‌سازد. ۱۹ زیرا از دل بد این قبیل چیزها بیرون می‌آید: فکهای پلید، آدم‌کشی، زنا و روابط نامشروع، دزدی، دروغ و بدنام کردن دیگران. ۲۰ بلی، این چیزها هستند که انسان را نجس می‌سازند، و نه غذا خوردن با دست‌های آب نکشیده!»).

من اغلب می‌گویم: «اگر به شیوه خدا انجام دهید، به شیوه خدا نتیجه می‌گیرید، اگر به شیوه خود انجام دهید، نتیجه خود را دریافت می‌کنید». بسیاری از اوقات نتایجی که از راه خود گرفتیم، به ناامیدی انجامید. افراد ناشناسی هستند که عملاً از راه خود برگشته و به راه خدا روی آورده‌اند، از این رو خوشی، آرامش و رضایت را تجربه کرده‌اند.

وقتی که خدا را دوست بداریم و کاملاً به او اعتماد کنیم، به طور طبیعی از او فرمان برده و با خدمت به دیگران، او را خدمت می‌کنیم. زمانی که سخاوتمندانه از وقت، استعداد و

شروعی تازه

توانایی مالی خود برای خدمت استفاده کنیم خوشی عظیمی در خود احساس کرده و مورد لطف خداوند قرار می‌گیریم (مزمور ۱۱۲: ۱) خداوند را سپاس باد! خوشا به حال کسی که از خداوند می‌ترسد و احکام او را با رغبت انجام می‌دهد. ۲ فرزندان شخص درستکار در دنیا نیرومند خواهند شد و نسل او برکت خواهند یافت. ۳ خانواده‌اش صاحب مال و ثروت خواهد شد و خوبی‌های او هرگز از یاد نخواهد رفت. ۴ برای کسی که درستکار و بخشنده، مهربان و نیکوکار است، حتی در تاریکی شب نیز نور طلوع می‌کند. ۵ خوشبخت است کسی که دلسوز و قرض‌دهنده باشد و در کسب و کارش با انصاف باشد. ۶ او در زندگی پیوسته ثابت قدم و پایدار خواهد بود و نام نیکش همیشه در یادها باقی خواهد ماند. ۷ او از شنیدن خبر بد نمی‌ترسد، زیرا ایمان او قوی است و بر خداوند توکل دارد. ۸ او نگران نمی‌شود و نمی‌ترسد زیرا مطمئن است که شکست دشمنانش را خواهد دید. ۹ با سخاوتمندی به فقیران می‌بخشد؛ اثرات نیکوکاری او تا ابد باقی می‌ماند و همیشه نزد مردم سربلند و محترم می‌باشد. ۱۰ بدکاران این را می‌بینند و خشمگین می‌شوند؛ دندان‌های خود را به هم می‌فشارند و همراه آرزوهای‌شان از بین می‌روند. ولی به این معنی نیست که اگر سخاوتمند باشیم ثروتمند می‌شویم، بلکه تمرکز ما از خودمان و نیازهای خودمان به سوی دیگران تغییر می‌کند و به جای آنکه خود مهوور باشیم به دیگران توجه می‌کنیم.

بسیاری اوقات، آرامش و رضایتی کسب می‌کنیم که در واقع پاداش ما برای خدمت به دیگران است. قدرت فراوان پاداش الهی را دست کم نگیرید زیرا با شکوه‌تر از آن است که حتی بتوانیم تصورش را بکنیم. این شیوه زندگی سخاوتمند طرح عظیم خدا برای ماست و او چنین زندگی‌هایی را در نظر دارد (لوقا ۶: ۳۸) بدهید تا خدا هم به شما بدهد. هدیه‌ای که می‌دهید، به خودتان بر خواهد گشت، آن هم با پیمان‌های پر، لبریز، فشرده و تکان داده شده! با هر دستی که بدهید با همان دست دریافت خواهید کرد. اگر با دست پر بدهید، با دست پر دریافت می‌کنید و اگر با دست خالی بدهید، با دست خالی دریافت خواهید کرد).

خسیس بودن، برعکس چیزی جز ناراحتی و غم و اندوه به بار نمی‌آورد (امثال ۱: ۱۹) این است سرنوشت تمام کسانی که در پی سود نامشروع هستند. چنین اشخاص خود را نابود می‌کنند. - دوم پطرس ۲: ۱۹ و می‌گویند: «کسی که نجات یافته، آزاد است هر کاری می‌خواهد بکند و هیچ کار او گناه به حساب نخواهد آمد.» در حالیکه خودشان نیز آزاد نیستند بلکه اسیر شهوات می‌باشند، زیرا انسانی که تحت تسلط چیزی است، اسیر آن می‌باشد). احتمالا شنیده‌اید که پول بد است، اما در حقیقت کتاب مقدس می‌گوید:

شروعی تازه

«پول دوستی ریشه تمام بدی‌هاست» (جامعه ۵: ۱۱-۱۰: ۱۰ آدم پول دوست هرگز قانع نمی‌شود و دایم به فکر جمع کردن ثروت است. این نیز بیهودگی است. ۱۱ هر چه ثروت بیشتر شود، مخارج نیز بیشتر می‌شود؛ پس آدم ثروتمند که با چشمانش خرج شدن ثروتش را می‌بیند، چه سودی از ثروتش می‌برد؟ - اول تیموتائوس ۶: ۱۰-۶: ۶ اما ثروتمند واقعی کسی است که در زندگی خداپسندانه خود، به آنچه دارد قانع و خرسند است. ۷ ما چیزی با خود به این دنیا نیاورده‌ایم و چیزی نیز نخواهیم برد. ۸ پس اگر خوراک و پوشاک کافی داریم، باید راضی باشیم، حتی اگر ثروتی هم نداشته باشیم؛ ۹ زیرا آنانی که به دنبال ثروت‌اندوزی می‌دوند، دیر یا زود دست به کارهای نادرست می‌زنند؛ این کارها به خود ایشان صدمه زده، فکرشان را فاسد می‌کند و سرانجام ایشان را راهی جهنم خواهد ساخت. ۱۰ عشق به ثروت، نخستین قدم به سوی سایر گناهان است. بعضی حتی برای پول، از خدا روگردان شده و خود را گرفتار انواع دردها کرده‌اند). پول خود بی‌طرف است، اما احساسی که نسبت به آن داریم، دارای این قدرت است که آن را خطرناک و ویرانگر می‌سازد. خداوند می‌خواهد ما از این نوع بردگی دوری نماییم. در واقع، خدا خود بخشنده است و وقتی که ما آزادانه از خود و دارایی خود می‌گذریم خشنود می‌گردد.

بخشنده شاد و سخاوتمند بودن ، آزادی و شادی عظیمی به بار می آورد

فصل دوازدهم :

عشای ربانی یا شام خداوند

اکثر مسیحیان کلمه «عشای ربانی» را شنیده‌اند و ممکن است تصور کنند که کاری است که در کلیسا انجام می‌گیرد که با خوردن یک قطعه نان خشک و قدری شراب یا آب انگور اجرا می‌شود. این توضیح صحیح است. اما حقیقتی که در پشت این عشای ربانی یا شام خداوند وجود دارد، تصویر بسیار زیبای خداست که شخصیت خود را با آنان که نجات را از عیسای مسیح دریافت کرده‌اند، منتقل می‌سازد.

کلمه کامیونیون از کلمه یونانی «کویونیا» می‌آید که به معنی «سهیم شدن با عموم» می‌باشد. این عمل می‌تواند نشانی از سهیم شدن در فکر، احساس، یا آداب و رسوم باشد. لغت واقعی «همبستگی» فقط در کتاب مقدس ترجمه پادشاه جیمز (King James Version) دیده می‌شود و فقط ۴ مرتبه در عهد جدید به کار رفته است. در غیر این صورت، کویونیا می‌تواند «مشارکت»، «شریک بودن»، یا «شریک کردن» (یعنی کسی که شرکت می‌کند، سهیم می‌شود یا می‌پیوندد) ترجمه شود.

عشای ربانی یا همبستگی بر طبق کتاب مقدس

عهد جدید تعلیم می‌دهد که عیسی به شاگردانش گفت که همیشه عشای ربانی را انجام دهند (اول قرن‌تین ۱۱: ۲۶-۲۳: ۲۳ این است آنچه خود خداوندان عیسای مسیح درباره این شام فرموده است و من هم قبلاً آن را به شما تعلیم داده‌ام: خداوند ما عیسی، در شبی که یهودا به او خیانت کرد، نان را به دست گرفت، ۲۴ و پس از شکرگزاری، آن را پاره کرد و به شاگردان خود داد و گفت: «این را بگیرید و بخورید. این بدن من است که در راه شما فدا می‌کنم. این آیین را به یاد من نگاه دارید.» ۲۵ همچنین پس از شام، پیاله را به دست گرفت و فرمود: «این پیاله، نشان پیمان تازه‌ای است میان خدا و شما، که با خون من بسته شده است. هرگاه از آن می‌نوشید، به یاد من باشید.» ۲۶ به این ترتیب، هر بار که این نان را می‌خورید و از این پیاله می‌نوشید، در واقع این حقیقت را اعلام می‌کنید که مسیح برای نجات شما، جان خود را فدا کرده است. پس تا زمان بازگشت خداوند، این آیین را نگاه دارید. در همان شب که به عیسی خیانت شد، درست قبل از مصلوب شدنش - آخرین سخنان خود را به شاگردانش بیان کرد که می‌خواست آنها او را به یاد آورند.

شروعی تازه

شامی که عیسی با آنها خورد «شام آخر» نام دارد، زیرا این آخرین غذایی بود که با آنها می‌خورد. نزدیک به پایان شام، عیسی نان را پاره کرد و سپس جام شراب را به دوستان محبوبش داد.

عیسی توضیح داد که نان به نشانه بدن اوست که روی صلیب برای گناهان دنیا شکسته می‌شود. جام شراب نشانه خون اوست که برای آنها و نسل‌های آینده ریخته می‌شود. خون او ریخته می‌شود تا گناهان ما پاک و شسته شود.

همبستگی به نام «شام خداوند» نیز خوانده می‌شود (اعمال ۲: ۴۷-۴۲) و در تعلیمی که رسولان می‌دادند و در آئین شام خداوند و دعا، با سایر ایمانداران مرتب شرکت می‌کردند. ۴۳ در ضمن، در اثر معجزات زیادی که توسط رسولان به عمل می‌آمد، در دل همه ترسی توأم با احترام نسبت به خدا ایجاد شده بود. ۴۴ به این ترتیب، تمام ایمانداران با هم بودند و هر چه داشتند با هم قسمت می‌کردند. ۴۵ ایشان دارایی خود را نیز می‌فروختند و بین فقرا تقسیم می‌نمودند؛ ۴۶ و هر روز مرتب در خانه خدا با هم عبادت می‌کردند، در خانه‌ها برای شام خداوند جمع می‌شدند، و با خوشحالی و شکرگزاری هر چه داشتند با هم می‌خوردند، ۴۷ و خدا را سپاس می‌گفتند. اهالی شهر نیز به ایشان احترام می‌گذاشتند و خدا هر روز عده‌ای را نجات می‌داد و به جمع ایشان می‌افزود). عیسی به شاگردانش دستور داد که این آئین را پس از مرگش، به یادبود او به جا آورند (لوقا ۲۲: ۲۰-۱۴). ۱۴ هنگامی که وقت شام فرا رسید، عیسی با دوازده رسول بر سر سفره نشست. ۱۵ آنگاه به ایشان فرمود: «با اشتیاق زیاد، در انتظار چنین لحظه‌ای بودم، تا پیش از آغاز رنج‌ها و زحماتم، این شام پسح را با شما بخورم. ۱۶ زیرا به شما می‌گویم که دیگر از این شام نخواهم خورد تا آن زمان که در ملکوت خدا، مفهوم واقعی آن جامه تحقق بیوشد.» ۱۷ آنگاه پیاله‌ای به دست گرفت و شکر کرد و آن را به شاگردان داد و فرمود: «بگیرید و میان خود تقسیم کنید، ۱۸ زیرا تا زمان برقراری ملکوت خدا، دیگر از این محصول انگور نخواهم نوشید.» ۱۹ سپس نان را برداشت و خدا را شکر نمود و آن را پاره کرد و به ایشان داد و گفت: «این بدن من است که در راه شما فدا می‌شود. این را به یاد من به جا آرید.» ۲۰ به همین ترتیب، پس از شام، پیاله‌ای دیگر به ایشان داد و گفت: «این پیاله، نشان‌دهنده پیمان تازه خداست که با خون من مهر می‌شود، خونی که برای نجات شما ریخته می‌شود). اما هرگاه که نان و شراب را بخورند، فداکاری او را به یاد خواهند آورد که «پیمان جدید» را بنیان گذاشت.

شروعی تازه

«پیمان جدید» صدها سال پیش از ظهور عیسی در عهد عتیق پیش‌بینی شده بود. این پیمان یا وعده درباره قربانی خون مسیح برای بخشش گناهان یک بار و برای همه است. وقتی که ما مورد بخشش قرار می‌گیریم و توسط خداوند نجات می‌یابیم، روح‌القدس او همبستگی یا رابطه ما را با خدا کامل می‌سازد (ارمیا ۳۱: ۳۳-۳۴). اما اینست آن عهد تازه‌ای که با قوم اسرائیل خواهیم بست: دستورات خود را بر قلبشان خواهیم نوشت تا با تمام وجود مرا پیروی کنند؛ آنگاه ایشان به راستی قوم من خواهند بود و من خدای ایشان. ۳۴ در آن زمان دیگر نیازی نخواهد بود کسی به دیگری تعلیم دهد تا مرا بشناسد، چون همه از کوچک تا بزرگ، مرا خواهند شناخت. من نیز خطایای ایشان را خواهم بخشید و گناهان‌شان را دیگر به یاد نخواهم آورد! - دوم قرن‌تین ۳: ۱۱-۳ همه می‌توانند ببینند که شما نامه مسیح هستید، نامه‌ای که ما نوشته‌ایم، نه با قلم و جوهر، بلکه به وسیله روح خدای زنده؛ و نه روی لوحه‌ای سنگی، بلکه بر دل انسان. ۴ اما اگر جرات می‌کنیم که چنین ادعاهایی درباره خودمان بکنیم، علتش اینست که به وسیله مسیح به خدا اعتماد کامل داریم که او ما را یاری می‌دهد تا بتوانیم به ادعاهایمان نیز عمل کنیم؛ ۵ در غیر این صورت قادر نخواهیم بود با تکیه به نیروی خود، کار با ارزشی برای خدا انجام دهیم، چون قابلیت‌ها و موفقیت‌های ما از خداست. ۶ اوست که ما را توانایی بخشیده تا به مردم اعلام نماییم که خدا برای نجات بشر، عهد و پیمان جدیدی فراهم کرده است. پیام و محتوای این پیمان جدید، این نیست که اگر کسی تمام قوانین خدا را اطاعت نکند می‌میرد؛ بلکه پیام اینست که روح خدا به انسان، زندگی و حیات می‌بخشد. مطابق پیمان قدیم، برای نجات می‌بایست همه احکام موسی را اطاعت کرد؛ و چون هیچکس نمی‌توانست تمام احکام را اجرا کند، پس همه محکوم به مرگ بودند. اما طبق این پیمان جدید، روح خدا به انسان حیات و زندگی واقعی می‌بخشد. ۷ با اینحال، آن روش و پیمان قدیم که منجر به مرگ و مجازات ابدی می‌شد، با چنان شکوه و جلالی شروع شد که مردم طاقت نداشتند به صورت نورانی موسی نگاه کنند؛ زیرا وقتی موسی احکام الهی را که بر روی لوحه‌ای سنگی حک شده بود، از حضور خدا برای مردم آورد، صورت او در اثر جلال خدا می‌درخشید. اما این درخشش به تدریج محو می‌شد. ۸ پس اکنون که روح خدا به انسان زندگی حقیقی می‌بخشد، آیا نباید انتظار جلال بیشتری را داشته باشیم؟ ۹ اگر روشی که باعث محکومیت و هلاکت می‌شد، با چنان جلال و شکوهی همراه بود، پس طریقی که سبب نجات انسان می‌گردد، باید جلال و شکوه بیشتری داشته باشد! ۱۰ در

شروعی تازه

واقع آن جلال دوران گذشته که در صورت موسی می‌درخشید، در مقایسه با جلال برتر این پیمان جدید، همچون قطره‌ای است در مقابل اقیانوس! ۱۱ پس اگر آن روش قدیم که موقتی بود و به تدریج محو و نابود می‌شد، پر از جلال و شکوه آسمانی بود، این راه جدید خدا برای نجات ما، که همیشگی و جاودانی است، قطعاً بسیار با شکوه‌تر خواهد بود.

به خاطر داشته باشید که شیوه قربانی خون گاو و گوسفند، متعلق به پیمان قدیم بود و بایستی هر روز و هر سال اجرا می‌شد. اما تمام این شیوه فقط پیش‌بینی قربانی پر جلال مسیح بود که خود را قربانی نمود تا کسانی که به او ایمان آورند بخشیده شوند و با خدا مصالحه نمایند. با ظهور خداوندمان، دیگر به شیوه قدیم نیازی نیست و منسوخ شده است.

شام عید پَسَح (Passover)

جالب توجه است که در لوقا ۱۵:۲۲؛ عیسی همبستگی را «غذای پَسَح» نامید (لوقا ۲۲: ۱۵):
آنگاه به ایشان فرمود: «با اشتیاق زیاد، در انتظار چنین لحظه‌ای بودم، تا پیش از آغاز رنج‌ها و زحماتم، این شام پَسَح را با شما بخورم.» واقعاً پَسَح در عهد عتیق قرن‌ها قبل از تولد عیسی رخ داد. داستان چنین است که یهودیان در حال ترک مصر بودند، جایی که حدود ۴۰۰ سال در بردگی به سر بردند. اما خدا می‌خواست که آنها را آزاد نماید و به «سرزمین موعود» بیاورد. این «سرزمین» در حقیقت همان کشور اسرائیل امروزی و منطقه اطراف آن است.

اتفاقاً، مناسب است که داستان آزادی یهودیان از بردگی را به آزادی که ما با پذیرفتن بازخرید عیسی برای گناهانمان دریافت می‌کنیم، ارتباط دهیم. و به همان نسبت، همانطور که آنها به سرزمین موعود رسیدند، برای مسیحیان نیز «سرزمین موعود» همان رابطه صمیمی و نزدیکی است که حالا و نیز در حیات آینده در ابدیت با خدا داریم.

داستان پَسَح، داستان فرعون، پادشاه مصر است که حاضر نبود بردگان عبرانی را از کشور خود آزاد کند. خداوند با به وجود آوردن آفات بیشمار او را مجبور ساخت که یهودیان را رها کند. آخرین بلایی که خداوند به آنها فرود آورد، فرشته مرگ بود. این فرشته فرستاده شد تا هر نخست‌زاده مذکر چه انسان و چه حیوان را، در آن منطقه بکشد (خروج ۱۲: ۱۱-۱۳). «قبل از خوردن بره، کفش به پا کنید، چوبدستی به دست گیرید و خود را برای سفر آماده کنید، و بره را با عجله بخورید. این آیین، پَسَح خداوند خوانده خواهد شد. ۱۲ چون من که خداوند هستم، امشب از سرزمین مصر گذر خواهم کرد و تمام پسران ارشد مصریان و همه نخست‌زاده‌های حیوانات ایشان را هلاک خواهم نمود و خدایان آنها را

شروعی تازه

مجازات خواهیم کرد. ۱۳ خونی که شما روی تیرهای در خانه‌های خود می‌پاشید، نشانه‌ای بر خانه‌های تان خواهد بود. من وقتی خون را ببینم از شما می‌گذرم و فقط مصریان را هلاک می‌کنم. جالب است که بدانید کتاب خروج به همین مناسبت نام گرفته است زیرا خروج به معنی «ترک کردن» است.

خداوند می‌خواست از قوم خود محافظت نماید. از این رو به قوم اسرائیل دستور داد که گوسفندی را بکشند و با خونس سر در خانه‌های‌شان را رنگ کنند که وقتی فرشته مرگ به خانه‌ها نزدیک می‌شود از خانه‌هایی که رنگ خون دارد «خواهد گذشت» و نخست‌زاده انسان و یا حیوان آن خانواده را هلاک نخواهد کرد. کلمه «گذشتن» به این معنی است.

علاوه بر آن، یهودیان بایستی قبل از آغاز سفرشان، گوشت بره و نانی که بدون خمیر ترش تهیه شده بود بخورند. چون وقت کافی نداشتند که برای ور آمدن خمیر نان صبر کنند، ناگزیر بودند خمیر نان را بدون استفاده از خمیر ترش درست کنند. آنها بایستی در هر لحظه آماده سفر باشند.

تمام این‌ها بسیار اهمیت دارد زیرا در ارتباط با عیسی است. زیرا او بره مذکر است، که قربانی کامل است (یوحنا ۱: ۲۹-۳۰: ۲۹ روز بعد، یحیی، عیسی را دید که به سوی او می‌آید. پس به مردم گفت: «نگاه کنید! این همان بره‌ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود. ۳۰ این همان کسی است که گفتم بعد از من می‌آید ولی مقامش از من بالاتر است، چون قبل از من وجود داشته است.» عیسی خون خود را داد که نشانی از «سر در رنگ‌شده» زندگی ایمانداران می‌باشد و با آن داوری از زندگی ما (عبور) می‌کند. به سبب این هدیه با ارزش، مسیحیان از مرگ روحانی و جدایی ابدی از خداوند آزاد شدند.

فراتر از آن، یهودیان غذای پسح را قبل از آنکه رنج بردن آغاز شود، خوردند، درست همان طور که عیسی انجام داد (لوقا ۲۲: ۱۵: آنگاه به ایشان فرمود: «با اشتیاق زیاد، در انتظار چنین لحظه‌ای بودم، تا پیش از آغاز رنج‌ها و زحماتم، این شام پسح را با شما بخورم.» و درست همان طور که قوم خدا در داستان خروج هر لحظه آماده ترک کردن مصر بودند، ما نیز باید هر لحظه آماده بازگشت خداوند باشیم (اول تسالونیکیان ۵: ۲: زیرا شما به خوبی می‌دانید که هیچکس زمان بازگشت او را نمی‌داند. «روز خداوند»، همچون دزد شب، بی‌خبر سر می‌رسد).

دلیل و انگیزه برگزاری شام خداوند

حال که می‌دانیم شام خداوند چیست، به اهمیت جدی بودن آن اشاره می‌کنیم. کتاب مقدس می‌گوید که در واقع اگر مسئله شام خداوند را بی‌اهمیت بنگریم، یا بدون توبه انجام دهیم، به خودمان آسیب می‌زنیم (اول قرن‌تیا ۱۱: ۳۲-۲۷: ۲۷ بنابرین، اگر کسی به طور ناشایست از این نان بخورد و از این پیاله بنوشد، به بدن و خون خداوندان عیسی مسیح بی‌احترامی کرده و نسبت به آنها مرتکب گناه شده است. ۲۸ به همین دلیل است که شخص پیش از شرکت در این آیین، باید با دقت خود را امتحان کند تا ببیند آیا شایستگی برای شرکت در آن را دارد یا نه. ۲۹ زیرا اگر کسی به طور ناشایسته از نان بخورد و از پیاله بنوشد، یعنی تشخیص ندهد که بدن مسیح همان کلیساست، با شرکت در این آیین، خود را در نظر خدا محکوم کرده است، چون به مرگ مسیح بی‌حرمتی نموده است. ۳۰ از اینروست که بسیاری از شما ضعیف و بیمارند و حتی بعضی مرده‌اند. ۳۱ اما اگر خود را امتحان کنید، دیگر خدا شما را محکوم و تنبیه نخواهد نمود. ۳۲ اما حتی اگر خداوند ما را محکوم و تنبیه کند، به این منظور است که در آینده با سایر مردم دنیا مورد محاکمه و داوری قرار نگیریم). این قسمت از آیات کلام در باره مردم قرن‌تس است که با استفاده از نان و شراب در هنگام شام خداوند، شکم‌های‌شان را سیر می‌کردند و مست می‌شدند.

انجام شام خداوند به این دلایل بسیار نامناسب است. اما از طرفی به ما هشدار می‌دهد که نان و شراب را بدون اعتراف به گناهان و توبه از گناهان استفاده نکنیم. ما نباید بدون تفکر و بی‌دقت با خداوند گفتگو کنیم. دستور بر این است که قبل از خوردن «شام خداوند» قلب خود را جستجو کرده مطمئن باشیم که با خداوند صادق هستیم (عبرانیان ۱۰: ۲۹: پس چه مجازات وحشتناک‌تری در انتظار کسانی خواهد بود که فرزند خدا را تحقیر می‌کنند، و خونی را که نشان عهد خدا و پاک‌کننده گناهان ایشان است، بی‌ارزش می‌شمارند، و به روح‌القدس که عطاکننده رحمت الهی است، بی‌احترامی می‌نمایند). به عنوان فردی مسیحی به بهای سنگینی خریداری شده‌ایم. بنابراین نباید آنچه را که با چنین محبت و فداکاری به دست آمده است، بی‌اهمیت در نظر آورد (اول پطرس ۱: ۲۰-۱۸: ۱۸ خدا برای نجات شما بهایی پرداخت، تا شما را از قید روش پوچ و باطل زندگی که از اجداد خود به ارث برده بودید، آزاد سازد؛ بهایی که خدا برای آزادی از این اسارت پرداخت، طلا و نقره نبود، ۱۹ بلکه خون گرانبه‌ای مسیح بود که همچون بره‌ای بی‌گناه و بی‌عیب قربانی شد.

شروعی تازه

۲۰ برای این منظور، خدا او را پیش از آفرینش جهان تعیین کرد، اما در این زمان‌های آخر او را به جهان فرستاد تا شما را رستگار سازد. در حالی که زمان در زندگی مسیحی در گذر است، ما می‌توانیم به طور غیر عمد عیسی و راهنمایی‌های او را بیشتر به صورت مراسم یا عادت، و نه به عنوان راه پویا و پیش‌رونده حیاتی، برگزار کنیم. وقتی که ایمان ما کهنه، بدون محبت، یا بدون قدرت می‌شود - اما ما «اعمال خود را به جا می‌آوریم»، این نوع ایمان، اساساً مذهب خوانده می‌شود. عیسی از مذهب نفرت دارد. او می‌خواهد رابطه‌ای زنده، در حال رشد و رضایت‌بخش با ما داشته باشد. ما باید این پیوند محبت را هر روز نگهداری کنیم و عمداً راه‌هایی را برگزینیم که اتحاد او را با ما محکم می‌سازد.

زندگی با عیسی می‌تواند هیجان‌انگیزترین تجربه‌ای باشد که تصور نکنید. اما نگاه‌داری آن احتیاج به زمان و کوشش دارد. دعا می‌کنم که این کتاب شما را در فهمیدن حقایق اساسی زندگی مسیحی یاری کرده باشد. دعا می‌کنم که قدرت روح القدس را دریافت نمایید تا شیوه زندگی شما خداوند مسیح را خشنود سازد. و دعا می‌کنم که زندگی‌تان را کاملاً به او تسلیم کنید. همیشه در زندگی مشکلات وجود دارد، اما هنگامی که عیسی را در بالاترین مرحله اهمیت قرار دهید، می‌توانید بر مشکلات غلبه نمایید و به راحتی ادامه دهید که هرگز تصورش را نمی‌کردید.

بکوشید تا عیسی را هر روزه اولویت خود بسازید!

اگر بعد از این آخرین درس فرصتی دارید، می‌توانید آنچه را که در این دروس آموخته‌اید با گروه خود در میان بگذارید. راه‌هایی را که امروز توسط آن می‌توانید عیسی را دوست بدارید و خدمت نمایید، یادداشت کنید.

شرون ☺